



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:

مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین بزرگی
مسعود تهرانی فرجاد
سید غلام رضا فلسفسی
مدیر راهنمایی: الهام البکابی
ویراستار: افسانه حقی طباطبائی
طراح گرافیک: مهسا قبایی
طراح روی جلد: علیرضا پور منفه
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن ۹ - ۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۰۵) ۱۵۸۷۰
عنوان: پستی ۱۰۹
نماهنگ: ۰۸۸۴۹۰ - ۰۹۰۰
ویگاه: www.roshdmag.ir

پیامنگار: pishdabestani@roshdmag.ir
تلفن پیامگیر نشریات زند: ۰۲۰ - ۱۴۸۲ - ۸۸۳۰ - ۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۱۳
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۳
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۱/۵/۱۶۵۹۵
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۳۰۰۸۹۹۵۷
پیامک: شماره ۶۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سردبیر / تغییرات رازیبا بپذیریم! / سردبیر / ۱
آموزشی / رابطه «فضا» و «بهداشت کودکان» / دکتر مرجان گودرزی / ۴
گفت و گو / احترام به زبان مادری لازم است / محسن رخشانی / ۶
در باع تجربه‌ها / مراحل ارتباط و دوستی‌های کودکان / مژگان گودرزی / ۸
گردش علمی / تجربه یک بازدید شیرین و آموزنده آنا سلمان، سوزی تاچل، ترجمه: حسین چابک / ۱۰
گزارش / فردا را به من بسپار! / زهرا میرمحمدی / ۱۳
شهد کلام وحی / آغازی خوب برای پایانی خوب / مسعود تهرانی فرجاد / ۱۴
برنامه درسی پیش‌دبستانی / طراحی فضای آموزشی براساس برنامه‌ریزی چندبعدی / راحله ملکان / ۱۶
یادداشت کوتاه / آیا ۱۰۰ سال انتظار زمان کمی است؟! / دکتر مرتضی مجذف / ۲۰
آموزشی / تأثیر هاله مثبت کودکان در محیط / فریده عصاره / ۲۲
نقد و نظر / محتوا در معرض نقد و نظر / مرتضی طاهری / ۲۷
گفت و گو / پیش‌دبستانی در کلاس‌های چندپایه / محسن رخشانی / ۲۸
خبر / تجربه‌های ۳ استان / رقیه قنبری / ۳۰
معرفی کتاب / روش فعال در کودکستان / رقیه قنبری / ۳۱
با مریان / چرا بی احترامی، چرا ویرانگری؟ / دکتر فرخنده مفیدی / ۳۲
گزارشی از یک بازدید / حس استقلال در کودکان بی سرپرست / سمانه آزاد / ۳۴
در کوچه باع تجربه / نگاهی دیگر به نقاشی کودک / حسن رضاترایی / ۳۷
آموزشی / چگونه از ابتلاء کودک به «سندرم باری شدن» بیشگیری کنیم / سید غلام رضا فلسفی / ۳۸
یک نکته از این معنی / من و تو مثل هم کودکیم! / مینا امجدی نیا / ۴۱
با مریان / چگونه هیجان‌های کودکان را مدیریت کنیم؟ / دکتر مرجان کیان / ۴۲
پژوهش / کودک، شکل‌گیری شخصیت و ایجاد عادات مطلوب / شیرین فاضلی / ۴۴
با مدیران و مریان / ویژگی‌های مدیران کارآمد مراکز پیش‌دبستانی / غفار کریمیان پور / ۴۶
آموزش / چگونه به کودکان پیش‌دبستانی، مفاهیم ریاضی را بیاموزیم؟ / دکتر احمد آقایی، مریم تبریزی، غلام‌رضا تبریزی / ۵۰
معرفی کتاب / پژوهش و نگارش / شیرین فاضلی / ۵۳
آموزش / راهکارهای افزایش هوش هیجانی در کودکان / ندای اسلامت / ۵۴
آموزش / مهارت‌های ذهنی و اجتماعی در کودکان / فهیمه سادات حسینی / ۵۶
آموزش / رویکرد آموزشی‌های اسکوپ / زهرا میرمحمدی / ۶۰

قابل توجه نویسنده‌گان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلًا در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خواهی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد.
- مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خواناً نوشته و یا مشین شود (مقاله‌های توانند با نرم‌افزار ورد-Word و پرروی لوح فشرده CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند.
- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مجله در رده، قبول، ویرایش و تخلیص مقاله‌های رسیده مختار است.
- آرای مذرد در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
- مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.





تغییرات را زیبا پذیریم!

سلام به فرش رنگین طبیعت، سلام به پاییز.

فصلی دیگر از رشد آموزش پیش‌دبستانی را شاهدیم. مقرر شد متناسب با سیاست‌های نوین مجلات رشد و پذیرش اعضای هیئت تحریریه و شورای برنامه‌ریزی فصلنامهٔ تخصصی رشد آموزش پیش‌دبستانی، فعلاً سالانه برای سه شماره، بهار، زمستان و پاییز برنامه‌ریزی کنیم و شمارهٔ تابستان را نداشته باشیم و به جبران کاهش شمارهٔ تابستان، مجله در هر شماره با حجم ۶۴ صفحه به جای ۴۸ صفحه تنظیم گردد. این تغییر البته مباحثی را در پی داشت و در نهایت، هم‌اکنون نیز برای کسب تجربه و استفاده از نظر مخاطبان محترم آماده‌ایم.

براساس دیدگاه‌های مسئولان در جلسات ماهیانه و نیز جلسات ماهیانه اعضای شورای برنامه‌ریزی، ساماندهی مطالب در قالب ۶۴ صفحه نیازمند هماهنگی بیشتر با مخاطبان، پذیرش مقاله‌های طولانی‌تر، تقسیم‌بندی موضوعات پذیرفته شده براساس نیازهای کارشناسان، دانشجویان، پدران و مادران و علاقه‌مندان به کودکان به شکل وسیع‌تر است.

در این راستا امکان استفاده از نیازهای استان‌های مختلف، برنامه‌ریزی‌های جدید و خدمات دفتر آموزش‌های پیش‌دبستانی در وزارت آموزش و پرورش و تلاش‌های آنان بیشتر فراهم می‌آید و شاید بتوان تنوع‌پذیری و تغییرات کلی‌تری را هم در پذیرش مقاله‌ها، نوشه‌ها، و مطالب دریافتی پیش‌بینی کرد. اما تغییری دیگر؛ خانم شهرلا فهیمی که تاکنون در سمت مدیر داخلی در این فصل نامه تخصصی با سردبیر و اعضای تحریریه همکاری داشتند به علت زیاد بودن فعالیت‌ها و براساس سیاست‌های دفتر مجلات رشد، با مجله رشد آموزش ابتدایی همکاری خواهند داشت و خانم الهام الیکایی در سمت وی به کار در مجله رشد پیش‌دبستانی اشتغال خواهند داشت. به این وسیله از خدمات دلسوزانه و بی‌شایسته سر کار خانم شهرلا فهیمی قدردانی می‌شود و ضمن تبریک به خانم الهام الیکایی، امیدواریم که او بتواند کار را به نحو احسن دنال کند.

- در اعضای هیئت تحریریه نیز با همکاری آقای سید غلامرضا فلسفی، تغییر دیگری را در تعداد اعضای شرکت‌کننده در مجله رشد پیش‌دبستانی شاهدیم. این فصل زیبا و تغییرات نوین را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم بتوانیم مطالب مجله را با زیبایی هرچه تمام‌تر به نحوی مقبول تر و پذیرفتگی‌تر به خوانندگان و مخاطبان آن تقدیم کنیم. از خانواده‌ها، مدیران و مریبان مراکز پیش‌دبستانی، کارشناسان و دانشجویان تقاضا داریم همچنان با ارسال مطالب خویش به پریار کردن مجله کمک کنند. باشد که بتوانیم از نظرات ارزشمند همگان برخوردار شویم. سردبیر

رابطه «فضا» و «بهداشت کودکان»

دکتر مرجان گودرزی
پژوهش عمومی

مقدمه

فضاهای آموزشی یکی از حوزه‌های معماری محیطی هستند که نقش عمده‌ای در جامعه ایفا می‌کنند و ناآگاهی و بی‌توجهی به طراحی فضاهای آموزشی و به ویژه در حوزه بهداشت می‌تواند نتایج نامطلوبی داشته باشد.

با توجه به مسئله بهداشت در مراکز آموزشی و لزوم توجه اساسی به آن از منظر سلامتی و نیز خدمات رفاهی به کودکان و کارکنان، لازم است. به طراحی این فضاهای رفاهی به طور جدی توجه شود و استانداردهای فرهنگی و مورد پذیرش متولیان امر رعایت گردد.

کودکان به ویژه در سنین خردسالی بسیار بصری‌اند. آن‌ها در محیطی که موجب لذت، دلخوشی و امنیت‌شان شود، شاد و شکوفا می‌شوند. نوع واکنش کودکان نسبت به اشخاص دیگر ناشی از تأثیرات محیطی این چنین است.

پروفسور «لاوسون»، یکی از بر جسته‌ترین نظریه‌پردازان معماری و نویسنده کتاب «طراحان چگونه می‌اندیشنند؟»، اعتقاد دارد که از میان پژوهش‌های معماری، هیچ‌یک به اندازه طراحی محیط‌های آموزشی نمی‌تواند جذاب و دل‌انگیز باشد؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های مهم انسانی و آموزش و رشد کودکان در آن صورت می‌گیرد.



به طور کلی وضعیت بهداشت همگانی در اجتماعات و به ویژه در مراکز تربیتی و آموزشی و از آن مهم‌تر برای کودکان خردسال ارتباط مستقیمی با وضعیت ساختمان و شرایط سرویس‌های بهداشتی مستقر در آن دارد. خطرات ناشی از عدم رعایت اصول ساختمانی و بهداشت محیط در سرویس‌های بهداشتی همواره تهدیدی برای سلامت کودکان و کارکنان است.

بنابراین، به منظور جلوگیری از آلودگی محیط (آب، هوا و خاک) به عوامل بیماری‌زای موجود در مدفوع و فاضلاب و ممانعت از دسترسی حشرات به آن‌ها تدوین مشخصات فنی، ساختمانی و بهداشتی سرویس‌های بهداشتی برای اجرای صحیح بهداشت محیط در مدارس و تأمین سلامت کودکان، کارکنان و نیز خانواده‌های آنان یک ضرورت محسوب می‌شود.

هدف از تدوین این آیین کار، تهیه ضوابط و تدوین اصول طراحی و بهداشتی در آب‌خواری و سرویس‌های بهداشتی مراکز آموزشی، در مناطق شهری و روستایی است.

به نحوی که با کاربرد و اجرای آن در مراکز

آنچه، صابون و دیگر امکانات بهداشتی همچون حمام و تسهیلات مربوط به آن است.^۱ در کشور انگلستان، دستشویی به اندازه کافی و قابل دسترس و حتی رخت‌کن و حمام نیز برای کودکان و کارکنان وجود دارد.^۲ در این کشور هر ۲۰ دانش‌آموز یک توالت دارند و برای هر ۲۵ کارمند تمام وقت یک توالت وجود دارد. توالت‌هایی برای کارمندان بازدیدکنندگان و حتی دانش‌آموزان ناتوان و معلول وجود دارد. اتفاق مخصوص بهداشت دارای دوش، دستشویی و بالابر ثابت و یا متحرک است. امکانات رخت‌کن با دوش نیز برای کودکان و کارکنان وجود دارد.

از آنجاکه هم‌اکنون در کشور ما بعضی از مراکز پیش‌دبستانی در کنار مدارس و یا در مجتمع یکسانی اداره می‌شود، سرویس‌های بهداشتی مخصوص کودکان بزرگ‌تر است گاه برای کودکان ۴، ۵ و ۶ ساله مناسب نیست. در عین حال، این سرویس‌ها اغلب تهویه طبیعی یا مکانیکی مناسبی ندارند.

از نظر استاندارد، لازم است در مدارس پسرانه، به ازای هر ۴ نفر دانش‌آموز پسر و در مدارس دخترانه به ازای هر ۲۵ دانش‌آموز یک چشم‌هه توالت پیش‌بینی شود که گاه حتی این نسبتها نیز رعایت نمی‌شود. برای کارکنان مدارس هم باید به ازای هر ۵ مرد و یا ۲ زن نیز یک چشم‌هه توالت در نظر گرفته شود اما شواهد موجود نشان‌دهنده کاستی‌ها و مشکلات بهداشتی در این زمینه است.

ضمناً به طور معمول به ازای هر چشم‌هه توالت باید یک واحد دستشویی نیز منظور گردد.

در هر حال، بانگاهی سریع به وضعیت توالت‌ها و سرویس‌های بهداشتی در مراکز فعلی پیش‌دبستان و به ویژه برای سنین ۳-۶ سال می‌توان به وجود مشکلاتی همچون ناکافی بودن تعداد، نبود یا کمبود تسهیلات و امکانات مناسب، نبود حمام و نیز توالت برای بازدیدکنندگان و خانواده‌ها، دستشویی‌های غیراستاندارد و کمبود وسائل بهداشتی اشاره کرد که تنها بخشی از کاستی‌های موجود است.

از آنجاکه سلامتی و رفاه کودکان، خانواده‌ها و کارکنان این مراکز در کنار وسایل تربیتی اولویت خاصی دارد، باید مسئولان به این مسئله مهم توجه داشته باشند. نظرات و بازدید دورهای کارشناسان مربوطه از این مراکز می‌تواند به تعییرات لازم بینجامد. در حالی که بسیاری از کارشناسان تنها به مسئله آموزش و محتوا توجه دارند و گاه از مسائل بهداشتی و رفاهی کودکان و نیز بیماری‌زایی محیط‌هایی که کودکان زمان زیادی را در آنجا می‌گذرانند، غافل می‌مانند.

پیش‌نوشت‌ها

1. <http://www.adalbert-stifter-vokschole.de/Schollegen/index.html>

2. <http://www.desf.gov.uk>



تربیتی، آموزشی

به ویژه در مراکز کودکان پیش‌دبستان، بتوان به اهداف زیر دست یافته:

- بهبود وضع بهداشتی مراکز، خانواده‌ها و جامعه
 - تأمین رفاه و سلامت کودکان، کارکنان و خدمت‌گزاران
 - پیشگیری از بیماری‌های انتقالی به وسیله آب‌آلوده و مدفوع.
- در بعضی کشورها مثل آلمان، دستشویی‌ها در مدارس و مراکز کودکان زیر ۶ سال دارای فضای مسقف با نور مناسب،



**پای صحبت مهندس محمد دیمهور،
معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش**

احترام به زبان مادری لازم است

محسن رخشانی

است؟

اقوام مختلفی در کشور بزرگ ایران زندگی می‌کنند و کودکان این اقوام با زبان مادری غیر فارسی تکلم می‌کنند. با توجه به اینکه آموزش برنامه درسی زبان فارسی است، ضمن احترام به زبان مادری لازم است این کودکان به زبان فارسی تسلطی نسبی پیدا کنند. برای پیشگیری از مشکلات تحصیلی شخصیتی در دبستان، علاوه بر مهارت‌های کلامی-زبانی، داشتن برخی مهارت‌های اجتماعی، تربیتی، جسمانی هم در این مرحله ضروری است. با توجه به اینکه اغلب کودکان ساکن مناطق غیربرخوردار و مرزی هستند، بسیاری از آن‌ها دورهٔ یک ساله پیش‌دبستانی را نمی‌گذرانند. بهمنظور جلوگیری از مشکلات بعدی، دوره‌های ویژه‌ای برای این کودکان ظرف حداقل یک ماه برگزار می‌شود. این دوره‌ها با هزینهٔ دولت و صد درصد رایگان برگزار می‌شوند. در سال ۱۳۹۲ پوشش دورهٔ یک ماههٔ نوآموزان مناطق دوزبانه از ۳۷۰۰۰ نفر در سال ۹۲ به بیش از ۱۰۸۰۰۰ نفر رسیده است.

وزارت آموزش و پرورش برای تحقق بخشیدن به شعار عدالت آموزشی دولت تدبیر و امید و فراهم نمودن فرصت برابر آموزشی برای

برخورداری از آموزش و پرورش دورهٔ پیش‌دبستانی؛ توجه ویژه به کودکان مناطق دو زبانه؛ توجه خاص به کودکان دارای نیازهای ویژه؛ تدوین برنامه‌های جامع کودکان؛ تولید کتاب «گلزارهای EFA»؛ فعالیت چشمگیر در برنامه و فعالیت در پروژه‌های بین‌المللی.

از نظر کمی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تعداد نوآموزان ثبت نام شده در مراکز پیش‌دبستانی وزارت آموزش و پرورش با رشد قابل توجه نسبت به سال قبل افزایش یافت. بدین معنا که از حدود ۵۳۰ هزار نفر به بیش از ۶۷۰ هزار نفر رسیده است و ۵۲٪ درصد از کودکان واجد شرایط، از فعالیت‌های تربیتی پیش‌دبستانی در طول یک سال تحصیلی برخوردار شده‌اند.

امروزه در دنیا کانون توجه کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزهٔ عدالت آموزشی- اجتماعی به آموزش کودکان گروه‌های خاص از جمله دو زبانه معطوف است. لطفاً بفرمایید معاونت آموزش ابتدایی در این باره چه اقداماتی صورت داده

اشاره

مهندس دیمهور، معاون محترم دورهٔ ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با دغدغه‌های ایشان نسبت به کودکان پیش‌دبستانی که از زمان تصدی در استان‌های سمنان و خراسان جنوبی همراه دارند، برای تبیین نظرات، اقدامات و برنامه‌های پیشرو در این زمینه با ما به گفت و گو نشسته‌اند که حاصل این گفت و گو را در زیر می‌بینند.

آقای مهندس دیمهور، به عنوان نخستین سؤال بفرمایید که مهم‌ترین دستاوردهای آموزش پیش‌دبستانی در برنامه‌های سال تحصیلی ۹۳-۹۴ از نگاه شما شامل چه مواردی است؟ خوشحالم که فرصتی فراهم شد تا بتوانم گوش‌های از فعالیت‌های معاونت آموزش ابتدایی در حوزهٔ پیش‌دبستانی را از طریق این مجله به اطلاع خوانندگان و مخاطبان این نشریه آموزشی برسانم. ابتدا فهرست‌وار مهندس دیمهور این دستاوردها را ذکر می‌کنم و سپس در اثنای گفت و گو هر جاییز به توضیح بیشتری بود، مطالب را به طور مشروح و مفصل توضیح خواهم داد.

این دستاوردها- در حوزهٔ پیش‌دبستانی عبارت‌اند از:
افزایش دسترسی کودکان جهت



نظرات بر مجموعه عوامل مؤثر بر دوره، اعم از فضای تجهیزات، امکانات، نیروی انسانی، محتوای فعالیت‌ها... و ارزیابی آن‌ها به طور مستمر در طول سال انجام می‌گیرد. تحلیل گزارش‌های نظارتی مذکور، علاوه بر ارائه بازخورد به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها، در بازبینی برنامه‌ها و رفع مشکلات اجرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به عنوان سؤال پایانی، بفرمایید معاونت آموزش ابتدایی در امور برون‌سازمانی و برون‌مرزی چه چشم‌اندازی را برای خود ترسیم کرده است؟

جمهوری اسلامی ایران در برنامه جهانی آموزش برای همه (EFA) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ میلادی مشارکت داشته و در گزارش پایانی این برنامه، مهم‌ترین چالش‌ها در اهداف شش‌گانه از جمله پیش‌دبستانی احصا شده است. یکی از منابع مهم تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزهٔ پیش‌دبستانی، گزارش نهایی برنامه است که در حوزهٔ معاونت آموزش ابتدایی تولید و چاپ شده است. بر این مبنای کتابچه‌ای با عنوان «تجارب برتر آموزش ابتدایی براساس آنچه از برنامه EFA آموخته‌ایم» تهیه و در نشست جهانی آموزش اینچنون کره ارائه شده است. در این کتابچه، سه تجربه برتر معاونت معرفی شده که یکی از آن‌ها توسعهٔ کمی و کیفی آموزش و پرورش دورهٔ پیش‌دبستانی با تأکید بر مناطق محروم است.

از اینکه وقت خود را در اختیار این مجله قرار دادید سپاس گزاریم.

می‌کنند. برخی از این کودکان که اختلالات حادی ندارند اما در ابعاد خاص نیازمند توجه ویژه‌اند، مغفول واقع می‌شوند. مدیریت برخی از این مسائل پیچیده نیست و با کمی تلاش و مداخلات مؤثر از سوی مریب و خانواده به راحتی قابل کنترل است. در حالی که اقدام نکردن به موقع برای رفع مشکلات فراوانی برای فرد، خانواده و جامعه دارد. سال ۱۳۹۳ طرح آزمایشی سنجش بدرو ورود به دبستان، با یک سال کاهش سن برای ۱۰۰ هزار نفر از نوآموزان پیش‌دبستانی (ثبت نام شده در سیستم سناد)، اجرا شد. طی این برنامه، نوآموزان دارای نیاز ویژه بهمنظور اقدام مداخله‌ای به‌هنگام شناسایی شده‌اند.

برای ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای مریبان پیش‌دبستانی و همچنین نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های تربیتی مریبان مطابق با استانداردهای آموزش و پرورش چه فعالیت‌هایی از سوی آن حوزه انجام شده است؟

نظام نامه آموزش و پرورش دورهٔ پیش‌دبستانی، برنامه‌های جامع «سنچش صلاحیت حرفه‌ای نیروی انسانی» و «استانداردهای آموزش و پرورش دورهٔ پیش‌دبستانی» تدوین شده‌اند و در سال پیش رو عملیاتی خواهند شد. به‌منظور ارتقای صلاحیت حرفه‌ای پیش‌دبستانی، برنامه‌ای مرتبط با دورهٔ پیش‌دبستانی با اولویت مریبان، طراحی و اجرا خواهد شد. همچنین برنامه جامع «نظارت و ارزیابی دوره» نیز تدوین و طی سال جاری اجرا شده است. براساس این برنامه،

کودکان این مرز و بوم چه فعالیت‌های شخصی انجام داده است؟

برای اولین بار در آموزش و پرورش، مناطق کشور براساس ضرایب محرومیت اعلام شده توسط نهاد ریاست جمهوری مورد توجه قرار گرفت و کودکان واحد شرایط محروم‌ترین مناطق کشور به تفکیک استان، شهرستان، بخش، روستا و دهستان شناسایی شدند. با توجه به توان موجود، پس از سال‌ها تمامی کودکان محروم‌ترین مناطق کشور به صورت رایگان در کلاس‌های پیش‌دبستانی حضور یافته‌اند.

کودکان سایر مناطق دارای ضریب محرومیت نیز از این فرصت محروم نشده‌اند و با حمایت‌های دولتی آموزش‌های پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند. در این مناطق، از فضای تجهیزات و امکانات دولتی برای افزایش حضور نوآموزان در کلاس پیش‌دبستانی استفاده شده است. همچنین در برخی مناطق با توجه به شرایط، نوآموزان پیش‌دبستانی در کلاس‌های چندپایه کم‌جمعیت حضور یافته‌اند. طی سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ بیش از ۳۸۰۰ نوآموز مناطق محروم با استفاده از حمایت‌های دولتی، فرصت استفاده از آموزش و پرورش پیش‌دبستانی را به دست آورده‌اند.

یکی از اقدامات مورد توجه در امر پیش‌دبستانی رسیدگی به امور آموزشی کودکان با نیازهای ویژه است. عملکرد این معاونت را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کودکان دارای نیاز ویژه، آموزش‌های پیش از دبستان را به‌طور رایگان در مراکز آموزش و پرورش استثنایی دریافت



مراحل ارتباط و دوستی‌های کودکان

بررسی ویژگی‌های سینین مختلف در دوستی‌بازی

مژگان گودرزی

آموزگار دبستان، شهر اهواز

اشاره

ارتباط با همسایان به طور روزافزون در دوره کودکی افزایش چشمگیری می‌یابد و موجب اثرگذاری اساسی بر کیفیت رشد شخصیت و رشد اجتماعی آنان می‌شود. در این مقاله با تغاهی به دوستی‌های فردی، شیوه شکل‌گیری و آثار و سودمندی‌های این نوع ارتباط کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم دوستی

توانایی در ک افکار و اندیشه‌ها، انتظارات، احساسات، نیبات و مقاصد دیگران در شناخت آنچه دوستی رامعنایی کند، نقش دارد. کودکانی که قادرند امور مختلف را از چشم‌انداز وافق دید فرد دیگر، بنگرنده، مسلمًا به نحو بهتری قادر به تقویت روابط صمیمی و نزدیک و محکم با دیگران می‌باشند.

رابرت سلمان در سال ۱۹۸۱، مسئله دوستی‌های کودکان سنین ۷-۱۲ سال را مورد مطالعه قرار داده است. کار او بسیار شبیه مطالعات کهلبیرگ در رشد اخلاقی است؛ به این صورت که داستان‌هایی را که روابط دوستانه و موضوع «دوستی» را شامل می‌شوند برای کودکان بیان می‌کند و سپس به منظور ارزیابی میزان در ک آن‌ها از افراد دیگر، خودآگاهی و توانایی ابراز خود، و نیز در ک شخصیت آن‌ها و عقاید آن‌ها درباره مفهوم دوستی سؤال‌هایی از آن‌ها می‌کند و سپس به تحلیل پاسخ‌های



کودکان می‌پردازد. مثال زیر از جمله داستان‌های سلمان است.

کلوه و داریوش از پنج سالگی با هم دوست بوده‌اند. پسر دیگری به نام اکبر به تازگی به همسایگی آن‌ها نقل‌مکان کرده است ولی داریوش او را دوست ندارد؛ چون فکر می‌کند او از خود راضی و افاده‌ای است. حالا اکبر کلوه را برای بازی و رفتن به خرید دعوت کرده است. مشکل کلوه این است که به داریوش قول داده است در همان روز با او به بازی در بیرون خانه بپردازد. حالا فکر می‌کند کلوه چه خواهد کرد؟

این نوع از داستان‌ها سؤال‌هایی درباره ماهیت دوستی‌ها، دوستان قدیم در مقابل دوستان جدید و میزان وفاداری و اعتماد به آن‌ها پدید می‌آورد و بهنوعی چالش‌های جدیدی در زمینه نوع دوستی‌های کودکان و معنا و مفهوم ارتباط با دیگران و همسالان پدید می‌آورد. این داستان کودکان را واذر به فکر کردن و صحبت کردن درباره دوستی‌های جدید می‌کند و اینکه دوستی‌ها چطور شکل می‌گیرند، چطور می‌شود دوستی با دیگران را حفظ کرد و نیز چه چیزهایی در دوستی با همسالان و ارتباط با دیگران از اهمیت برخوردار است. براساس این پاسخ‌ها، سلمان (۱۹۸۱) چهار مرحله را در دوستی‌های کودکان به ما می‌شناساند:

مرحله ۱	زیر ۶ سال
مرحله ۲	۷-۹ سالگی
مرحله ۳	۹-۱۲ سالگی
مرحله ۴	۱۲ سالگی و بالاتر

مراحل دوستی از نظر سلمان، ۱۹۸۱

- دوستی‌های در ۶ سالگی و سال‌های پایین‌تر، براساس عوامل فیزیکی و جغایلی محل زندگی صورت می‌گیرند. این دوستی‌های بهنوعی براساس خودمحوری کودکان شکل می‌گیرند، و کودکان شناخت و درکی از چشم‌انداز دوستی با دیگران ندارند.

- دوستی‌های مرحله ۲، یعنی ۷-۹ سالگی، براساس آگاهی و تعامل با دیگران و نیز احساسات حاصل از ارتباط با دیگران پدید می‌آیند. این نوع از رفاقت‌ها براساس اعمال اجتماعی و ارزیابی حاصل از ارتباط با همسالان و دیگران شکل می‌گیرند.
- در مرحله سوم، یعنی ۹-۱۲ سالگی، دوستی‌های کودکان براساس داد و ستد خالصانه شکل می‌گیرد و دوستان کسانی هستند که به یکدیگر کمک می‌کنند. همچنین ارزیابی‌های دوجانبه از اعمال یکدیگر رخ می‌دهد و به عبارت بهتر مفهوم اعتماد و اطمینان در دوستی‌ها ظاهر می‌شود.
- در مرحله چهارم و سینم بالاتر، دوستی‌ها پایدار و محکم می‌شوند. روابط با دیگران و همسالان براساس اعتماد و اطمینان ادامه می‌یابد. کودکان می‌توانند روابط را از زاویه فرد سوم نیز بنگرند و به عبارت بهتر، زاویه دید دیگران و ارزیابی آنان از ارتباطات اهمیت پیدا می‌کند.
- تحقیقان بر این باورند که تغییرات رشدی کودکان بر کیفیت و کمیت دوست‌یابی تأثیرگذار است اما توافقی در نظر گرفتن چشم‌انداز و دید فرد دیگر از عوامل کلیدی در دوستی‌هاست.
- برای مثال، شواهدی وجود دارد که کودکان کوچک‌تر درباره مقررات در دوستی با دیگران و انتظارات از دوست و دوستی با دیگران قدری اطلاع پیدا می‌کنند ولی نمی‌توانند آن‌ها را به درستی بیان کنند ولی کودکان بزرگ‌تر بهتر می‌توانند از نوع ارتباطات و دوستی‌ها و انتظار در دوستی‌ها بهوضوح و براساس خواسته‌های خود صحبت کنند. مسائل فرهنگی و جنسیت نیز در دوستی‌ها دخالت دارد که البته موضوع این مقاله نیست. گفتنی است که ارتباطات با همسالان در چارچوب مقررات و قواعد فرهنگی در همه‌جا زینده و جاذب است و دوستی‌های پایدار و بر پایه اعتماد دوستی‌هایی هستند که کودکان از سینم پایین‌تر و به موازات اطلاع از خانواده و روابط آنان زیباتر و راحت‌تر کرده‌اند.

آنا سلمان، سوزی تاچل
ترجمه: حسین چابک



بررسی نحوه طراحی و اجرای برنامه بازدیدهای علمی کودکان پیش‌دبستانی تجربه یک بازدید شیرین و آموزنده

و مکمل برنامه آموزشی داخل کلاس درس باشد.
۲. این فعالیت به افزایش درک و دانش از موضوع منجر می‌شود.
۳. واقعی بودن موضوع مورد مطالعه موردنظر است.
۴. فعالیت گردش علمی زمینه‌ای را

گردش علمی برای کودکان مانند آزمایشگاهی است که یادگیری در آن از طریق فعالیتهای علمی تجربه شده در محیط‌های غنی پیرامون به دست می‌آید.

معیارهای گردش علمی

۱. فعالیت گردش علمی می‌تواند متمم

شمۀ گردش علمی نه فقط دستیابی به مشاهدات و تجربه‌های دست اول، بلکه کسب مهارت‌های اجتماعی طی مراحل گردش علمی است. گردش علمی مریان را قادر می‌سازد تا یادگیری بچه‌ها را از داخل کلاس‌های درس به جامعه بزرگ‌تر بیرون از کلاس گسترش دهند.



متفاوت (زرد، سبز، آبی، قرمز، سفید، و ...) در اختیار دانشآموزان قرار می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم رنگ هر یک را بگویند. سپس آن‌ها را براساس انواع رنگ در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی کنند.



۳. تخمین اندازه

الف. اشیاء گوناگونی در اندازه‌های متفاوت (کوچک، بزرگ، متوسط و ...) مانند مداد، پاک‌کن، لباس، کلاه، اسباب بازی و سکه در اختیار دانشآموزان قرار می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم رنگ هر یک را بگویند. سپس آن‌ها را براساس اندازه، در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی کنند.

ب. از دانشآموزان خواسته می‌شود براساس قدشان در سه گروه بلند، کوتاه و متوسط در سه نقطه متفاوت کلاس باشند.

تشخیص نیازهای ضروری گیاهان

دانشآموزان با انجام دادن آزمایش زیر به نیازهای ضروری گیاهان بی‌خواهد برد.

چهار گیاه کوچک مشابه را که در چهار گلدان کوچک کاشته شده‌اند، در شرایط کنترل شده قرار می‌دهیم. پس از چند روز، از دانشآموزان می‌خواهیم با توجه به تغییرات صورت گرفته در گیاهان، نیازهای ضروری آن‌ها را بیان کنند.

۲. افزایش علاقه‌مندی دانشآموزان به گیاهان
۳. شناخت گونه‌های مختلف گیاهانی که در یک پارک زندگی می‌کنند
۴. شناخت نیازهای گیاهان برای رشد و نمواز قبیل آب، نور خورشید، هوای خاک و ...
۵. کمک به نوآموز برای طبقه‌بندی گیاهان موجود در پارک براساس گروه‌های درخت، درختچه و بوته
۶. کمک به نوآموز برای طبقه‌بندی برگ‌های موجود در گیاهان پارک بر اساس برگ‌های پهن و سوزنی
۷. کمک به نوآموز برای طبقه‌بندی برگ‌های موجود در گیاهان پارک براساس اندازه (کوچک و بزرگ)
۸. کمک به نوآموز برای طبقه‌بندی برگ‌های موجود در گیاهان پارک براساس رنگ (انواع سبز، زرد، قرمز و ...)
۹. کمک به نوآموز برای طبقه‌بندی برگ‌های موجود در گیاهان پارک براساس بافت (نرمی و زبری)

تقویت و پرورش مهارت‌ها و حواس

برای تقویت و پرورش حواس و توانایی‌های مختلف از جمله حس لامسه، توانایی تشخیص رنگ، تخمین اندازه، تفکیک و طبقه‌بندی اشیا و هماهنگی و تعامل حواس گوناگون با یکدیگر، لازم است کودک فعالیت‌های تمرينی زیر را انجام دهد.

۱. حس لامسه: اشیاء گوناگونی با بافت‌های متفاوت (نرم، زبر، صاف، خشک، ژله‌ای، چرب، انعطاف‌پذیر، محممی و ...) مانند سنگ، نایلون، پارچه پشمی، پارچه ابریشمی، چوب، گونی، سنباده و صابون را در اختیار دانشآموزان قرار می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم بافت هر یک را توصیف کنند. سپس آن‌ها را براساس انواع بافت‌ها در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی کنند.
۲. توانایی تشخیص رنگ: اشیاء گوناگونی مانند مدادرنگی، مداد شمعی، لباس، کلاه و اسباب بازی را در رنگ‌های

اهداف بازدید (الف) هدف‌های عمومی:



۱. تنوع در محیط و منابع یادگیری
۲. کاهش کسالت ناشی از یکنواختی روش تدریس
۳. افزایش انگیزه فراگیرندگان و ترغیب آن‌ها به مشارکت فعال
۴. فراهم ساختن فرصت جهت مشاهده و تجربه مستقیم برای فراگیرندگان
۵. تقویت قدرت مشاهده و دقت‌نظر در برخوردها
۶. تقویت روحیه تعاون و همکاری بین اعضای گروه
۷. یادگیری بهتر و فراموشی کمتر
۸. معنی دار کردن درس
۹. تقویت روابط انسانی و پرورش جنبه‌های اخلاقی
۱۰. تحقق هر سه جنبه «دانش‌افزایی»، «مهارت‌آموزی» و «تغییر نگرش».

(ب) هدف‌های تخصصی

۱. افزایش خلاقیت دانشآموزان

می‌کنند تا بعد با استفاده از آن‌ها کاردستی بسازند.

فعالیت‌های پس از بازدید

۱. برای رشد خلاقیت و علاقه‌مندی بیشتر بچه‌ها به گیاهان، با استفاده از برگ‌های جمع‌آوری شده از پارک و با راهنمایی مربی کاردستی‌هایی مانند شکل جانوران و گیاهان را در کلاس درس بسازند.
۲. مربی مجموعه‌های را بررسی و اشکالات هر کدام را اعلام می‌کند. سپس نوآموزان این اشکالات را برطرف می‌کنند.
۳. نمایشگاهی از مجموعه کاردستی‌های برگ ساخته نوآموزان تشکیل می‌شود.
۴. هر یک از نوآموزان گزارشی از بازدید خود را به صورت شفاهی به کلاس ارائه می‌کند.
۵. نوآموزان در مورد مشاهدات و برداشت‌های خود به بحث و گفت‌و‌گو می‌پردازند.

امید است در مراکز آموزشی و مدارس مانیز متولیان امور آموزشی با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین یاددهی - یادگیری و نهادینه کردن این گونه فعالیت‌ها قدم‌های مؤثری در جهت تقویت اندیشه‌ورزی و پرورش صحیح تفکر و روحیه جستجوگری نوآموزان بردارند.

۴. در مورد گیاهان، ویژگی‌های آن‌ها و تفاوت‌هایشان با هم به بحث و گفت‌و‌گو می‌پردازند.

۵. نیازهای گیاهان برای رشد و نمواز قبیل آب، نورخورشید، هوا و خاک و نحوه رسیدن هر کدام از آن‌ها به گیاه را بررسی می‌کنند.

۶. نوآموز گیاهان موجود در پارک را به گروه‌های درخت، درختچه و بوته طبقه‌بندی می‌کند و نام گیاهان هر گروه را در فهرستی جداگانه بیان می‌کند.

۷. نوآموز برگ‌های موجود در گیاهان پارک را بر اساس پهن و سوزنی بودن طبقه‌بندی می‌کند و مجموعه‌هایی بر اساس نوع برگ گیاه تشکیل می‌دهد.

۸. نوآموز برگ‌های موجود در گیاهان پارک را بر اساس اندازه (کوچک و بزرگ) طبقه‌بندی می‌کند و مجموعه‌هایی بر اساس اندازه برگ گیاه تشکیل می‌دهد.

۹. نوآموزان برگ‌های گیاهان پارک را بر اساس رنگ (سبز، زرد، قرمز و ...) طبقه‌بندی می‌کنند و مجموعه‌هایی بر اساس رنگ گیاه تشکیل می‌دهند.

۱۰. نوآموزان برگ‌های موجود در گیاهان پارک را بر اساس بافت (نرمی و زبری) طبقه‌بندی می‌کنند و مجموعه‌هایی بر اساس بافت گیاه تشکیل می‌دهند.

۱۱. نوآموزان تعدادی برگ از درختان

الف. به یکی از گیاهان چند روز آب نمی‌دهیم ولی نور و هوا به صورت مناسب در اختیار گیاه قرار می‌گیرد.

ب. یکی از گیاهان را با یک ظرف شیشه‌ای شفاف می‌پوشانیم تا هوا به آن نرسد اما از رسیدن نور به آن جلوگیری نمی‌کنیم. همچنین، به صورت معمول به گیاه آب می‌دهیم.

پ. گلدان دیگری را با یک پاک کلفت کاغذی که سوراخ‌هایی در آن ایجاد کرده‌ایم، می‌پوشانیم تا نور به آن نرسد ولی از رسیدن هوا به آن جلوگیری نمی‌کنیم و به صورت معمول هم به گیاه آب می‌دهیم.

ت. به گیاه چهارم که گیاه گواه است، نور، هوا و آب را به طور مناسب می‌رسانیم و پس از چند روز از دانش آموزان می‌خواهیم وضعیت عمومی و رشد هر گیاه را با گیاه گواه مقایسه کنند و پس از نتیجه‌گیری، نیازهای ضروری گیاهان را بر شمرند.

درس‌هایی که با گردش علمی ارتباط دارند، قبلاً باید به دانش آموزان تدریس شوند. برای مثال، در صورتی که دانش آموزان از تعریف و ویژگی‌های درخت، درختچه و بوته اطلاع نداشته باشند، نمی‌توانند گیاهان را بر این اساس طبقه‌بندی کنند.

نوآموزان را به گروه‌های ۳ یا ۴ نفره تقسیم می‌کنیم. در مورد اهداف، فعالیت‌های حین بازدید و فعالیت‌های بعد از بازدید به آن‌ها توضیح می‌دهیم و توقعات خود را نیز مطرح می‌کنیم.

فعالیت‌های حین بازدید

۱. ابتدا مربی در مورد هر یک از گیاهان توضیحات لازم را می‌دهد و به پرسش‌های دانش آموزان پاسخ می‌گوید.
۲. دانش آموزان گونه‌های مختلف گیاهانی را که در یک پارک وجود دارند، مشاهده می‌کنند.
۳. تصاویر موجود در بروشور را با خود گیاهان مقایسه می‌کنند.



فردا را به من بسپار!

زهرا میرمحمدی

کارشناس ارزیابی عملکرد پیش‌دبستان منطقه ۲

یکی از ملاک‌های رشد و پیشرفت کشورها تعداد زیاد و کیفیت مطلوب کارهای پژوهشی و تحقیقی در دانشگاه‌ها و مراکز تولیدی است. برای افزایش تعداد و کیفیت کارهای پژوهشی باید آموزش در این زمینه از دوره‌های اولیه تحصیل شروع شود. در کشور ما جشنواره خوارزمی در مقطع متوسطه و جشنواره جابرین حیان در مقطع ابتدایی با هدف یاد شده برگزار می‌شوند اما متأسفانه تاکنون در بخش پیش‌دبستان کاری در این زمینه انجام نشده است.

در آموزش پیش‌دبستان برنامه‌های درسی گوناگونی وجود دارد؛ از جمله برنامه‌فтарگارها که در آن همه‌چیز پیش‌بینی شده و قابل کنترل است؛ برنامه‌های رشدمحور که پیش‌بینی اهداف و برنامه‌ها را از قبل مردود می‌دانند و برنامه‌های انسان‌گرها که طیف گسترده‌ای دارند. در یکی از برنامه‌های درسی آن‌ها با عنوان «رجیو امیلیا» یا روش پروژه‌ای دقیقاً کار پژوهشی انجام می‌گیرد.

گزارشی از جشنواره ابن سینا

از این رو کارشناسی پیش‌دبستان منطقه ۲ در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بعد از برگزاری کارگاه آموزشی روش پروژه‌ای، جشنواره ابن سینا را با هدف ایجاد مهارت تحقیق و پژوهش در سطح پیش‌دبستان برای اولین بار طراحی و اجرا کرد. این جشنواره در روز ۱۱ بهمن با حضور دکتر حمیدی، معاون محترم آموزش ابتدایی شهر تهران، محمدی کارشناس مسئول پیش‌دبستان شهر تهران، دکتر طالب‌زاده، رئیس محترم منطقه ۲ و سیدی، معاون محترم آموزش ابتدایی آغاز شد و در روز ۱۷ بهمن با برگزاری جشنواره بادبادک‌ها و با حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر از خانواده‌های نوآموزان در کانون قدس به پایان رسید.

شعار این جشنواره فردا را به من بسپار با هدف مطرح کردن نوآموزان پیش‌دبستان و امیدهای آینده انتخاب شده بود. در این جشنواره بیش از پنجاه تابلو پژوهشی نوآموزان و همچنین ده‌ها واحد کار و مقاله‌های تألیفی مربیان در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت. با توجه به موقعیت جشنواره ابن سینا و استقبال مسئولان، امیدواریم از سال آینده این جشنواره، مانند جشنواره‌های دیگر، در دستور کار آموزش ابتدایی شهر تهران و کشور قرار گیرد.^۱

به نوشته

۱. عکس‌های پروژه‌ها، مقالات و امیدهای کار مربیان به تدریج در وبگاه جشنواره به نشای Ebnsinapish2.blogfa.com قرار داده خواهد شد.

شعار این جشنواره «فردا را به من بسپار» با هدف مطرح کردن نوآموزان پیش‌دبستان و امیدهای آینده انتخاب شده بود. در این جشنواره بیش از پنجاه تابلو پژوهشی نوآموزان و همچنین ده‌ها واحد کار و مقاله‌های تألیفی مربیان در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت





آغازی خوب برای پایانی خوب

بررسی شرایط مطلوبیت «انس با قرآن» در دوره آموزش پیش‌دبستانی

مسعود تهرانی فرجاد

کریم مرتبه‌ای از انس است که به اقتضای ویژگی‌های سنی تحقق می‌پابد. با تأمل در مفهوم انس و عوامل تحقق آن، می‌توان دریافت که سه عامل «آشنایی»، «علاقه»، و «ارتباط مستمر» در این زمینه نقش اصلی دارند. به عبارت دیگر، انس در صورتی ماندگار و اثربخش است که با آشنایی یا شناخت صحیح، علاقه و پذیرش و همچنین ارتباطی مستمر با موضوع مورد نظر همراه باشد.



یک سؤال اساسی

خوب است بدانیم که هر برنامه آموزشی و تربیتی دارای عناصر یا ارکانی است که اکثر صاحب‌نظران برنامه‌ریزی بر عناصر اصلی آن، یعنی «هدف، اصول، محتوا، روش‌ها، زمان، محیط، ارزش‌بایی و نقش مربی و فرآگیرنده» اتفاق نظر دارند. حال این سؤال مطرح است که چگونه سه عامل مؤثر در تحقق انس - که در بالا بیان شد - در عناصر برنامه تجلی می‌یابند؟

آشنایی با قرآن

در فرایند انس، آشنایی با موضوع مورد نظر یا شناخت صحیح از آن موضوع، متناسب با ویژگی‌های فرآگیرنده بسیار اثربخش است. از عناصر نامبرده در برنامه‌ریزی، عنصر «محتوا»، یعنی آنچه فرآگیرنده به واسطه آن با موضوعات و مفاهیم مورد نظر در برنامه آشنا می‌شود، بیشترین نقش را دارد. در برنامه قرآن دوره پیش‌دبستان مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، این آشنایی با «تلقیق متوازن» حفظ برخی از سوره‌های کوتاه و ساده، گوش دادن به صوت قرآن و الگوبرداری از آن، آشنایی با برخی پیام‌ها، آموزه‌ها و قصه‌های قرآنی و آشنایی با آداب ارتباط و احترام به قرآن تصریح شده است.

علاقه به قرآن و یادگیری آن

علاقه و پذیرش کودک از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد انس است و نقطه مقابل آن عدم پذیرش است. کودک پیش‌دبستان از طریق فعالیت‌های یاددهی - یادگیری یا همان روش‌های مناسب است که با محتوای آموزشی ارتباط برقرار می‌کند و زمینه‌های

کلیدوازه‌ها: انس کودکان با قرآن،

فعالیت‌های قرآنی، نقش مربی و والدین، آشنایی و علاقه به قرآن

اشارة

«پاییز اگرچه برگ‌ریزان است اما با بهار تعليم و تربیت همراه است. بهاری که پیام‌اور فصل دیگری از آموختن است. آغاز مهر، بهاری است برای ارتباط با شکوفه‌های زندگی، کودکان امروز و سرمایه‌های فرد؛ و این آغاز برای تمام دوره‌های تحصیلی دارای اهمیت فراوان است اما برای دوره پیش‌دبستانی از جایگاه حساس‌تری برخوردار است. شروعی خاص، خاطره‌انگیز و ماندگار برای کودک پیش‌دبستان که سنتگ‌بنای تعليم و تربیت است.

از مهم‌ترین عوامل اثربخش در میزان توفیق هر برنامه و فعالیت تعليم و تربیتی، دو عنصر «آگاهی» و «هماهنگی» مربی و والدین حائز اهمیت هستند. آگاهی لازم و کافی مربی و پدر و مادر از «برنامه و نقشه راه مناسب» و هماهنگی آنان در تحقق برنامه مانند دو ریل قطار است که کودک را به مقصد مطلوب می‌رساند.

نوشتار پیش رو شما را از برنامه استاندارد و مناسب قرآنی برای کودکان پیش‌دبستان مطلع می‌سازد تا با شروع خوب بهار تعليم و تربیت شما را برای رسیدن به پایانی خوب در زمینه فعالیت‌های قرآنی کمک کند.

با توجه به مبانی تعليم و تربیت اسلامی، هر نوع یاددهی - یادگیری در هفت سال اول کودکی لازم است براساس علاقه و پذیرش کودک و به دور از اجبار و تحمل باشد. کودک پیش‌دبستانی بهدلیل ویژگی‌های روانی اش پذیرای آموزش اجباری نیست؛ به عبارت دیگر در همه مراحل یاددهی - یادگیری باید آزادی عمل کودک در نظر باشد.

به همین منظور، شورای عالی آموزش و پرورش کشور که برنامه‌های مناسب و استاندارد را تصویب و ابلاغ می‌کند، هدف اصلی برنامه و فعالیت‌های قرآنی در دوره پیش‌دبستان را به جای آموزش قرآن، «انس کودک با قرآن و علاقه‌مند کردن وی به یادگیری آن» قرار داده است. انس گرفتن، امری تدریجی

است و در طول زمان بروز می‌یابد اما در هر دوره از زندگی انسان نیز می‌توان به سطحی از آن دست یافته تا به مرور افزایش یابد. از این‌رو، انس کودک پیش‌دبستانی با قرآن

سخن آخر

برنامه انس با قرآن به آغازی خوب از مقطع پیش‌دبستانی برای رسیدن به پایانی خوب در سنین بالاتر کودک می‌اندیشد تا این انس و علاقه به قرآن رشد فراینده داشته باشد. از این‌رو ضروری است همه دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان، والدین و مریبان در زمینه فعالیت‌های قرآنی در مقطع حساس و بنیادین پیش‌دبستان به اجرای مطلوب برنامه مصوب و استاندارد انس با قرآن کریم همت کنند؛ با این امید که آغازی خوب برای رسیدن به پایانی خوب باشد. ان شاء الله.

منابع

۱. شورای نویسندها، راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷.
۲. نوریان، محمد؛ تحلیل برنامه‌های درسی دوره ابتدایی ایران، انتشارات گویش نو، ۱۳۸۹.

هر

**برنامه آموزشی و تربیتی
دارای عناصر یا ارکانی است که
اکثر صاحب‌نظران برنامه‌ریزی بر عناصر
اصلی آن، یعنی «اهداف، اصول، محتوا،
روش‌ها، زمان، محیط، ارزشیابی و نقش
مربی و فرآگیرنده» اتفاق نظر
دارند**

آشنایی وی فراهم می‌شود. مهم‌ترین فعالیت‌های مناسب عبارت‌اند از: شعر، قصه، بازی، نمایش خلاق، کاردستی، گفت‌وگو، آزمایش، مشاهده، گردش علمی و تربیتی، جمع‌خوانی و نقاشی.

ارتباط با قرآن

ارتباط عاملی مؤثر در تحقق انس است و این ارتباط باید مستمر و تدریجی باشد. در غیر این صورت، رابطه مقطعي و آنی نمی‌تواند به انس ماندگار منجر شود. براساس مدل ارائه شده در دو بخش قبل، یعنی ایجاد رابطه بین عوامل انس و عناصر برنامه، عنصری که در برقراری ارتباط با قرآن بیشترین تأثیر را دارد زمان یا فرسته‌هایی است که برای یاددهی-یادگیری فرآگیرنده ایجاد می‌شود. ارتباط مستمر و تدریجی با یک زمان‌بندی مستمر فراهم می‌شود و هرچه این زمان از حالت مستمر و تدریجی به سمت فرسته‌های مقطعي و آنی برود، از انس کاسته می‌شود؛ مثلاً فردی که فقط در ایام خاص و یا سالی یکبار در ماه مبارک رمضان قرآن می‌خواند، این مقدار زمان برای تحقق انس ماندگار در او کافی نیست؛ چون نوع ارتباط مقطعي و غیرمستمر و انس او آنی است اما اگر هر روز قرآن بخواند ارتباط او مستمر است. پس زمان و پیوست زمانی در ایجاد ارتباط «مستمر»- که یکی از عوامل انس است- تأثیر دارد.

سؤالی دیگر:

حال این سؤال مطرح می‌شود که میزان انتظار ما از انس کودکان پیش‌دبستانی با قرآن چیست؟ همان‌گونه که گفته شد، انس مفهوم بسیار عمیقی دارد ولی دارای سطوح و طیفی است که به اقتضای شرایط محیطی و ویژگی‌های سنبی به مرور ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، انس کودکان پیش‌دبستان قرآن کریم سطحی از آشنایی، علاقه و ارتباط مستمر است که با یک برنامه‌ریزی درست و استاندارد، با پرهیز از افراط و تغییر تحقق می‌یابد. از مصاديق تغییریکاری که در برنامه‌های قرآنی این است که در برخی مراکز اصلاً به فعالیت قرآنی نمی‌پردازند یا این فعالیتها پراکنده و مقطعي و در حد مراسم و برنامه‌های صوری است. از سوی دیگر، در برنامه‌های افراطی بیش از آنچه در برنامه مصوب و استاندارد آمده است، به آموزش‌های خاص قرآن بدون در نظر گرفتن اصول اساسی یاددهی-یادگیری برای کودکان دوره پیش‌دبستان توجه می‌شود.





طراحی فضای آموزشی براساس برنامه‌ریزی چندبعدی

راحله ملکان

کارشناس ارشد پیش دبستانی

سیاست‌گذاران آموزشی، متخصصان و صاحب‌نظران، هنرمندان و...» است.» (بازارگان، ۱۳۸۴: ۱۴۴) از طرفی، امروزه فضاهای چندعملکردی مورد توجه قرار گرفته‌اند و حتی انعطاف‌پذیری در فضای مطرح می‌کند که «عموماً طراحی ساختمان و قطبی به صورت کاملاً پیچیده انجام می‌شود، به همان اندازه ضعیف خواهد بود.» (بناییان جهرمی، ۱۳۸۴: ۴۰) چراکه مربیان و معلمان نحوه استفاده از آن فضای را نمی‌دانند. بنابراین، باید سعی کنیم در فضای فیزیکی موجود، فضای آموزشی مطلوبی ایجاد کنیم. پس به برنامه درسی‌ای نیاز داریم که انعطاف کافی داشته باشد و با فضای موجود سازگار شود تا هدف آموزش، یعنی یادگیری، را محقق سازد. پس باید از خرده گرفتن به چارچوب فیزیکی کلاس دست برداشت و آموزش را در قالب امکانات موجود برنامه‌ریزی کرد. چه بسا تعریف برنامه‌ریزی نیز همین است: «طرح تدبیری برای حداکثر استفاده از منابع موجود، بهمنظور رسیدن به اهداف تبیین شده.» (میرزا بیگی، ۱۳۸۰: ۳۲)

بيان مسئله

با اینکه «ابطه اهداف برنامه‌های مختلف و فضای در تحقیقات تا حدود زیادی معنی دار شده است» (مفیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۰)، گاه «انتخاب و تنظیم نادرست فضای و محیط فیزیکی مراکز،

وزارت آموزش و پرورش است. این مton مقوله‌هایی همچون توجه به نور، رنگ، فضا، تجهیزات، نحوه چینش تجهیزات، ایمنی و بهداشت محیط آموزشی را پوشش می‌دهند. سیار اتفاق افتاده است که ما به عنوان مربی یا معلم، برای به اجرا درآوردن نوعی خاص از آموزش دچار مشکل شده‌ایم و گاه بازدهی ناکافی برنامه، محتوا و عملکرد را به گردن فضا و تجهیزات انداخته‌ایم. به این ترتیب، می‌توان گفت علاوه بر استانداردهای عمومی همچون ایمنی و بهداشت و مقوله‌های مطرح در آن‌ها همچون نور و تهویه مناسب، ارتباط نوع طراحی فضای آموزشی و برنامه درسی موردنظر نیز سیار اهمیت دارد.

اما آیا تمامی مراکز آموزشی ما این فضای استاندارد را دارند. و چنانچه جواب این سؤال منفی است، تا چه اندازه به مربی و معلم، توان و اختیارات تغییر و اصلاح فضای فیزیکی داده شده است؟

با اینکه می‌دانیم دستیابی به استانداردها و ایده‌آل‌ها ممکن است، گاه چاره‌ای نداریم جز اینکه انعطاف‌پذیری را در مقوله طراحی فضای مورد توجه قرار دهیم. چرا که «همواره نقد موقعیت موجود و پیش‌بینی وضعیت مطلوب، و رسیدن به وضعیت مطلوب، نیازمند گذر زمان و تدارک امکانات و شرایط لازم و پذیرش این نقد توسط همه مؤلفه‌های تأثیرگذار در هر برنامه (والدین، مربیان، کودکان،

چکیده

فضای یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در امر آموزش به شمار می‌رود. در شرایط موجود، بسیاری از مراکز آموزشی ما فضاهای کاملاً استاندارد ندارند. بر این اساس، باید فضای اعطاپذیر طراحی کنیم که در شرایط مختلف بتواند ما را به سمت هدف اصلی خویش، یعنی یادگیری، هدایت کند. در این صورت، در تعریف فضای آموزشی «استانداردهای غیرقابل تغییر» به «استاندارد نمودن محیط برای روی دادن اتفاق یادگیری» تغییر می‌کند.

حال با توجه به این فضای منعطف، چه برنامه آموزشی‌ای می‌توان پیشنهاد کرد که ضمن حفظ اهداف خود و تحت الشعاع قرار نگرفتن این فضای خود نیز با آن سازگار باشد؟

این مقاله در موضوع موردنظر برنامه‌ریزی چندبعدی را پیشنهاد و ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: طراحی، فضای آموزشی، برنامه‌ریزی، چندبعدی، برنامه‌ریزی

مقدمه

فضای آموزشی و طراحی آن به اندازه سایر مقوله‌های مطرح در تعلیم و تربیت در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته و مطالب منتشر شده در این زمینه محدود به استانداردهای تعریف شده توسط

**برنامه‌ریزی چندبعدی در جهت ایجاد
محیطی غنی در به کارگیری حداکثر
مؤلفه‌های زندگی برای پرورش و حضور
فعال کودک، بنیان‌های هنری، علمی و
فناورانه را مورد توجه قرار داده است**



و فناورانه را مورد توجه قرار داده است. این توجه با تأکید بر مهارت‌های پایه‌ای یادگیری و مضامین میان‌رشته‌ای است که بی‌شک ضروری است که فضای آموزش مناسب برای آن‌ها طراحی شود.» (بازرگان، ۱۳۸۴: ۹) دستاندرکاران طراحی این فضای آموزشی بر اساس دیدگاه برنامه‌ریزی چندبعدی در درجه اول یادگیرنده (کودک)، سپس یاددهنده (مریض)، همکاران وی (مدیر، کارکنان و...)، والدین و تولیدکنندگان آثار کودک و کلیه امکانات جامعه هستند. (نمودار ۱) همان‌طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود «در طراحی فضا در این

بتواند با نقشه‌ها و کمیودهای برخی فضاهای سازگاری داشته باشد و با برخی محیط‌های غنی نیز پیوندی عمیق برقرار سازد و با تسهیلاتی که دارد، به کمک معلم آید تا آموزشی مؤثر را ارائه نماید.

بحث

ایا آموزش ما به محیط کلاس محدود می‌شود و تنها چهاردیواری کلاس است که محیط آموزش ما را می‌سازد؟

«برنامه‌ریزی چندبعدی در جهت ایجاد محیطی غنی در به کارگیری حداکثر مؤلفه‌های زندگی برای پرورش و حضور فعال کودک، بنیان‌های هنری، علمی

می‌تواند محدودیت‌های فراوانی در تحقق اهداف فراهم آورد.» (همان) گاه اتفاق می‌افتد که به دلیل ناتوانی در تغییر فضا و تجهیزات به دلایل اقتصادی، مدیریتی و...) به جای آنکه فضا را بر اهداف منطبق کنیم، اهداف و روش‌های آموزشی‌مان از محیط فیزیکی تأثیر می‌پذیرد و شاید اتفاق بیفتد که برای مدتی از آن‌ها چشم‌پوشی کنیم تا فضایی کاملاً ایده‌آل را مهیا سازیم.

به راستی، با این مشکلات و محدودیت‌ها چه باید کرد؟ آیا نباید قبل از تنظیم فضا برنامه‌ای را مدنظر قرار داد و با توجه به اهداف، روش، محتوا و امکانات آن، فضا را سازماندهی کرد؟

اما سؤال این است که حال که بسیاری از فضاهای ساخته شده و در حال استفاده‌اند، چطور باید مورد استفاده قرار گیرند که بهترین بازده را داشته باشند؟ در واقع، طراحی فضا را باید این گونه تعریف کنیم: «استاندارد نمودن محیط برای روی دادن اتفاق یادگیری».»

باید «تمرکز را از روی ساختمن برداریم و به تسهیلات آموزشی سوق دهیم و نیز کیفیت آموزش را هم‌شأن قرن ۲۱ قرار دهیم.» و انعطاف‌پذیری فضا به مسیر آسان‌سازی آموزش سوق داده شود. (بنایان جهرمی، ۱۳۸۴: ۳۹)

باید به دنبال برنامه‌ای بود که علاوه بر اینکه کودک را مرکز توجه قرار دهد،

سبب غنای بیشتر بادگیری و گسترش ساخت شناختی کودک می‌شود، چرا که اولاً او هر آنچه را در محیط کوچک کلاس آموزش داده می‌شود، کاملاً می‌شناسد و ثانیاً با حساس شدن نسبت به موضوعات و بسط دادن آن‌ها به محیط اطراف خود (محیط بزرگتر) یادگیری خویش را گسترش می‌دهد. (جای نمودار ۲)

در اینجا پژوهه «زمین ما و آنچه در آن است» به طور نمونه معرفی می‌شود. این پژوهه که در اولین بسته یادگیری ایران براساس برنامه‌ریزی چندبعدی قرار گرفته، حاصل تلاش جمعی اهل هنر و علم داخل کشور و برنامه دکتر سیمین بازრگان است به وسیله انتشارات مدرسه وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارائه شده است. این بسته شامل ۱۷ قطعه و توضیحات لازم برای طراحی فضای آموزشی و اجرای آن است. قطعات شامل کتاب راهنمای مربی در پیوند هنر و علم، کتاب مرجع هنر و علم پژوهه

و دور ریختنی به بهترین نحو کودک را به محیط گره می‌زند و توجه او را به اطرافش بیشتر می‌کند. به علاوه با جمع‌آوری آن‌ها و انتقالشان به کلاس، بین مرکز آموزشی و دنیای اطراف کودک نیز پیوندی شکل خواهد گرفت.

بعد مضامین میان‌رشته‌ای

با آموزش مضامین، مهارت‌ها و نگرش‌ها در کلاس، می‌توان آن‌ها را از کودکی تا آخر عمر اجرا کرد. برای مثال، کودک با تمرين و یادگیری مهارت فرضیه‌سازی در پژوهه گیاه در کلاس درس، می‌تواند در منزل و جامعه همان مهارت را در موقعیت‌هایی فراتر از کاشت یک گیاه تمرين کند.

سومین بعد، بعد پژوهه‌ها

این بعد برگرفته از محیط زندگی کودک و فضاهای جذاب آشنا برای او است. آموزش در این بعد، نتیجه‌ای جز یادگیری در تمامی محیط زندگی کودک ندارد که

نمودار، همه دست‌اندرکاران لحاظ می‌شوند و کلاس محدود به چهار دیواری نیست. گرچه به امکانات فیزیکی اهمیت داده می‌شود.» (بارگان، ۱۳۹۰: ۲)

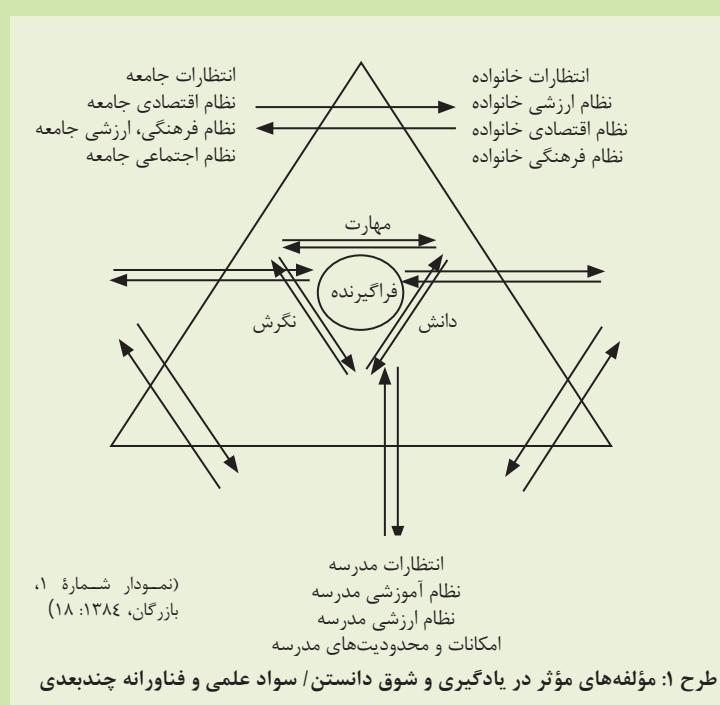
در این برنامه، کودک و مربی از کلاس فراتر می‌روند و کل جامعه آن‌ها فضای آموزشی خواهد بود. همچنان که فضا در برنامه‌ریزی چندبعدی از سه زاویه قابلیت انعطاف دارد- به طوری که هیچ کدام را بر دیگری اولویت نیست و آغاز کار آموزش می‌تواند هر یک از سه مورد زیر باشد- مهم این است که مربی به نقشه کلی کار و تعامل سه مورد زیر در هر موقعیت یادگیری توجه کند:

۱. بعد فعالیت‌های مورد علاقه کودک
 ۲. بعد مضامین میان‌رشته‌ای
 ۳. بعد پژوهه‌های مورد علاقه کودک.
- (جای نمودار ۲)

در بعد فعالیت‌های مورد علاقه کودک

چنانچه فعالیت، قابلیت انعطاف و اجرا در هر فضای نسبتاً باز مرکز داشته باشد، برای همسوسازی فضا و محیط مرکز با فعالیت‌های مورد علاقه کودک تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. فعالیت نمایش رامی‌توان در فضای باز جلو کلاس یا در کل کلاس با جمع کردن صندلی‌ها، در اتاقی خالی در مرکز و یا نمازخانه، در حیاط و در بهترین حالت آن در مرکز رغبت نمایش و قصه اجرا کرد. در صورتی که امکان اجرای نمایش وجود ندارد، برنامه‌ریزی چندبعدی این امکان را به معلم می‌دهد که اهدافی را که در نظر دارد با نمایش به آن‌ها دست یابد، یا فعالیتی دیگر جایگزین و ارائه کند.

همچنین استفاده از وسایل در دسترس





نتیجہ گیری

انعطاف در فضای یادگیری با چند منظوره کردن محیط آموزشی صورت می‌گیرد. مابا وجود اینکه در سراسر کشور فعالیت‌های متفاوتی را در کلاس‌های پیش دبستان انجام می‌دهیم، گاه با کمبود فضای رعایت نشدن تمامی استانداردها

درسی مطرح در دوره ابتدایی است.
مراکز فعالیت بر اساس پروژه زمین که
در کتاب راهنمای مربی، توضیح داده
شده شامل مرکز علوم تجربی، ریاضیات،
کارداشتی و نقاشی، خواندن و نمایش،
شنیداری و موسیقی، دیداری، تربیت بدنی
و بازی آزاد است.

زمین، کتاب ثبت مشاهده و بازبینی پیشرفت کودک، نگاره‌ها، کارت فعالیت، کارت‌های قصه‌گویی، عکس‌های مستند، کاربرگ کودک، جدول سخنگویی، پازل خلاق، کتاب‌های تک‌جلدی کودکانه، نوار موسیقی، نوار قصه‌گویی، نوار تصویری، فیلم‌های بسته‌بازی: و مانند نظری، بشتیا:

مراکز یادگیری بر اساس برنامه‌ریزی چندبعدی

«به منظور آموزش، تقویت، شفاف کردن و بسط دادن هدفهای رفتاری و یادگیری ویژه طراحی می‌شوند و چنانچه بخواهید مهارت‌های ویژه‌ای را از طریق تکالیف تعیین شده به کودکان یاد دهید، ایستگاه‌های یادگیری را ترتیب می‌دهید.» (مفیدی، ۱۳۸۶: ۳۹) در برنامه‌ریزی چندبعدی این مراکز و ایستگاه‌ها منطبق بر پروژه‌ها، مهارت‌ها، مضماین و نگرش‌های میان‌رشته‌ای و فعالیت‌های مورد علاقه کودکان و همچنین موضوعات

چند ماه پیش، بنا به ضرورت پژوهش‌های که قرار بود برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام دهیم، چند روزی را به طور کامل از صبح زود تا غروب در مردسهٔ تاریخی دارالفنون به سر بردم؛ مدرسه‌ای که اکنون چند سال است به گنجینهٔ آموزش‌پژوهش تبدیل شده و گشتوگذار در راهروها و اتاق‌های آن که با اسمای گوناگونی چون «خانهٔ معلمان مؤلف»، «خانهٔ امیرکبیر»، «خانهٔ معلمان شهید» و «خانهٔ وزرای آموزش‌پژوهش» نام‌گذاری شده‌اند، علاوه بر عترت آموزی و یادگیری از تاریخ، آینهٔ تمام‌نمایی از گذشته تاکنون نظام تعلیم و تربیت کشورمان را پیش رویمان می‌گشاید. یکی از بخش‌هایی که در حین گذر مکرر چند روزه از راهروها و اتاق‌های دارالفنون باعث می‌شد دقایقی توقف و هر بار

دانشگاه آزاد کامپیو تیک

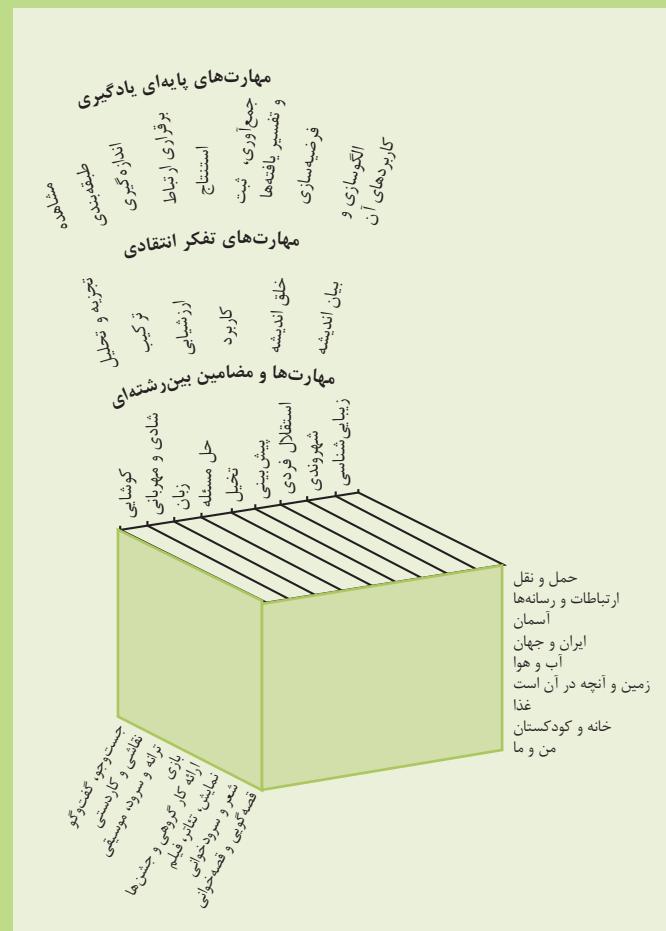
دانشگاه
آزاد

روبه‌رو هستیم. بنابراین باید برنامه درسی خود را با توجه به این محدودیت‌ها انتخاب کنیم. برنامه‌ای که با انواع فضاهای از محیط‌های محدود گرفته تا فضاهایی از تمامی لحاظ مجهر، به خوبی ارتباط برقرار سازد.

یکی از برنامه‌های منعطف که با حفظ اهداف خود به راحتی قابل اجراست، برنامه‌ریزی چندبعدی است که می‌تواند فضاهای منعطف و در عین حال ساختارمند را ارائه کند.

منابع

۱. بازارگان، سیمین؛ برنامه‌ریزی چندبعدی؛ ماتریس زندگی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۴.
۲. سیف، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی پژوهشی، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۶.
۳. مفیدی، فخرنده؛ مدیریت مراکز پیش‌دبستان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۸۶.
۴. «اعطا‌ف در طراحی»، ترجمه روبیا بنایان‌جهرمی، فصلنامه مدرسه نو، شماره ۴۸، ۱۳۸۴.
۵. میرزاپیگی، علی؛ برنامه‌ریزی درسی و طرح درس، نشر یسطرون، تهران، ۱۳۸۰.
۶. بازارگان، سیمین؛ کتاب راهنمای مربی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۳.
7. Bazargan.s(2004). A multi-dimensionaonl curriculum (MDC) for pre-school & elementary school. Journal of international council of association for science education (ICASE). Vol.30.



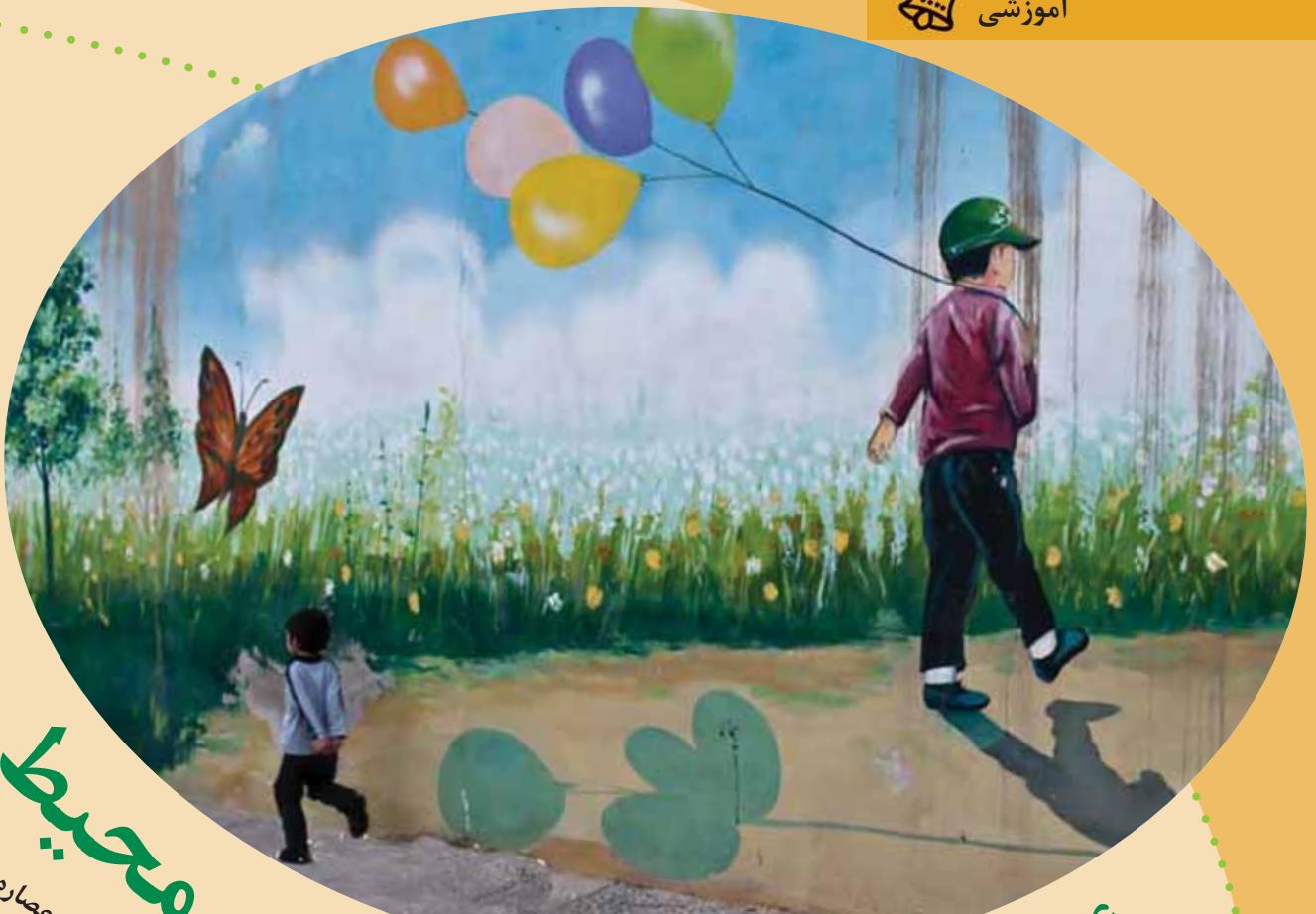
بخش‌هایی از آن را مرور کنم، نمایشگاهی دیواری بود که با عنوان «سیر تغییرات برنامه‌ها و مواد درسی»، تغییرات پایه‌ها، رشتة‌ها و مواد درسی در آموزش‌پرورش کشورمان از نخستین سال‌های تأسیس دارالفنون و راهاندازی شورای معارف تا به امروز را نشان می‌داد. این نمایشگاه تاریخی در گنجینه آموزش‌پرورش ایران در دارالفنون، در بخشی از دیوارهای راهروهای طبقه اول خودنمایی می‌کند و مشتاقان و علاقهمندان مباحث تاریخی و تعلیم و تربیتی می‌توانند با مراجعه به این مکان، ضمن ادای احترام به سردار آزادگی، امیرکبیر، و کلیه خادمان آموزش‌پرورش ایران در ۱۵۰ سال اخیر، با انبوی از مدارک و اسناد ارزشمند روبرو شوند. در این نمایشگاه بخش‌هایی به چشم می‌خورد که حرفه‌ای ناگفته‌ای را در ارتباط با آموزش‌های پیش‌دبستانی در کشورمان در خود نهفته دارد. در نمایشگاه سیر تغییرات برنامه‌ها، مواد و پایه‌های درسی در دارالفنون، تقریباً ۵۰ تابلو می‌بینیم که از ساختارها و تقسیم‌بندی پایه‌ها، دوره‌ها و رشتة‌های تحصیلی و دروس هر رشته و پایه و سهم هر یک از ساعت‌درسی در برنامه هفتگی گرفته تا بسیاری از اطلاعات دیگر در تاریخ آموزش‌پرورش کشورمان حکایت دارد.

نکته جالبی که پس از چند روز حضورم

آموزش پیش از دبستان مجاب کنیم. در واقع، ماجرا از ذکر ضرورت‌ها، پژوهش‌ها و اولویت‌ها گذشته و به نوعی «جسارت»، «همت» و «عزم ملی» تبدیل شده است. به دیگر سخن، آموزش‌پرورش ما به دنبال فرد یا مجموعه افرادی است که پس از قریب ۱۰۰ سال، رودریایستی و نشان دادن پیش‌دبستان با رنگی دیگر در ساختارهای آموزش‌پرورش را - که از غیررسمی بودن این دوره حکایت دارد - کنار بگذارند و با رسمیت بخشیدن عملی به این دوره، موقعیتی را فراهم کنند که همه کودکان این آب و خاک، لذت آموزش پیش‌دبستانی را بچشند و تأثیر آن را در دوره‌های بعدی تحصیل و زندگی خود به چشم بینند؛ موقعیتی که سال‌ها پیش با زمزمه‌های حذف دوره پیش‌دانشگاهی از ساختار رسمی آموزش‌پرورش برای رسمی شدن پیش‌دبستانی به وجود آمد و لی به دلیل نبود همتی که از آن سخن گفتیم، بار دیگر در درون نظام دوازده ساله مدرسه‌ای غروب کرد.

انتظار دست‌اندرکاران وفعالان حوزه پیش‌دبستانی از مسئولان آموزش‌پرورش این است که بعد از قریب ۱۰۰ سال، به طور جدی در تحقق عملی رسمی سازی آموزش‌پرورش پیش‌دبستانی آن‌گونه که در برنامه درسی ملی هم آمده است، گام بردارند. آیا ۱۰۰ سال انتظار، زمان کمی است؟!

در دارالفنون و توقفهای چند دقیقه‌ای ام در مقابل این دیوارکوب‌های مقوای ساده، مرا اداره به نوشتن این یادداشت کوتاه کرد، مشاهده عبارت‌هایی چون «کودکستان»، «آمادگی»، «پیش از دبستان» و ... در تمامی ساختارهای نصب شده بر دیوار از اولین مورد آن در قریب ۱۰۰ سال پیش تا اوازین آن در ساختار ۳-۶ سال‌های اخیر (ساختار مورد تأکید در سند تحول بنیادین) بود؛ یعنی در تمام ۱۰۰ سال گذشته، هر کدام از برنامه‌های ریزان، مسئولان و تصمیم‌گیرندگانی که در رأس نهادهای تصمیم‌گیرنده کلان دستگاه تعلیم و تربیت ایران بوده‌اند، اهمیت و ضرورت وجود دوره پیش‌دبستانی را درک کرده و آن را با ذکر نامها و عباراتی که در هر دوره جاری و ساری بوده، بعضاً به شکل رسماً و اکثراً به صورت غیررسمی و با رنگی به غیر از رنگ‌هایی که نشانگر دوره‌های رسمی تحصیلی است، در نمودارها و ساختارهای مصوب آموزش‌پرورش گنجانده‌اند. این البته، اتفاق خجسته‌ای است و باید آن را پیش‌دبستانی فراموش نشده است. به عبارتی دیگر، شاید هیچ ضرورتی نباشد که با ذکر ضرورت‌های دوره پیش‌دبستانی، اشاره به پژوهش‌های داخلی و خارجی و بیان تأثیرگذاری این قبیل آموزش‌ها بر کودکان در دوره‌های بعد از پیش‌دبستان، آن‌ها را برای مهم دانسته شدن دوره است؟!



تأثیر هاله مثبت کودکان در محیط

نگذیده عصاوه

می شود،
توجهش به
او جلب می شود و در
آنی، گرفتگی ها و انقباضات
چهره اش باز می شوند و لبخندی بر
لبانش می شکند.

در مجلس ختمی برای عرض تسلیت به صاحب عزا نزدیک شدم. همزمان با من مادری که فرزند خردسالش را در آغوش داشت نیز برای تسلیت آمده بود. صاحب عزا که در سوگ عزیزش بهشدت مشغول گریستن بود، به محض این که نگاهش به چهره کودک افتاد، گریه اش را متوقف کرد. لبخندی بر لبانش ظاهر گردید و همین امر باعث شد تا مدت زمانی حال و هوای روحی و خلقی اش تغییر کند.

بی شک این انرژی مثبت آن کودک بود که قهرمانانه خنده را از اعماق وجود او بیرون کشیده بود.

در اتوبوس رو به روی مادری که کودکی

با فردی

مواجه شوید که در افکارش فرورفته، غبار غم و اندوه چهره اش را پوشانده، نگرانی و اضطراب عضلات چهره اش را منقبض کرده است؟ شاید احساس نالمی نسبت به آینده او را مشوش کرده یا در حسرت گذشته دست و پا می زند. شاید غرق در محاسبات بدھکاری هایش است یا با اقساط به تعویق افتاده خود کلنجر می رود یا نامهربانی و حرف های رنجش آور یکی از نزدیکان در ذهنش جان گرفته است و دارد آن هارا مرور می کند. به هر حال، ابر سیاهی آسمان ذهن او را پوشانده است و افکار مضطرب کننده در ذهنش رژه می روند. در همین حال با کودکی رود رو

اشاه

کودکان از افراد و عناصر اطرافشان تأثیر می پذیرند. اما تأثیری که خود بر افراد و عناصر محیطی می گذارند نیز چشمگیر است. در این مقاله برآئیم که به تأثیرات شگرف مثبتی که کودکان در محیط بهویژه بر افراد دارند، اشاره کنیم.

کلیدواژه ها: هاله مثبت، کودکان، محیط

کودک، داروی شفابخش افسرده

آیا برایتان پیش نیامده است که در پارک، یا کوچه و خیابان و وسایل نقلیه عمومی

در آگوش داشت؛ نشسته بودم. خانمی که در کنارم بود چنان در اعماق خودش فرو رفته بود که به کلی از اطراف خود بریده بود و به افراد و وقایع دور و برش توجهی نداشت. او که نگاهش به بیرون از پنجه بود، هر چندگاه با آهی که از ته دلس بر می خاست، غبار افسردگی را بر وجود افراد دور پر خود نیز می پاشید و آنها را هم در کام اندوه خود فرو می برد.

توجه اطرافیان و بهویژه کودک به او جلب شده بود. کودک قدری نگاهش کرد. او همچنان در خودش بود و به کودک توجهی نداشت. با این حال کودک نالمید نشد و باز هم به نگاه کردن ادامه داد. بالاخره زن کمی از خود بیرون آمد و سرشن را به سمت کودک چرخاند. تا چشمش به او افتاد لبخندی بر لبانش جوانه زد. در واقع، لبخندی را که جور زمانه از او ربوه بود کودک، توانست با رشادت و بی هیچ خشونتی، بستاند و بر لبانش بشاند و لختی بر آلام درونش مرهم نهد. او توانست تصویر مضطرب و مشوش ذهنی او را به تصویری آرامش بخش مبدل کند. مسیر و سمت و سوی خلق و خوی او را از براهه منفی به طرف مثبت به راه بیاورد و یک مسیر عصبی آمیخته با شادی و آرامش را در شبکه عصبی او احیا کند.

لبخند زن کمی طولانی شد و عضلات چهره اش از گرفتگی خارج و قدری منبسط گشت. وقتی کودک مطمئن شد که از کارش نتیجه گرفته است، غنچه لبخند بر لبان او هم نشست. زن که حالا دیگر حال و هوایش عوض شده بود، کودک را از مادرش گرفت و در آگوش کشید. بعد هم شروع کرد به حرف زدن با کودک. من هم قدری با او همراهی کردم. حالا لبخندهای کودک به قهقهه تبدیل شده بود، گویی با این قهقهه ها، پیروزی خود را به اطرافیان اعلام می کرد. مادر کودک و بغل دستی او هم با دیدن

نسبت به زندگی را در اذهان تداعی می کند و به هر رهگذری نوید می دهد که زندگی در جریان است. عطر دل انگیز شادی مشام دل هر رهگذری را هم که در کوچه و خیابان و اماکن عمومی دیگر چشمش به نورسیده می افتد، پر می کند. خانواده ها وقتی فرزند خود را مایه جلب توجه و انبساط خاطر دیگران می بینند، به او مبهات می کنند و از اینکه وسیله به دنیا آمدن او بوده اند به خود می بالند. می توان گفت که فرزند روحیه خوب باوری و اعتماد به نفس را در خانواده بالا می برد. حضور کودکان، جست و خیز و کارهایشان نه تنها موجب خوشحالی خانواده هسته ای آن هاست بلکه اسباب مسرت و شادمانی حداقل دو جد پدری و مادری را نیز فراهم می کند. نوی گویی تمام انرژی مثبت کیهانی را به خانه پدربرزگ و مادربرزگ ها به ارمغان می آورد. هاله مثبت او راه ورود افکار منفی و نگران کننده را بر ذهن می بندد و نمی گذارد جریان فکر در گذشته ها سیر کند. انسان در حضور کودک یاد می گیرد که همانند او در زمان حال زندگی کند. افرادی که با کودکان سروکار دارند و در تعامل دائم با آنها هستند؛ چهره شاداب تری دارند و روش ضمیر ترند. وقتی با آنها به گفت و گو می نشینی، زلال بودن کودکانه را در رفتار آنها هم می بینی. مریان کودکی که با کودکان هم زیستی و هم نشینی دارند بالا غلب والدینی که کودک خردسال دارند، رافت و مهربانی شان مشهودتر است یا حداقل می توان گفت افسردگی در میان آنها کمتر است. اینکه چهره روستاییان بشاش تر و زلال بودن در رفتارشان بیشتر است، به خاطر این است که فرزندان بیشتری دارند و دختران و پسرانشان در اول جوانی خود به افتخار مادری و پدری نائل می شوند. سالها پیش در مقاله ای می خواندم که در کشور هلن، برای رشد بهتر گل ها، کودکان

این منظره می خندي دند و جوشادی در آن محل حاکم شده بود. گویی کودک رسالت داشت که گرد غم و افسردگی را ز دل آن زن بزداید.

کدام روان درمانگر، کدام داروی ضد افسردگی، کدام طنزپرداز، کدام طنزگو، این چنین هنرمندانه و در یک چشم به هم زدن می تواند چنین دگرگونی ای را در حال و احوال فرد افسرده و اندوهگین بوجود آورد و مسرت و شادی را جایگزین غم و اندوه کند؟

علمای دین و اخلاق معتقدند که یکی از راههای نزدیک شدن به خدا این است که غم را از دل بنده اش بزدایی. کودک که خود بالقطعه به خدا نزدیک است، ذاتاً غمرباً و خالق شادی است.

بی شک، لبخندی که با دیدن یک کودک بر لب های بزرگ سالان می نشیند، به خاطر آن کودکی است که هنوز در درون هر یک از آنان است و این کودک است که ماهره اه می تواند آن را از پستوی وجودشان بیرون کشد. به راستی کودک کاشف شادی و قهرمان فرج بخشی و بیدار کننده کودک درون است.

در بیمارستان ها تقریباً بخش زایمان تنها بخش شاد است؛ زیرا در آنجا، نوزادانی با امواج مثبت، چشم به جهان می گشایند و عطر دل انگیز آن امواج را - که با خود به ارمغان می آورند - در میان حاضران ساطع می کنند. در این نوزادان، هنوز طراوت و تازگی روح الهی موج می زند. هنوز جوهر عهده نامه ای که آنان با خدا بسته اند، خشک نشده و گرد و غبار آلاینده های موجود در جامعه، چندان بر فطرت آنها ننشسته است. در واقع، این امواج مثبت از دل آینه های صیقل داده شده در فضای آنجا تشبع می یابد و بر اطرافیان ساطع می شود. این انرژی مثبت نه تنها به خانواده های نزدیک کودک بلکه به هر عیادت کننده ای نیز سرایت می کند. دیدن تولد یک نوزاد، رویش و امیدواری

علمای عرفان و

معرفت‌شناسی الهی براین

باورند که یکی از راههای رسیدن

به عشق حقیقی تجربه کردن

بک عشق مجازی وزمینی

سالم است

مراکز

پیش دبستانی را به مزارع گل

می‌برند تا آن‌ها با هیاهوی شادی بخش

خود بر رشد گل‌ها اثر بگذارند.

یک بار چند دانه لوبيا را من در یک

گوشة گلدان کاشتم و چند دانه دیگر را

نوه خردسالم در طرف دیگر همان گلدان

کاشت. دانه‌هایی را که نومام کاشته بود

هم زودتر سبز شدند و هم دیرتر از بین

رفتند. اگرچه ویژگی‌های وراثتی موجود

در دانه‌ها یکی از دلایل دیر یا زود

سبزشدن‌شان است ولی نمی‌توان گفت

که در مورد ۲۰ دانه لوبيا فقط یک عامل

دخیل باشد. بی‌تردید، وجود هاله مثبت

مربوط به کودکی و سرایت این انرژی به

دانه‌های لوبيا از دلایل محکم این رویداد

بوده است.

کودک، استاد فرزند پروری

با هر کودکی که در خانواده متولد

می‌شود، مدرسه، زندگی کارش را در آن

خانواده آغاز می‌کند. استعدادهای مهر

و محبت و مهروزی در میان اعضای

خانواده شکوفا می‌شود، صمیمیت و

نژدیکی آن‌ها افزایش می‌یابد و معنویت

در آن خانه حاکم می‌شود. چنانچه

کدورتی میان اعضای آن خانواده وجود

دارد که رنگ می‌شود؛ چون جو مهربانی

روی کینه‌ورزی را می‌پوشاند. زن و شوهر

که سرگرم بچه و بچه‌داری می‌شوند دیگر

کمتر فرصت مشاجره با یکدیگر را پیدا

می‌کنند.

به این ترتیب، کارگاه آموزشی و کارورزی

کودک‌پروری با برنامه‌های آموزشی

همچون نحوه مراقبت، تربیت و مدارا با

کودک برای پسرها و دخترهای دمیخت

آن خانواده شروع به فعالیت می‌کند و آنان

به شکل طبیعی و با روشی غیرمستقیم،

بی‌هیچ اجبار و تکلیفی، همراه با لذت

رحمت شخصیتی اش شکوفاتر می‌شود.
چنین قلبی، برای ورود عشق حق تعالی
مهیا تر و بذریاتر است. معشوق و محبوب
حقیقی به آیینه دلی که با مهر و عطوفت
صیقل داده شده است، سهل‌تر وارد
می‌شود.

نشوونمای کودک، پیام آور امید به زندگی

کودکی که در حال رشد و نمواست،
در هر مرحله از رشد خود، با هر رفتار
جدیدی مانند خزیدن، چهار دست و
پا رفتن، راه رفتن، غان و غون کردن،
لبخند زدن، قمه‌هه زدن، و نگاه‌های گویا
بدون اینکه کلامی بر زبان جاری سازد،
به صد زبان فهمیدنش را اعلام می‌کند.
قد کشیدن تدریجی اش که با مشاهده
هر سانت آن، مادر و پدر غرق در شادی
و امید و سرور می‌شوند، سرزنه بودن و
جاری بودن زندگی و حیات را به آن‌ها
نوبت می‌دهد.

شیرین کاری‌هایی که کودک از
خود نشان می‌دهد، سوء‌فهم و سوء
برداشت‌هایش که ناشی از ناپاختگی‌های
اوست، سوتی‌هایی که می‌دهد؛ کارهای
یواشکی که نمی‌تواند پنهان‌شان کند و
زود مج خود را برای اطرافیان باز می‌کند،
همه این نمونه‌ها حکایت از آن دارد که او
بی‌کنایه، بی‌حاشیه، بی‌پیرایه، بی‌شیله‌پیله
و ساده است. او همان گونه که هست خود
رانشان می‌دهد.

در تعاملات‌ش مطابق با میل و ویژگی
باطلی خود عمل می‌کند؛ علاقه و تنفر
خود یا در مجموع احساسات خویش را
نسبت به هر کس و هر چیز با جرئت و
حسارت بیان می‌کند. نه مانند بزرگ‌ترها
که رفتارهایی مخالف میل و شخصیت،
خود نشان می‌دهند و آن‌ها را سیاست
یا تدبیر می‌نامند. برخی شان هم به دلیل
ترس یا ملاحظه کاری و مصلحت‌بینی‌ها،
برده نظر و برداشت دیگران اند و سعی
می‌کنند کسی دیگران باشد. در حالی که
کودک خودش است. اگر از رفتار و اعمال

و در اوج مهروزی درس‌های لازم را
فرامی‌گیرند و برای مادر شدن و پدر
شدن در آینده، آمادگی پیدا می‌کنند.
در روند بزرگ شدن کودک، مادران
و پدران راه و روش و نحوه برخوردهای

مناسب تربیتی را از او یاد می‌گیرند. این
تجربه، اندوخته‌ای برای تربیت فرزندان
بعدی می‌شود و چنانچه والدین کم و
کسری در تربیت و رشد و تکامل فرزند
خود گذاشته‌اند، سعی می‌کنند برای
فرزندهان بعدی آن را جبران کنند. علاوه بر
این، نوه فرصت خوبی برای مادر بزرگ‌ها
و پدر بزرگ‌هاست تا کاستی‌های تربیتی
همه فرزندان‌شان را جبران کنند. اصلاً
در جوامع، این خود کودکان هستند که
الگوها و راه و روش فرزند پروری را به
بزرگ‌ترها یاد می‌دهند.

برای محققی که در باره نحوه تربیت
کودکان پژوهش می‌کند، بهترین و
اصیل‌ترین منبع خود کودک است. منابع
مکتوب آگاهی‌های اولیه را به او می‌دهند
ولی، مشاهده رفتارهای کودک بهترین و
بهروزترین منبع است.

با تکرار تولد هر کودک در خانواده
گنجایش و ظرفیت مهروزی در پدران
و مادران بیشتر می‌شود. شاید به همین
دلیل گنجایش دوست داشتن، همدلی
و صمیمیت در میان پدران و مادران
نسل پیش بیشتر بوده است؛ چون آن‌ها
فرزندهان بیشتری به دنیا می‌آورده‌اند. ولی
در نسل امروز که هیچ فرزندی ندارد و
یا تک‌فرزنی است (به‌ویژه شهرنشین‌ها)
این گنجایش مهروزی به حداقل رسیده
است. اگر این منوال ادامه یابد دیگر
بزرگ‌ترها هم مهر و محبت کردن به
یکدیگر را از یاد می‌برند.

علمای عرفان و معرفت‌شناسی الهی
بر این باورند که یکی از راههای رسیدن
به عشق حقیقی تجربه کردن یک عشق
مجازی و زمینی سالم است. بی‌شک،
مادری که عشق مادری و مهروزی
به کودک خود را تجربه می‌کند قلب و
روحش لطیفتر و جنبه‌های رافت و



دیگران را ندیدن هاست که فرد را به قدر زوال اخلاقی می‌کشند و خلقی را به کام مرگ فرومی‌برد. به خاطر خودهast که حقوق دیگران در نظر گرفته نمی‌شود. فرد خودبین مهارت همدلی با دیگران را ندارد. خیلی از دلخوری‌ها و کینه‌ورزی‌ها به خاطر این است که فرد نمی‌تواند خود را به جای دیگری بگذارد و از دریچه چشم و نظر او ببیند. در صورتی که اگر فردی موقعیت و محدودیت‌های دیگری را دریابد، درک و گذشت آسان می‌شود. مادری که در دوران طفولیت کودکش، شب‌زنده‌داری می‌کند، گریه‌های کولیکی نوزاد را تحمل می‌کند و برای آرام کردن او راه‌های رفتہ و نرفته را می‌آزماید، شب‌ها بر پالین کودک بیمارش تا صبح پلک نمی‌زند و از خواب شیرین خود می‌گذرد و اشک‌ها بر پالین کودکش می‌ریزد، نه تنها نزدیکی، صمیمیت و محبت میان خود و کودکش بیشتر می‌شود بلکه مهارت صبر و بردباری خویش را بالا می‌برد و در برابر مشکلات زندگی ورزیده و آبدیده می‌شود. یاد می‌گیرد که در برابر نامالیات زندگی به جای اینکه خود را ببازد و خود را در آخر خط ببیند، شکیابی پیشه کند. بی‌بیماری هستند. این تنها خود را دیدن ها و شک به هنگام صبر و آرامش است که فرد

آیا بزرگسالی که بر اثر زبان پریشی یا به هنگام صحبت کردن به زبان دوم یا مکالمه به زبان خارجی، خطاهای گفتاری و یا درکی مرتکب می‌شود، این گونه موجبات خنده و انبساط‌خاطر مستمعان خود را فراهم می‌کند؟

فرزنдан مایه رشد و تکامل روحی والدین

جوانی که به افتخار مادری یا پدری نائل می‌شود، یاد می‌گیرد که به غیر خودش هم فکر کند و حتی در سیاری موقع پیش می‌آید که به نفع فرزندش از منافع خود می‌گذرد. در نتیجه، روحیه از خود گذشتگی در او تجلی می‌یابد. (بهویژه اگر تکفرزند خانواده باشد) و خودخواهی او کمرنگ می‌شود؛ خودخواهی که عامل بسیاری از کج رفتاری‌ها در برخورد با دیگران است. بیماری‌های دل و آلاینده‌های روح که از نظر علم اخلاق یا به تعبیر علم روان‌شناسی بسیاری از هیجان‌های منفی مانند خشم و اضطراب که منجر به بیماری افسردگی می‌شوند، از آن برمی‌خizد. خودخواهی، خودبینی، خودپسندی، خودرأبی، خودبزرگ‌بینی، خود کامگی هم که میوه‌ها و ثمره‌های این بیماری هستند. این تنها خود را دیدن ها و

بزرگ‌ترها تقليد می‌کند چون می‌خواهد به گنجينه تجارب و آموخته‌هایش بيفزايد. به راستی عزت‌نفس، اعتماد به نفس و صداقت و خلوص نيت بچه‌ها بيشتر است يا بزرگ‌سالان؟

برای همین است که کنار آمدن با بچه آسان‌تر از بزرگ‌سال است. در واقع، تکلیف با او روشن است.

این زلال بودن و خلوص کودک است که او را هرچه بیشتر در قلب بزرگ‌ترها جا می‌کند. گوبی رفتارهایی که هنوز با پیچیدگی‌ها، دوز و کلک‌ها آشته نشده بیشتر محبت را به خود جلب می‌کند. شاید رسالت کودک این است که فطرت و اصالت وجودی انسان را به بزرگ‌ترها يادآوری کند و میزان بیشتری از قابلیت مهروزی را در آنان شکوفا سازد. معمولاً دوز و کلک، بیشتر خشم مخاطب را برمی‌انگیزد. می‌توان گفت که این کودکان اند که مایه رشد و توسعه و شکوفایی فطرت مهروزی در بزرگ‌سالان می‌شوند. اگر کودکان نباشند، چه کسی این استعدادها را شکوفا می‌کند؟ چگونه بزرگ‌ترها ياد بگيرند که به هم مهر بورزند؟

وقتی کودکی را در حال خنده‌دين می‌بینیم از دیدن این منظره زیبا، نشاطی سر و پای وجودمان را فرامی‌گیرد. لبخند کودکان بهترین اثر هنری است که هنرمند یکتاب لبان آن‌ها نشانده است. به راستی کدام صورتگری می‌تواند تمامیت زیبایی و حس لطیف خنده کودک را به تصویر بکشد؟

وقتی کودک زبان می‌گشاید، غلطهای آوازی و تلفظی او، اشتباههای ساختاری و دستوری در جمله‌هایی که بیان می‌کند، خطاهای او در افعال در زمینه زمان، یا وجه یا عدد آن‌ها، زمان‌هایی که ناجا به کار می‌برد، ضمیرهایی که جایه‌حایشان می‌کند (مثلاً سوم شخص را به جای اول شخص استفاده می‌کند)، محدودیت معنا‌سازی اش که ناشی از محدودیت شناختی اöst (چون قلمرو مفهومی واژه‌ها و ساختارها

رشد منفی جمعیت بر سر مردم
می‌نشیند و جامعه به سمت پیری
و فرسودگی می‌رود. چنین جامعه‌ای شور
و اشتیاق چندانی به زندگی ندارد، امید
به آینده در آن کمتر است، کمتر نظر
به جلو دارد و فضای ذهنی آن بیشتر
وقایع گذشته را می‌رمور می‌کند. در جمعیت
کهنسال کمتر نوگایی و خلاقیت به
چشم می‌خورد.

فرجام سخن

کودکان مایه رحمت و نعمت و برکت
خانواده‌ها و جامعه‌اند. آموزش و پرورش
بهواسطه آن‌ها هویت می‌گیرد. بی‌آن‌ها
القب پدری، مادری، مربی، معلمی و
بسیاری دیگر معنا نمی‌یابد. آن‌ها سلطان
غم‌زدایی و زداینده امواج و افکار منفی
در اذهان بزرگ‌ترهایی هستند که افسار
خود را به دست زمانه داده‌اند و زمانه به
هر کجا که می‌خواهد افکار آن‌ها را با خود
می‌کشند و این کودک است که با جلب
توجه و با مشغول کردن ذهن بزرگ‌ترها،
سکان کشته این افکار را بدست
می‌گیرد؛ آن‌ها را به خود می‌آورد، از
موقعیت نامناسب آگاهشان می‌سازد و در
جایگاه فرح‌بخشی می‌نشانند.

کوتاه سخن اینکه کودکان با
جست‌و‌خیز و هیاهوی کودکانه خود و
شیرین‌کاری‌هایشان، حتی با حضورشان،
انرژی مثبت را به محیط می‌آورند.
آنان مایه امید، شادی و انبساط خاطر
بزرگ‌سالان‌اند. رشد و تکامل بعضی از
جنبهای شخصیتی بزرگ‌سالان در
دستان آنان است. آن‌ها استاد مهروزی
و کودک‌پروری‌اند. بخشی از معنای
زندگی را می‌سازند و پازل هستی
بهواسطه آن‌ها کامل می‌شود. بی‌کودک،
یک جامعه چهره خندان زندگی را کمتر
می‌بینند. مباد آن روزی که جامعه‌ای،
کشوری، امتنی، قومی، عشیره‌ای تهی از
کودک باشد.

کودکان خیلی زود خطاهای
دوسستان خود و حتی بزرگ‌ترها
را می‌بخشند، کینهای در دل جای
نمی‌دهند، به فکر انتقام‌جویی نیستند،
وقتی قهر می‌کنند خیلی زود با یکدیگر آشتب می‌کنند،
ظلمی را که چند دقیقه پیش به
آن‌ها روا شده، می‌بخشند و فراموش
می‌کنند. مشاهده دقیق صفت بخشندگی
کودکان می‌تواند برای ما بزرگ‌ترها
آموزنده باشد.

از این‌ها گذشته، بخشی از ماهیت
پارهای از مشاغل اقشار و نهادهای موجود
در جامعه به‌واسطه کودک است. مانند
نهاد آموزش و پرورش، بهزیستی، بهداشت
و درمان دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مهدها
و مراکز پیش‌دبستانی، تولید‌کنندگان
و فروشگاه‌های اسباب‌بازی فروشی،
لباس‌فروشی و کتاب‌فروشی کودکان، و
دوزنده‌گاه‌های لباس کودک، نویسنده‌گان
کودک، مربیان و معلمان کودکان،
هویت و وجهه مادری و پدری و منزلت
و اعتبار هر کدام به خاطر کودک است.
بسیاری دیگر مانند روان‌شناس و مشاور
کودک، پزشک و دندان‌پزشک متخصص
اطفال، مددکار و پرستار کودک، همگی
عنایین و القاب و مشاغل خود را از
کودک گرفته‌اند. بهراستی کودک نه تنها
آرام‌بخش و نویددهنده فردای یک جامعه
است بلکه وجودش برای جامعه برکت‌زا
و شغل‌آفرین و موجب رشد و توسعه
اقتصادی است.

متأسفانه در بسیاری از کشورها به‌ویژه
کشورهای پیشرفته و حتی در کشور
خودمان، در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران،
خانواده‌ها، رفته‌رفته به‌سوی تک‌فرزندی و
یا بی‌فرزندی پیش می‌روند. چنان‌که چتر

مجالی می‌یابد تا راه حلی برای مشکلش
پیدا کند.

در مجلسی دو نفر از هم دلخور بودند
و سعی می‌کردند صحبت‌هایشان را به
سمتی سوق دهند که رنجشی در یکدیگر
ایجاد کنند و با هر رنجشی که به وجود
می‌آورند، چهره برافروخته‌شان گشوده
می‌شد و احساس رضایت وجودشان را
فرامی‌گرفت. در این میان، دو کودک که
ثمرة آن دو بودند، فارغ از این دورت‌ها،
نه تنها با هم مهربانانه صحبت و بازی
می‌کردند بلکه بدون توجه به تکه‌های
شماتیک‌الودی که والدینشان به هم
می‌پراندند، هر کدام نزد والد دیگری
می‌رفت و با او ارتباط می‌گرفت. صحنه
آموزنده‌ای بود که توجه هر ژرفاندیشی
را به خود جلب می‌کرد. گویی کودکان
داشتند سکانس‌های رفتار صحیح را برای
بزرگ‌ترها به نمایش می‌گذاشتند. شاید
هم می‌خواستند خود را مشغول سازند
تا رفتارهای نامناسب بزرگ‌ترها در آن‌ها
نهادی نهشود.

ای کاش ما بزرگ‌ترها درس برقراری
ارتباط درست با یکدیگر و هنر مهروزی
را از کودکان یاد می‌گرفتیم. به راستی
آن‌ها مریبیان بهتری برای ما هستند یا ما
برای آن‌ها؟

محتوا، در معرض نقد و نظر

اشاره

به استناد ماده ۵ اساسنامه دوره پیش‌دبستانی - مصوب شورای عالی آموزش و پرورش - مواد آموزشی دوره مزبور در چارچوب راهنمای برنامه به صورت غیرمتمنه کز تمهیه می‌شود. از این‌رو، از سال‌های گذشته کارگروه و پژوهش‌های در هر استان، متولی تولید محتوای مراکز پیش‌دبستانی استان بوده است و تولیدات خود را که متناسب با شرایط بومی و فرهنگی مرتبط تدوین می‌شود، پس از بررسی و تأیید کارشناسان دفتر تألیف کتب درسی مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.

یکی از برجسته‌ترین امتیازات کار تمهیه و تولید محتوا برای مراکز پیش‌دبستانی نسبت به سایر دوره‌های تحصیلی، عدم تمرکز آن است. کارگروه‌های تولید محتوای هر استان، متشکل از کارشناسان مرتبط با تعلیم و تربیت کودکان، در چارچوب برنامه درسی مصوب و متناسب با شرایط و نیازهای فرهنگی و بومی استان خود اقدام به تهیه و تدوین محتوای مورد نیاز مراکز استان می‌کنند و پس از تبادل نظر و تأیید کارشناسان دفتر تألیف، آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند.

محتواهای آموزشی کودکستان‌ها اغلب از عناصر متنوع و فعالیت‌های گوناگون تشکیل یافته است و همین عناصر و فعالیت‌ها اجزاء بسته‌های آموزشی را تشکیل می‌دهند. این فعالیت‌ها مشتمل بر قصه، شعر، بازی، نقاشی، کاردستی، نمایش و فعالیت‌های به اصطلاح علمی (مشاهده، آزمایش، بازدید و بحث و

دسترسی به آن‌ها محروم‌اند، فراهم شده است.

در این میان، برخی معتقدند که نظارت کارشناسان فنی و موضوعی دفتر تألیف کتب درسی بر مواد آموزشی و تولیدی استان‌ها - قبل و حین تولید - موجب اتلاف وقت و نیروی انسانی می‌شود و ابتکار عمل را از تولید کنندگان استانی سلب می‌کند.

این نظر در خور تأمل است و بر این اساس، برای اصلاح و رفع اشکال یاد شده، طرحی در دست بررسی است مبنی بر اینکه با غربالگری تولیدات و امتیازدهی، ظرفیت تولیدی استان‌ها، ارزیابی شود و با تمهدیاتی، کار نظارت بر محتواهای آموزشی به تدریج از حین تولید به پس از تولید موکول گردد. در صورت تحقق این طرح ده‌ساله - تا چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی - شاهد استقلال کامل کارگروه‌های استانی از نظر انتخاب، تولید و بهره‌برداری از محتواهای آموزشی و بومی خودشان خواهیم بود. امید است این شیوه نیز همچون روش غیرمتمنه کز جاری الگویی باشد برای تحول بخشی در سایر دوره‌های تحصیلی کماکان در انتظار نظرات ارزشمند مردمیان فهیم، کارشناسان ارجمند و صاحب‌نظران علاقه‌مند هستیم.

گفت‌و‌گو) هستند و نقشۀ راه آن‌ها در کتاب‌های راهنمای مربی و یا کتاب کار کودک مربی ترسیم و عرضه می‌شود.

در این زمینه، همواره چند دیدگاه وجود داشته است که در زیر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و سپس ضمن توضیحی مختصراً، به نقد این نظرات می‌پردازیم.

برخی معتقدند که سیاست عدم تمرکز در تولید محتوای آموزشی، صرف‌نظر از نکات مثبت آن، از سویی موجب عدم هماهنگی در تهیه مواد آموزشی، پراکنده‌کاری و ضعف در هدایت و نظارت بر موضوع می‌شود و از سوی دیگر محرومیت برخی از کودکان پیش‌دبستانی کشور از محتواهای شایسته و برجسته را به ذغال دارد.

در نقد این نظر دلسوزانه، باید گفت که آثار مثبت عدم تمرکز در تولید محتوا از قبیل رشد قابلیت گروه‌های تولیدی، رقابت سالم آن‌ها در تدوین محتوا، توجه به فرهنگ بومی و منطقه‌ای و... آن‌قدر زیاد است که عوارض منفی و احتمالی آن بسیار ناچیز به نظر می‌رسد اما به هر حال، برای رفع نگرانی این افراد درباره موضوع محرومیت برخی از کودکان از مواد آموزشی مطلوب نیز با تولید و معرفی برخی مواد آموزشی ملی، فرآگیر و الگویی، امكان بهره‌مندی استان‌هایی که به هر علت از تولید محتواهای مطلوب یا

پیش‌دبستانی در کلاس‌های چندپایه

پای صحبت دکتر رخساره فضلی، مدیر کل دفتر آموزش پیش‌دبستانی

محسن رخشانی

عدالت آموزشی، یعنی دادن حق طبیعی آموزش به تمامی کودکان واجب‌التعليم کشور، از کلاس‌های چندپایه استفاده می‌شود، بررسی‌های انجام شده در این مقوله مهم آموزشی و پرورشی، اجمالی و پراکنده‌اند و از نتایج بررسی‌های انجام شده نیز کمتر استفاده شده است. بنابراین، می‌توان گفت در کشور ما به این بخش آموزش و پرورش، نگاه تخصصی و حرفه‌ای نشده است.

در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس و توسط یک معلم آموزش می‌بینند. این کلاس‌ها می‌توانند نیاز آموزشی بسیاری از کودکان را در مناطق محروم برطرف کنند. کلاس‌های چندپایه به منظور توسعه عدالت آموزشی و بهبود رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان و از سوی دیگر، به دلایل اداری همچون کاهش جمعیت دانش‌آموزی، نیازهای اداری - مالی، موقعیت جغرافیایی ... تشکیل می‌شوند. همچنین فرصتی برای خدمت به مردم مناطق محروم هستند و مراکزی برای ایجاد آگاهی اجتماعی، پیشرفت‌های اقتصادی و اصلاحات آموزشی بهشمار می‌آیند. بر همین اساس، یکی از اقدامات مؤثر جهت توسعه عدالت آموزشی استفاده از این فرصت برای رشد همه‌جانبه و آماده‌سازی نوآموزان جهت ورود به نظام آموزش ابتدایی است.

آیا در مورد کلاس‌های چندپایه مطالعات علمی خاصی صورت پذیرفته است؟

بله، تحقیقاتی در ایران و سایر کشورها انجام شده و در حال انجام است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که در نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته، کلاس‌های درس چندپایه به صورت عمده ایجاد می‌شود. به عبارتی، در بسیاری از کشورها با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، نگاه‌ها به ایجاد و توسعه کلاس‌های

درس چندپایه معطوف است.

همچنین

اشارة

سرکارخانم دکتر فضلی، مدیر کل دفتر آموزش پیش‌دبستانی با سابقه‌ای در خور از نظر آشنایی با کلاس‌های چندپایه و حضور کودکان پیش‌دبستانی در آن‌ها، پای گفت و گو با ما نشسته است. تا اولیا، مربیان و کارشناسان را در اقصی نقاط کشور با این موضوع آشنا ساخت. متن گفت و گوابی را در زیر می‌خوانید.



ضمن تشکر، به عنوان نخستین سؤال، بفرمایید که کلاس‌های چندپایه چه پیشینه و تاریخچه‌ای دارند، و به نظر شما فلسفه وجودی کلاس‌های چندپایه چیست؟ به عبارتی، چه تعریفی از کلاس‌های چندپایه دارید؟

تدریس در کلاس‌های چندپایه، پدیده تازه‌ای نیست و در برخی از کشورها، به ویژه در کشورهای اسلامی، چندین قرن قدمت دارد. در کشورهایی مثل چین و نپال، پیش از اجباری شدن آموزش ابتدایی و نیز در کشورهایی که تحت سلطه استعمار قرار داشتند، کلاس‌های چندپایه قدمتی بیش از یکصد سال دارند. در کشور ما نیز عوامل جمعیت‌شناختی، جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، و فلسفی در تشکیل کلاس‌های چندپایه اثر داشته و از این روش برای رفع نیاز آموزش همگانی استفاده شده است.

اگرچه در نظام آموزش و پرورش کشور ما، برای برقراری



تحقیقات نشان می‌دهد که میان دانشآموزان کلاس‌های درس چندپایه و دانشآموزان کلاس‌های تکپایه از حیث توانایی شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد. افزون بر این، دانشآموزان کلاس‌های درس چندپایه نسبت به دانشآموزان کلاس‌های تکپایه از نظر رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه همکاری، بهداشت روانی، پختگی رفتاری... برتری دارند. نتایج پژوهش‌های زیادی اثربخش بودن کلاس‌های درس چندپایه را مورد تأکید قرار داده‌اند. در مجموع، می‌توان گفت کلاس‌های چندپایه فرصت بی‌بدیلی برای توسعهٔ عدالت آموزشی در دو بعد کمی و کیفی فراهم می‌کنند.

کلاس‌های چندپایه در سیمای آموزشی سایر کشورها چگونه است؟ آیا مطالعاتی در این زمینه انجام شده است؟

بله همان‌طور که اشاره شد در برخی کشورها به صورت عمده کلاس‌های درس چندپایه ایجاد می‌کنند. در استرالیا ۴۰ درصد، در فرانسه ۲۲ درصد و در سوئیس ۳۵ درصد مدارس چندپایه‌اند. در ایالت ویلز انگلستان نیز ۳۰ درصد مدارس چندپایه‌اند. روند توسعهٔ کلاس‌های چندپایه، از کاهش تعداد این مدارس در برخی از کشورها مثل ژاپن تا افزایش تعداد آن‌ها در ویتنام متغّرات است.

متنا و معیار حضور نوآموزان پیش‌دبستانی در کلاس‌های چندپایه چیست و اساساً با چه ملاک‌هایی نوآموزان می‌توانند در کلاس‌های چندپایه شرکت کنند؟ در حال حاضر حدود ۵۰ هزار کلاس چندپایه در مناطق کم‌جمعیت عشایر و روساتایی کشور ما وجود دارد که بیش از ۷۰ درصد آن‌ها دو و سه پایه و حدود ۱۰ درصد زیر ۱۰ نفرند. نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که ناهمگنی دانشآموزان از نظر سن، پایه تحصیلی، توانایی‌ها و مهارت‌ها، اطلاعات پایه و زبان مادری می‌تواند مورد بهره‌برداری تربیتی - آموزشی قرار گیرد. بر این مبنای، وزارت آموزش و پرورش در سال گذشته حضور نوآموزان پیش‌دبستانی در کلاس‌های چندپایه را تابع سه شرط اساسی زیر ابلاغ نموده است:

۱. حداکثر سه پایه
۲. حداکثر ۱۵ نفر
۳. دوره اول ابتدایی (پایه‌های اول تا سوم).

با این شرایط برای اولین بار در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ فرصتی برای نوآموزان پیش‌دبستانی فراهم شد تا در کلاس‌های کم‌جمعیت روساتایی تا حداکثر سه پایه حضور یابند. این اقدام و پذیرش نوآموزان داوطلبانه بوده است و به همت ۶ هزار معلم

کلاس‌های چندپایه، بیش از ۲۲ هزار نوآموز پیش‌دبستانی در این کلاس‌ها حضور یافته‌اند که بیشتر آن‌ها در سال تحصیلی بعد دانشآموزان پایه اول همین معلم‌ها خواهند بود. حضور نوآموزان در این کلاس‌ها از چند بعد دارای اهمیت است؛ نوآموزان با عمل، فضا و قوانین مدرسه آشنا می‌شوند، به زبان فارسی مسلط می‌شوند، با دانشآموزان بزرگتر ارتباط برقرار می‌کنند و با آن‌ها و از آن‌ها یاد می‌گیرند... البته حضور آن‌ها منعطف بوده و براساس تشخیص معلمان این کلاس‌ها و برنامه اعلام شده، متفاوت بوده است. جا دارد از همراهی داوطلبانه و متعهدانه معلمان این کلاس‌ها تقدير و تشکر کنم و از اینجا به استحضار همکاران زحمتکش این حوزه، بهویژه معلمان کلاس‌های چندپایه، برسانم که دفتر آموزش پیش‌دبستانی مصمم است از همهٔ توان خود برای جمع‌آوری تجارب ارزشمند این عزیزان، به‌منظور ارائه الگوی ملی برخورداری از فرسته‌های موجود استفاده کند. (همکاران می‌توانند تجارب خود را به دفتر نشریه بفرستند تا به نام خودشان چاپ شود و مورد استفاده همگان قرار گیرد.)

لطفاً به زبان آمار اطلاعاتی دربارهٔ کلاس‌های چندپایه از نظر تعداد دانشآموز، تعداد کلاس و... در اختیار ما بگذارید.

بر پایهٔ آمارهای موجود، حدود ۷۰۰ هزار دانشآموز در کلاس‌های چندپایه تحصیل می‌کنند که همهٔ آن‌ها دانشآموزان مناطق روساتایی، عشایر و یا جومهوری‌شهرهای کوچک و دورافتاده‌اند. بیش از پنجاه هزار معلم در این کلاس‌ها شاغل هستند. براساس آمار سال تحصیلی ۹۳-۹۴ هزار کلاس چندپایه در سطح کشور دایر است که از دو تا شش پایه متغّرات‌اند. در مواردی کلاس‌ها با یک تاشش نفر در شش پایه و به صورت مختلط و در برخی مناطق با جمعیت ۲۵ نفر در دو یا سه پایه تشکیل می‌شود. در شش هزار کلاس ۲۲ هزار نوآموز پیش‌دبستانی حضور دارند.

در پایان، چنانچه مطلب ناگفته‌ای دربارهٔ کلاس‌های چندپایه باقی‌مانده است بفرمایید.

رشد آموزش ابتدایی در سال ۱۳۸۹، در چندین شماره به کلاس‌های چندپایه و اهمیت و ضرورت آن‌ها و نیز نحوه مدیریت بهینه این کلاس‌ها و معرفی منابع علمی پرداخت. فرصت مغتنمی است چنانچه مخاطبان عزیزان نشریه تمایل دارند اطلاعات بیشتری دربارهٔ این مقوله به دست آورند به آرشیو مجله مراجعه نمایند.



تجربه‌های ۳ استان

نشست آموزشی توجیهی گروه پیش‌دبستانی دفتر تألیف کتب درسی

رقیه قنبری

در تاریخ سهشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۴ گروه پیش‌دبستانی دفتر تألیف نشست یک روزه‌ای را برای توجیه و آموزش تعدادی از اعضا کارگروه تولید محتوای آموزشی مراکز پیش‌دبستانی استان‌های سمنان، یزد و گلستان در تهران برگزار کرد که در زیر به برخی جزئیات آن اشاره می‌شود.

در این نشست که به درخواست کارگروه‌های تولید محتوای مواد آموزشی در استان‌های یزد، سمنان و گلستان در دفتر تألیف کتب درسی تشکیل شده بود، ۱۲ نفر از کارشناسان و اعضای کمیته‌های تولید استان‌های مزبور حضور یافتند.

در ابتدا کارشناسان دفتر تألیف ضمن بیان هدف از برگزاری جلسه، روند تولید را مرور کردند. آن‌گاه، هر یک نماینده‌گان کارگروه‌های استان‌ها، آخرین تولیدات مورد بررسی خود را مطرح کردند و با مشارکت استاد راهنمای کارشناسان گروه پیش‌دبستانی دفتر به بحث و گفت‌و‌گو درباره آن‌ها پرداختند.

در ادامه، آخرین اصلاحات و فرم‌های تکمیلی مربوط به بررسی و تأیید محتوای غیرمتصرک استان‌ها، تشریح شد. در پایان این جلسه یک‌روزه نیز ضمن پاسخ‌گویی به سوالات حاضران، مقرر گردید که هر یک از استان‌های شرکت‌کننده در نشست محتوای اصلاح شده خود را بر مبنای مباحث جلسه یاد شده به دفتر ارسال نماید.

به این وسیله به اطلاع همکاران می‌رسانیم که در ادامه نشست‌های مشابه، که به تقویت کمیته‌های تولید کمک خواهد کرد، در نظر است با غربالگری و سنجش ظرفیت تولیدی استان‌ها، موضوع و روند بررسی تولیدات استانی به تدریج و در یک دوره ده‌ساله، به آن‌ها تفویض گردد.

این اقدام ضمن گسترش کمی و کیفی تولیدات آموزشی، بر سرعت بررسی‌ها می‌افزاید و باعث توسعه کار نظارت و هدایت گروه پیش‌دبستانی دفتر می‌شود.



روش فعال در کودکستان

تألیف: صفری سره



رقیه قنبری کارشناس پیش‌دبستانی

این کتاب مشتمل بر ۱۰ فصل و یک مقدمه است.

عنوانین فصول بدین شرح‌اند:

- تربیت قبل از آموزش رسمی
- سازگاری کودک با کودکستان
- انحرافات احتمالی در رفتار طبیعی کودکان
- تربیت و تفاوت‌های فردی
- پرورش هوش و زبان
- فعالیت‌های پرورشی در کودکستان
- وسایل و ابزار مورد نیاز

- طرز اجرای روش فعال در کودکستان

- نکات مربوط به دوره‌های تربیت مریب کودک

- چند تن از بانیان و مریبان کودکستان

در ابتدای کتاب، طی جداول و توضیحاتی، روند توسعه کودکستان‌ها و تاریخچه آن‌ها در ایران بررسی و آمار آن‌ها در سال ۱۳۳۱، ۷۴ باب و در سال ۷۱ (سال تدوین کتاب) ۴۶۰۰ باب ارائه شده است.

نویسنده محترم هدف از تشکیل کودکستان را این‌گونه بیان کرده است:

۱. پرورش عادت‌های مفید در کودک

۲. پرورش رفتار پسندیده اجتماعی و تشویق کودکان به شرکت در گروه‌ها و دسته‌ها (فعالیت‌ها)

۳. پرورش عواطف کودک

۴. کمک به بروز و پرورش استعدادهای فطری کودکان

۵. ایجاد حس اعتماد به نفس و امنیت خاطر در کودکان

۶. متوجه ساختن کودکان به دنیا یکی که آن‌ها را فراگرفته است؛

۷. تشویق حس استقلال طلبی و خلاقیت کودک

۸. پرورش حس زیبایی‌شناسی در کودک.

در ادامه، وظایف کودکستان‌ها در کتاب یاد شده بدین شرح بیان شده است:

۱. شناخت خصوصیات فردی هر کودک از تمام جنبه‌ها با مطالعه وضع خانوادگی و فعالیت در کودکستان

۲. فراهم ساختن امکانات لازم برای رفع نیازهای سنی از همه جهات (جسمی، روانی و اجتماعی)

۳. شناخت عوامل مؤثر مطلوب یا نامطلوب در رشد و تکامل هر کودک در خانواده، کودکستان و اجتماع، تقویت تأثیر عوامل مطلوب و تضعیف تأثیر عوامل نامطلوب

۴. ایجاد محیطی سالم و پرانگیزش که بتواند کنجدکاوی کودک

و شوق دائمی او به دانستن و فهمیدن را برانگیزد و بیفزاید.

۵. ایجاد شرایط مناسبی که تغییر محیط کودک را راز خانه به مدرسه، مطبوع و آسان سازد.



چرایی احترامی

دکتر فرخنده مفیدی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

چرا ویرانگری؟

یاد گرفتن مراقبت از محیط و احترام به آن باید بخشی از رشد عاطفی و اجتماعی کودکان باشد. اگر محیط را جذاب و آرامش‌بخش کنیم و از آن مراقبت به عمل آوریم، به احتمال زیادتری، کودکان به مراقبت کردن از آن و حفظ و نگهداری آن تمایل پیدا می‌کنند. به این معنی که محیط‌های آموزشی و فضاهای مختلف سال‌های اولیه کودکی اعم از مهدهای کودک، کودکستان‌ها و پیش‌دبستانی‌هایی که سعی دارند محیط را جذاب و دوست‌داشتمند کنند و با فراهم آوردن وسایل لازم و فنون زیبایی‌شناختی و چینش‌های دلنویاز، برای به وجود آوردن نوعی احساس غرور و افتخار در کودکان نسبت به محیط خود تلاش کنند، به احتمال زیاد می‌توانند ارزش گذاشتن به محیط و حس احترام نسبت به آن را در آنان به وجود آورند.

کودکان همچنین نیاز دارند مشاهده کنند که بزرگترها و افراد مورد علاقه آن‌ها از محیط و طبیعت اطراف خود مراقبت می‌کنند. ببینند که چگونه زباله‌ها رانگه‌می‌دارند، آن‌ها را کجا قرار می‌دهند و چگونه مواد بازیافتی را برای تولید بهتر در جای مناسب قرار می‌دهند. مواد اضافی خوارکی را در پارک، در محیط آموزشی و در فضای باز در کجا قرار می‌دهند و چه نگرشی نسبت به پاکی و تمیزی محیط

همه ما دوست داریم که افراد در هر سنی طبیعت را دوست داشته باشند و فضای طبیعی اطراف خود را به چشم دوستی، مهربانی، زیبایی و احترام بنگرد اما همیشه و در بسیاری از محیط‌ها شاهد بی‌احترامی نسبت به محیط و اعمال ناریه، مخرب و ویرانگر در این باره هستیم. در خانه، در محیط‌های آموزشی، در پارک، در خیابان و حتی خانه دوست و بسیاری از محیط‌های دیگر برخوردهای نادرست با محیط طبیعی آثار گاه جبران نایذر آن‌ها را می‌بینیم؟ چرا این برخوردها صورت می‌گیرد؟ برای مقابله با آن‌ها از کجا باید شروع کرد و از که باید درس گرفت؟



و طبیعت اطراف خود دارند. آیا بی دقت عمل می کنند و یا نگاه بهداشتی و حفاظتی دارند و

- آن‌ها نیاز دارند ببینند که بزرگ‌ترها کاغذهای باطله را به دقت تا
می‌زنند، آشغال‌ها را از زمین برミ‌دارند و در جای مخصوص نگه
دارند و اصولاً برای جلوگیری از پخش مواد اضافی و بی‌صرف
محلى ویژه را در نظر گرفته‌اند. بر این اساس، تمیز کردن و
مراقبت از اسباب‌بازی‌ها و وسایل و نگهداری از آن‌ها در جایی
مناسب، باید بخشی از امور روزمره کودکان باشد؛ زیرا در برقراری
عادت‌های مطلوب مراقبت از محیط تأثیر بسیاری دارد.
این نوع از تکالیف همچنین به کودکان اجازه می‌دهد تا احساس
اعتمادیه نفس پیشتری پیدا کنند.

به وجود آوردن نگرش احترام به محیط باید بخشی از برنامه منظم روزانه کودکان باشد ولی فعالیتهای ویژه‌ای نیز به این منظور باید طراحی گردد و طرح‌های مناسبی برای زیباسازی محیط بازی و فعالیتهای کودکان تولید گردند.

از جمله مثال‌های خوب برای این کار، مسئولیت دادن به کودکان برای انجام دادن تکالیف ویژه، مانند جمع کردن مداد رنگی‌ها و یا جمع آوری اسباب بازی‌ها و پاک کردن محیط شن بازی و نظایر آن است. کودکان این مسئولیت‌ها را به صورت فردی و

یا گروهی می‌توانند به عهده بگیرند. آن‌ها همچنین می‌توانند از گیاهان و
فضاهای بیرون و محیط نگهداری حیوانات مراقبت کنند، برای پرندگان
در زمستان غذا تهیه کنند و بینند آن‌ها آب برای نوشیدن دارند یا نه.
کودکان می‌توانند در محیط بیرون از خانه و یا کلاس دانه و گیاه بکارند
و شاهد رشد آن‌ها باشند و از آن‌ها مراقبت کنند. مراقبت از گیاهان و
حیوانات به این شیوه تمایل به مراقبت و نگرش مثبت را در آنان پرورش
می‌دهد. به این ترتیب، بسیار از مراحلی، کودکان می‌توانند نسبت به محیط و

فضای اطراف خود احساس غرور و افتخار داشته باشند. نتایج تحقیقات بسیار نشان داده است که بی احترامی، بی مسئولیتی، غفلت و روزگاری نسبت به محیط اطراف و طبیعت پیرامون، میل به ویرانگری و روحیه بی علاقه‌گی و تخریب را در افراد دیده می‌آورد. به همین جهت، محیط‌های آموزشی و خانواده‌ها باید در سال‌های اولیه از فرصت‌های بسیار خود استفاده کنند و کودکان را با ارزش‌های محیط و تلاش برای بقای زیبایی در فضا و طبیعت آشنا سازند تا این روحیه مهم از سال‌های اولیه رشد کند و پایدار بماند.





گزارشگر: سمانه آزاد
عکس: اعظم لاریجانی

در گفت و گو با مربيان مؤسسه خيريه ياد گل نرگس مطرح شد:

حس استقلال در کودکان بی سرپرست

ضرورت یکسان بودن الگوهای تربیتی مربيان

اشاره

کودکانی که شما از آن‌ها نگهداری می‌کنید، شرایط خاص و متفاوتی با دیگر کودکان دارند. با توجه به این مسئله، برای توانمندسازی آن‌ها بر چه نکات و مهارت‌هایی تأکید دارید؟

میزان: مهم‌ترین موضوعی که بر آن تأکید داریم، پرورش حس استقلال این کودکان است. یعنی از مربيانمان

مؤسسه خیریه ياد گل نرگس، مرکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست است و در آن دوازده کودک سه تا شش سال نگهداری می‌شوند. برخی از این کودکان، بی‌سرپرست و برخی بدسرپرست‌اند و پیش از این در بهزیستی نگهداری می‌شده‌اند. اعتماد خانواده‌ها و تکدی‌گری مهم‌ترین دلیلی است که بنابرآن، اورژانس اجتماعی این کودکان را به مرکز بهزیستی منتقل کرده است. برای آشنایی بیشتر با نحوه رفتار با این کودکان و چگونگی توانمندسازی آن‌ها در مراکزی مانند ياد گل نرگس- که یک شبه خانواده محسوب می‌شوند- به این مرکز رفتم. «نظر میزان» که خود، معلم و مدیر بازنشته است، مدیر داخلی مؤسسه، دکتر عذرا ذکریان، روان‌شناس و مشاور، و تهمینه اسفندیاری، مدیر فنی مؤسسه در این گفت و گو شرکت داشته‌اند.



ذاکریان: کودکانی مانند بچه‌های مرکز ما چون از حمایت والدین محروم‌اند، سعی می‌کنند آنچه را به آن‌ها آموزش داده می‌شود، زود یاد بگیرند و انجام دهنند. به همین دلیل است که شخصیتی مستقل دارند

قبل از شروع به کار، دوره‌های مخصوصی دیده‌اند. علاوه بر این، آموزش‌هایی را هم خودمان به آن‌ها داده‌ایم که شامل نحوه رفتار با کودکان سه تا شش ساله، مراحل رشد آن‌ها و نحوه برخورد شبه والدین با آن‌هاست.

نظرات بر کار مربیان از چه طرقی صورت می‌گیرد؟

ذاکریان: من به عنوان مشاور و روان‌شناس در اینجا حضور دارم و اگر سوردى را ببینم، حتماً تذکر مى‌دهم. علاوه بر این، در ماه یک بار جلساتی را برگزار مى‌کنیم و درباره این موارد با مربیان صحبت می‌شود.

اسفندیاری: هر مربی هم باید گزارش روزانه بنویسد. این گزارش‌ها را مطالعه می‌کنیم تا اگر مشکلی هست پیگیری شود.

خانم ذاکریان، نقش شما به عنوان مشاور و روان‌شناس در مرکز چیست؟

رفتارها مانند سلام و احوال پرسی و استقبال و بدرقه مهمان، ... به جرئت می‌توان گفت آن‌ها را بهتر از بچه‌های دیگر یاد گرفته‌اند.
اسفندیاری: استقلال بچه‌ها به اندازه‌ای است که حتی اجازه نمی‌دهند ما، در مرتب کردن تخت به آن‌ها کمک کنیم و اصرار دارند که خودشان کارهایشان را انجام دهند. برای آموزش این مهارت‌ها در برنامه‌ریزی هایمان سعی داریم تفريح بیرون از مؤسسه و مهمانی را هم حتماً داشته باشیم. سفر، رفتن به پارک و شرکت در برنامه‌های فرهنگ‌سراها و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از جمله این موارد است.

گفتید اینجا شبه خانواده هستید. لطفاً در این مورد توضیح دهید.

میزان: ما در هر واحد آپارتمانی چهار کودک را نگهداری می‌کنیم. هر واحد هم سه مربی دارد که به صورت نوبتی اینجا حضور دارند. در هر واحد، همه امکانات لازم برای یک خانه وجود دارد. مربیان هم علاوه بر اینکه از بچه‌ها مراقبت می‌کنند، آموزش‌های لازم را به آن‌ها می‌دهند.

تقسیم‌بندی بچه‌ها از لحاظ سنی در هر واحد چگونه است؟

میزان: در هر واحد بچه‌هایی با سن‌های متفاوت هستند.

ذاکریان: البته الان تصمیم داریم بچه‌هایی را که امکان برگشت به خانواده را دارند و با بچه‌هایی را که احتمال فرزندخواندگی شان هست، در یک واحد قرار دهیم تا وقتی یکی از آن‌ها می‌رود، بقیه آسیب نبینند؛ چون باید بچه‌ها را آماده کنیم که قرار است یکی از دوستانشان برود.

نحوه انتخاب مربیان چگونه است؟

ذاکریان: رشته تحصیلی مربیان مرتبط با علوم تربیتی و روان‌شناسی است. ضمن اینکه همه مربیان ما مراحلی را زیرنظر بهیستی گذرانده و گزینش شده‌اند. آن‌ها

می‌خواهیم طوری با بچه‌ها رفتار کنند که مستقل باشند. به هر حال، این کودکان حمایت پدر و مادر را ندارند. شاید بچه‌های هم سن و سال آن‌ها در خانواده حتی برای انجام دادن امور روزمره از کمک پدر و مادر برخوردار باشند اما ما در این مرکز باید طوری با کودکان رفتار کنیم که مستقل تربیت شوند و به کمک افراد دیگر نیاز نداشته باشند. در عین حال با توجه به سنشان برنامه‌های آموزشی خاصی را تدارک دیده‌ایم. به خصوص که بچه‌ها بعد از شروع سال تحصیلی به مرکز ما آمده‌اند و نتوانسته‌ایم آن‌ها را در مراکز پیش‌دبستانی ثبت‌نام کنیم. از این رو به کمک مربیانمان آن‌ها را آموزش می‌دهیم.

ذاکریان: همان‌طور که خانواده‌ها به آموزش مهارت‌های اجتماعی اهمیت می‌دهند، ما هم آموزش این مهارت‌ها را در برنامه‌مان داریم. برنامه‌هایی برای آموزش این مهارت‌ها توسط مربیان، من و بقیه کارکنان وجود دارد. ما اینجا شبه خانواده هستیم و همه تلاش داریم تا بچه‌ها آموزش‌های لازم را در زمینه‌های مورد نظر را ببینند؛ حتی ساده‌ترین



میزان: مهم ترین موضوعی که بر آن تأکید داریم، پرورش حسن استقلال کودکان است؛ یعنی از مربیانمان می‌خواهیم طوری با بچه‌ها رفتار کنند که مستقل باشند

اما کودکانی مانند بچه‌های مرکز ما چون از حمایت والدین محروم‌اند، سعی می‌کنند آنچه را به آن‌ها آموزش داده می‌شود، زود یاد بگیرند و انجام دهند. به همین دلیل است که شخصیتی مستقل دارند.

شما در روند کار خود با چه مشکلاتی روبرو هستید؟

میزان: خوشبختانه از لحاظ مالی مشکلی نداریم. از لحاظ آموزشی هم گروه خوبی داریم؛ به خصوص اینکه بسیاری از مردم وقتی متوجه می‌شوند مرکز ما دست در کار نگهداشی کودکان بی‌سرپرست است، مشتاق‌اند که کمک کنند. تنها شناسنامه نداشتن بچه‌های است که مشکلاتی به وجود می‌آورد. برای مثال، تا وقتی شناسنامه ندارند، بیمه و ثبت‌نامشان در مدرسه با مشکل مواجه است. البته ما اقدامات لازم را انجام داده‌ایم و منتظر رأی دادگاه هستیم.

از مسئولان چه انتظاری دارید؟

میزان: هیچ انتظاری نداریم. فقط امیدوارم شرایطی ایجاد شود که هیچ کودکی در خیابان گدایی نکند و کشور ما به جایی برسد که دیگر چنین افرادی وجود نداشته باشند.



باید به آن توجه کرد و در دوره آموزشی هم بر آن تأکید کرده‌ایم، یکسان بودن الگوی تربیتی مریبان است. البته گاهی تفاوت الگوهای تربیتی بین پدر و مادر هم دیده می‌شود، چه رسد به مریبان متفاوت، اما ما، در آموزش‌هایمان سعی کرده‌ایم این تفاوت را به حداقل برسانیم.

اگر بچه‌ها کار اشتباہی انجام

دهند، تنبیه هم می‌شوند؟

ذاکریان: تنبیه بدنی اصلاً اما اگر کار اشتباہی انجام دهند به آن‌ها گفته می‌شود که کارشان خوب نبوده است. بیشتر سعی می‌کنیم از طریق تشویق عمل کنیم. اگر نه تذکر داده می‌شود. بچه‌ها هم اشتباهاتشان را می‌پذیرند. تا به حال پیش نیامده است که کودکی بر اشتباه خود پافشاری کند. علاوه بر این، هیچ وقت به خاطر اشتباهشان به آن‌ها نمی‌گوییم «تو بدی» بلکه می‌گوییم کار اشتباہی انجام داده‌ای و باید عذرخواهی کنی.

آیا بچه‌ها از متفاوت بودن وضعیت خود با بچه‌های دیگر اگاه‌اند؟

میزان: بینید مانمی‌خواهیم بچه‌های این تفاوت راحساس کنند. حتی در سر در مؤسسه‌هی هم هیچ تبلوی نداریم، هیچ وقت هم به بچه‌های‌نمی‌گوییم اینجا خیریه است ولی شاید بچه‌های‌آگاه باشند؛ همچنان که خیلی زود با مریبانشان سازگار می‌شوند.

ذاکریان: گرچه ممکن است برخی به دلیل شرایط خاصی که این بچه‌ها دارند به آن‌ها باید منفی بنگرند اما به نظر من آن‌ها با کودکان دیگر تفاوتی ندارند و حتی در بعضی شرایط می‌توانند بهتر از دیگران عمل کنند.

از چه جهت؟

ذاکریان: بچه‌های معمولی حمایت خانواده را دریافت می‌کنند. گاه می‌بینیم که به همین دلیل، بسیاری از آن‌ها شخصیتی واپسیه دارند و حتی هنگامی که بزرگ می‌شوند، چندان مستقل نیستند



اسفندیاری: برای آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی سعی می‌کنیم تفریح بیرون از مؤسسه و مهمانی هم حتماً داشته باشیم. سفر، رفتن به پارک و شرکت در برنامه‌های فرهنگ‌سراها و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از جمله این موارد است

ذاکریان: اگر احساس کنم بچه‌ها مشکلی دارند، ابتدا از طریق بازی، قصه و نقاشی سعی می‌کنم متوجه نوع مشکل شوم پس از آن با همین روش‌ها هم مشکل را رفع می‌کنم. البته موقعی پیش می‌آید که موضوع حتی با روان درمانی هم بطرف نمی‌شود. در این موارد، کودک را به روان‌بزشک ارجاع می‌دهیم که البته خوشبختانه تا به حال چنین موردی نداشته‌ایم.

آیا در روان‌شناسی کودکان، موضوع چگونگی رفتار شبه والدین و سرپرستان و روابط عاطفی آن‌ها با کودکان مطرح است؟

ذاکریان: در خارج از کشور در این زمینه کار شده است اما در ایران متأسفانه خیر. یکی از مشکلات بچه‌ها هم همین موضوع تغییر مریبان است. البته خوشبختانه قدرت سازگاری این کودکان بالاست و می‌توانند خود را با مسئله نوبتی کارکردن مریبانشان، تطبیق دهند. ولی موضوعی که



اضافه یا کم کردن درختان و کوهها. برای مثال، بچه‌ها با توجه به تصورات ذهنی و شنیده‌های خود زیبایی‌های منطقه شمال را با

رنگ کردن قسمتی از زمین و همان دو درخت، و منطقه کوهستانی را با کشیدن کوههای قهوه‌ای به پهنه‌ای کاغذ نقاشی‌شان نشان می‌دهند.

برای اینکه به دید دانش آموزان وسعت دهم و به تقویت حساسیت و دقت بصری آن‌ها کمک کنم، با سفر به شمال و غرب کشور از طبیعت زیبا عکس و فیلم گرفتم و به کلاس آوردم تا با نمایش فیلم و نشان دادن عکس از پدیده‌های متنوع طبیعی، کوههای پر درخت و پر برف، دریا، ساحل، رودخانه و بارش زیبای باران، توجه بچه‌ها را بیشتر جلب کنم تا آن‌ها تفاوت خیال و واقعیت را درک کنند و با ترکیب هر دو بتوانند نقاشی متفاوتی نسبت به گذشته ترسیم کنند و همین اتفاق افتاد. از آن پس نقاشی آن‌ها طراوت و شادابی خاصی داشت. خوب و عمیق دیدن در آن‌ها تقویت شده و بر رسم تصاویر تأثیر خوبی گذاشته بود. پس از آن، هرگاه برای گردش به دامان طبیعت می‌رفتیم، به اطراف باد دیدی تازه و عمیق نگاه می‌کردم و تصاویر را آن چنان که بود رسم می‌کردند.

نقاشی فعالیتی آشنا و عادی است که بر رشد ذهنی بچه‌ها تأثیر زیادی دارد. فعالیت نقاشی، کودکان را به دقیق و عمیق دیدن تشویق می‌کند. توجه دقیق کودک به آنچه با چشم می‌بیند یا تصاویری که با تخلی در ذهن خود می‌سازد، به او کمک می‌کند بهتر نقاشی کند. معلم در نقاشی، هر دو جنبه دقیق و عمیق دیدن را تقویت می‌کند و ترسیم و هماهنگ کردن اجزای موضوع را در صفحه هدایت می‌نماید. حساسیت بصری کودک بر نحوه دیدن و رسم کردن تصاویر تأثیر می‌گذارد.

گردش در طبیعت، آوردن اشیاء مختلف به کلاس، جمع‌آوری نمونه‌های برگ‌ها، سنگ‌ها، صدف‌ها... نمایش دادن عکس یا فیلم‌هایی از پدیده‌های متنوع طبیعی (مانند حیوانات، حشرات، پرندگان، ماهی‌ها، قارچ‌ها، صدف‌ها، سنگ‌ها...) دقت بصری کودکان را بالا می‌برد. با این همه، ممکن است کودکان هنگام نقاشی کردن به رنگ‌ها، اندازه‌ها و حتی شکل‌های ذهنی بیش از آنچه به صورت واقعی می‌بینند، گراشی داشته باشند.

آنچه طی سالیان خدمتم در نقاشی اکثر دانش آموزان دیده‌ام، طبیعتی زیبا به شکل‌های کلیشه‌ای تکراری و یکنواخت بوده است. چند کوه قهوه‌ای که از طرف چپ صفحه شروع می‌شود و تا طرف راست ادامه دارد، چند درخت در پایین صفحه و رودخانه‌ای که از کوه‌ها جاری می‌شود با رنگ‌های نسبتاً ثابت و تکراری. دانش آموزان خوش‌سلیقه‌تر چند گل و حیوان و خانه در کنار رودخانه اضافه ترسیم می‌کنند. برای جنگل نیز همان منظره وجود دارد با تعداد درختانی بیشتر، و برای تمام مناطق آب و هوایی همین نقاشی تکرار می‌شود با اندکی تفاوت در

۱. شناسنامه
۲. ادبیات
۳. زبان
۴. ریاضی
۵. فیزیک
۶. شیمی
۷. زمین‌شناسی
۸. آموزشی
۹. دینی
۱۰. هنری



چگونه از ابتلا کودک به «سندرم باربی شدن» پیشگیری کنیم

سیدغلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و
کارشناس دفتر تألیف



به طور طبیعی، یکی از دغدغه‌های اصلی والدین در چنین فضایی باید تأمین سلامت معنوی و روانی فرزندشان باشد. اینکه چگونه نسل جدید را از انواع آسیب‌های دوران مصون نگه دارد و آن‌ها را براساس تعالیم ملی و دینی تربیت کنند تا در نهایت رفتارهایشان در جریان زندگی روزمره به سبک زندگی ایرانی اسلامی نزدیک‌تر شود و از عطف توجه به موضوعاتی چون ظاهر اندام و ابعاد بدن پرهیزد.

در این مقال مرا در از سبک زندگی الگویی از اندیشه‌ها، احساسات، شناختها و کنش‌ها است که در مجموع، هویت اجتماعی و شخصی فرد را می‌سازد و از این منظر، نهاده ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها با به کارگیری مجموعه‌ای از رفتارها را شامل می‌شود. نحوه صرف زمان، پول و چگونگی گذران اوقات فراغت، انتخاب اشیای مصرفی، انتخاب علائق و ترجیحات (سلیقه) و نظایر آن سبک زندگی افراد را نشان می‌دهد. رسانه به دنبال تغییر تدریجی سبک زندگی کودک از طریق اشاعه و تبلیغ رفتارهایی است که مورد نظر حامیان مالی آن است. رسانه، زندگی را براساس فرض‌های خود به کودک معرفی می‌کند و الگوهای فرهنگی و هویتی مورد نظر خود را در اختیار او قرار می‌دهد. سبک زندگی سلامت‌محور از جمله موضوعاتی است که رسانه در چارچوب آن به جای پرداختن به پیشگیری از مشکلات مربوط به سلامت و تضمین سلامت فرد، با رویکردی ناراست

کلیدواژه‌ها: رسانه، سبک زندگی، سندرم باربی شدن

در عصر ارتباطات که مرزهای زمانی و مکانی به سرعت به مدد مرکب فناوری در نوردهیده می‌شوند و تحولاتی شگرف در عرصه جهانی رقم می‌خورد، رسانه در مقام ابزاری تعیین‌کننده به فرد کمک می‌کند تا با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی به زندگی دلخواه نزدیک‌تر شود. این در حالی است که اگر این ابزار نابخداه و یا با سوءنيت به کار گرفته شود، کارکردي و بران کننده و مصيبة‌بار می‌باشد. اولین محل ظهور کرتالی‌های ناشی از کاربرد نادرست فناوری، خانواده و تجلی بروز آن در کودکان است که آسیب‌پذیرانه در معرض آثار منفی فرهنگ رسانه‌ای قرار دارند.

مرور احوالمان نشان از آن دارد که خانواده‌های ایرانی چندی است تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را به فرزندی پذیرفته‌اند. این عضو به ظاهر صمیمی که قصه‌گویی قهار نیز هست، تمام سعی خود را به بازمهندسی کیان خانواده با محوریت کودک معطوف کرده، به تحمیل سبک زندگی مورد نظر خود در مسیری مغایر با باورهای مذهبی و ملی مبادرت ورزیده است؛ تا آنجا که روح غالباً سپهر گفتمانی کودک در مراکز پیش‌دبستانی را بازگویی روایت‌های نازل برنامه‌های سطحی تلویزیون‌های ماهواره‌ای و بازنمایی زوایای شخصیت‌های بی‌هویت آن برنامه‌ها تشکیل می‌دهد.



از کامیون بیشتر خوشش می‌آید یا عروسک؟ همچنین به هنگام گفت و گو با کودک باید تا حد امکان از ضمایر یا اسمهای جنس خنثی استفاده کنیم. برای مثال، به جای عبارت جنسیتی «آن گربه ماده» به عبارت «آن گربه» اکتفا شود.

۲. با کودک هنگامی که کلیشه‌های جنسیتی را در رسانه مشاهده می‌کند، درباره آن‌ها گفت و گو کنیم. در ابتدا تا آنجا که ممکن است او را از دیدن نمایش کلیشه‌های جنسیتی زنانه و مردانه برخیزد بداریم ولی اگر زمانی کودک با این قبیل موارد روبرو شد، از وی درباره چگونگی به تصویر کشیده شدن مرد و زن از منظر ارزشی و سرگرمی سؤال کنیم. زمانی که کودک در رسانه به این قبیل قالب‌ها برمی‌خورد - برای مثال، هنگام تماشای کارتون وینکس - در هنگام آن با وی صحبت کنیم. همچنین مورد آن با وی صحبت کنیم. همچنین با بهره‌مندی از مهارت‌های سواد رسانه‌ای به بچه‌ها توضیح دهیم که در رسانه‌های مانند تلویزیون و مجله که به طور تام و تمام در خدمت تبلیغات‌اند، چگونه به یاری نرم‌افزارهای رایانه‌ای پوست افراد را صاف، موهایشان را براق و چشم‌هایشان را تأثیرگذار می‌کنند.

۳. با جلب توجه کودک به مواردی چون اندازه‌های مختلف اسباب‌بازی‌ها از جمله کوتاهی و بلندی و کلفتی و نازکی آن‌ها، وی را به تأمل درباره اندازه طبیعی اندام‌های افراد در زندگی واقعی ترغیب کنیم.

در این باره از وی سؤال کنیم و بگوییم که بدن افراد به طور خداداد شکل‌ها و اندازه‌های متنوعی دارد و این تنوع به عمد در رسانه نادیده گرفته می‌شود. کودک باید در کنده آنچه درباره بدن حائز اهمیت است، طبیعی بودن آن در عین سلامت است. برای باورپذیر شدن این نکته مهم باید در دوره پیش‌دبستانی توانایی کودک را برای همدلی با شخصیت‌هایی که در برنامه‌های تلویزیونی به‌دلیل اندامشان تحقیر می‌شوند، افزایش دهیم و از وی پرسیم: اگر کسی شما را سرزنش کند چه احساسی دارد؟

توجه کودک را به ظاهر اندام و بعد این خود جلب می‌کند. لذا تلقی ایجاد شده در ذهن کودک از خویش ظاهرمدارانه، سطحی و توانم با وسوسی فراوان است که از طریق الگهایی چون عروسک‌های باریکی و کن و دیگر شخصیت‌های شناخته‌شده کارتونی در مقام الگوهای زنانه و مردانه تشديد می‌شود.

آغاز زود هنگام تصویرسازی پیرامون اندام و تقویت آن در ذهن کودک از سنین پیش‌دبستانی می‌تواند تفاوتی معنی دار را در مورد چگونگی احساس وی نسبت به خود رشد دهد. آمارهایی نگران کننده حاصل از نظرسنجی‌های جهانی حکایت از آن دارد که کودک براساس تصویری که رسانه از اندام و کارکردش از سنین پیش‌دبستانی در ذهن او ایجاد نموده است، چه در همان ایام و چه روزگار جوانی اندام خود را نمی‌پسندد. در عین حال، شواهدی نیز در دست است مبنی بر اینکه والدین به موازات رسانه در شکل دادن این تفکر و تقویت ناباوری کودک نسبت به اندام خود نقشی مهم و مؤثر دارند.

با عنایت به موارد یاد شده، پنج راهکار پیشنهادی برای اینم ساختن کودک در برابر تصویرسازی منفی از اندام خود به شرح زیر به مرتبان و والدین ارائه می‌شود.

۱. از شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی که رسانه سعی در ایجاد آن‌ها در ذهن کودک دارد، از طریق گفت و گو جلوگیری کنیم. رسانه‌هایی چون تلویزیون تصاویری را به نمایش درمی‌آورند که در آن‌ها بدن شخصیت‌های مورد علاقه کودک به گونه‌ای اغراق‌آمیز متناسب است و یا خطوط داستان دارای تأکیدات پرنگ حول ویژگی‌های ظاهری بدن و یا قالب‌هایی است که دختران را با چهره‌هایی بزرگ کرده و پسران را دارای نیروی جسمی ویژه نشان می‌دهد. یکی از آغازین راهها برای شکستن قالب‌های جنسیتی و اصلاح نگاه مخاطب به اندام در دوره پیش‌دبستانی طرح سؤال‌هایی ساده از این دست است: بچه‌ها، به نظر شما صدف برای هدیه روز تولدش

مجموعه‌ای مشتمل بر ۵۰ داستان تصویری مربوط به تجربه‌های تلخ و شیرین و تخیلات کودکان گردآوری شده که چون از جهاتی می‌تواند برای اولیا، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودکان مفید باشد. در ابتدای این مجموعه سخنی با والدین است که گاهی اوقات خود را در بازی و دنیای کودکان شریک کنند تا آن‌ها نیز لذت ببرند و خود را در جای کودکشان تصور کرده که چرا این گونه فکر می‌کند یا بازی می‌کند یا سخن می‌گوید چرا دلیل‌های کودکان گاهی خنده‌دار به نظر می‌اید کمی تأمل و تفکر نیاز داریم گویا دنیای دیگری است اما مانع خواهیم این دنیا را در کنیم و از ایشان می‌خواهیم که هر گونه ما سخن می‌گوییم یا تفکر می‌کنیم نیز شوند. در زیر نمونه‌ای از آن‌ها را ملاحظه بفرمایید.

سلام ما یک خانواده شاد و صمیمی هستیم. من و مامان و بابا همراه آقاجون و مامان جون زندگی می‌کنیم، مامان همیشه سرش توی کتاب‌های رنگارانگ است. او عاشق کتاب خواندن است. آقاجون آدمی است که به بعضی از وسایلش حساس است؛ مثل تسبیح و کلاهش یا حتی خودکاری که تقویمش را با آن خط می‌زند. مامان جون هم تا یاد دارم همیشه در حال خواندن قرآن است و زمانی که بازی هایم سر و صدا دارند، از زیر عینک نگاهی به من می‌ندازد امان از آن نگاهها. بایای گلم مرد خوب روز سر کار است و همیشه آخر شبها وسط خواندن قصه‌های شبانه برای من به خواب فشنگی می‌رود، اما من دختری هستم که مامان همیشه موهایم را از کنار گوش‌هایم با دو تا گل سر می‌بنند اما آخر شب دوست دارم مرا ببینید. آقاجون اسم مرا گذاشته آتیش پاره. مامان جون می‌گوید دلت می‌اید؟... چراغ خونه است، مامان اسم مرا گذاشته همراه همیشگی مامان. بایا همیشه و همه جا می‌گوید دختر من دانشمند کوچک خانواده است.



یکی از دغدغه‌های اصلی والدین در عصر ارتباطات این است که چگونه در چارچوب فرهنگ ملی و شعائر دینی، کودک را از انواع آسیب‌های رسانه مصنون نگه دارند و فعالیت‌های وی را در جریان زندگی روزمره به سبک زندگی ایرانی اسلامی نزدیک‌تر کنند

کنیم و یا با طرح این موضوع که با مصرف مواد غذایی سالم در بدن خود احساس انرژی فراوان می‌کنیم، وجه سلامت بدن را بر جسته سازیم.

۵. هنگام بحث در مورد شخصیت‌های داستانی، افراد مشهور، دوستان و خانواده با رویکردی اخلاقی بر صفات رفتاری، استعدادهای و شخصیت آن‌ها به جای اندازه فیزیکی و یا ظاهرشان تأکید کنیم و آنچه را انجام می‌دهند مورد توجه قرار دهیم نه چیزی را که به آن شبیه‌اند. کودک باید درک کند که صفاتی چون راست‌گویی، مهربانی، کمک به همنوع، کنجدکاوی و پشتکار بیش از ظاهر افراد ارزش دارد. این ذهنیت با ایجاد فضای گفت‌و‌گویی بر مبنای سؤال‌هایی از جمله اینکه چگونه می‌توان برای والدین یک فرزند خوب و یا برای هم‌کلاسی خود یک دوست خوب بود و یا اینکه چگونه تمرين طولانی مدت باعث افزایش مهارت کودک در نقاشی شده است، شکل بگیرد.

در عین حال، باید طفل را برای زمانی که با ظاهر نظر، مقایسه و یا انتقاد دیگران از اندام و یا ظاهر خود یا افراد دیگر رویه‌ری شود، آماده کرد تا کودک در چنین شرایطی با پاسخ‌هایی در خود، نقش‌آفرینی کند. پاسخ‌هایی مانند اینکه: «برای من مهم نیست که او مثل چه به نظر می‌رسد. آنچه برای من حائز اهمیت است، اخلاق و رفتار دوستانه است.»

در ضمن، باید از گفت‌و‌گوهای بی‌مورد درباره رژیم‌های لاغری در حضور کودک پرهیزیم. والدین، بهویژه مادران، به طور معمول در حضور کودک از نامتناسب بودن اندام خود شکایت می‌کنند و در صدد استفاده از رژیم‌های لاغری، آن‌ها از انواع غیراصولی آن، برمی‌آیند. این امر در

نحوه تأمل کودک نسبت به ویژگی‌های بدنی‌اش تأثیری فراوان دارد. واقعیت این است که رسانه هم به طور مستقیم و هم به واسطه خانواده حس و تصویری خاص حول ویژگی‌های ظاهری بدن به کودک منتقل می‌کند؛ تا جایی که کودک ۵ تا ۸ ساله با نارضایتی مادر از اندامش احساس این همانی می‌کند. همچنین دخترانی که پدرانشان نسبت به وزن آنان ابراز نگرانی می‌کنند بیش از دخترانی که پدرانشان به این مسئله توجهی ندارند، به وضعیت جسمی خود اهمیت می‌دهند.

باید بچه‌ها را تشویق کنیم که نسبت به بدن خود، به خصوص آنچه بدن آن‌ها توان انجام دادنش را دارد، نگرش مثبت داشته باشند. باید فضای ذهنی کودک را از بحث درباره وزن و ابعاد بدن به سمت خدادادی بودن آن و اهمیت سلامت آن سوق دهیم. برای طراحی فضای گفت‌و‌گو پس از آنکه پاسخ کودک را به این پرسش که وقتی ورزش می‌کند چه احساسی نسبت به بدن خود دارد، دریافت کردهیم؛ از احساس خوب بدنی پس از ورزش با او صحبت



نکن! آقاجون گفت: من که کاری ندارم... دوست دارم با نوءه عزیزم بازی کنم. یک دفعه حرص تمام وجودم را گرفت. توی فکرم تصور می‌کردم سر آقاجون فربیاد بزنم اما نه... کار درستی نبود. اگر این کار را می‌کردم، باید در اتفاقم تنها می‌ماندم یا یک هفته از رفتن به پارک محروم می‌شدم. به آقاجون گفتمن: آقاجون، شما هم باید کنار من تا با هم تلویزیون تماشا کنیم. آقاجون که منتظر حرف من بود، کنارم دراز کشید ولی بعد از چند لحظه، خرویپش به هوا رفت. سر و صدا نمی‌گذاشت کارتون نگاه کنم. مامان می‌گوید هر کس دیگران را اذیت کند، به سزای کارش می‌رسد اما نمی‌دانستم آنقدر زود...

و گفتم راحت شدم... نمی‌گذاشتند آدم نفس بکشد! مامان که خیلی عصبانی شده بود فقط نگاهم کرد، از آن نگاهها...

عاقبت شیطنت

بعد از ظهر سردی بود. تمام روز به خاطر سردی هوا در خانه بازی کرده بودم. البته بزرگترها می‌گفتند شیطنت کرده‌ام. دوست داشتم رو به روی تلویزیون که کارتون پخش می‌کرد، بنشینم و با کسی صحبت نکنم، اما نمی‌دانستم چرا آقاجون که کنارم نشسته بود، با گوشۀ عصایش به من می‌زد و می‌گفت گریه کوچولو، پیشول من. حال و حوصله نداشتیم اما آقاجون دوست داشت بازی کند و دست از سرم برنمی‌داشت. به او گفتمن: آقاجون،

کتابخانه عمومی

روز اول هفته بود. مامان صبح زود از خواب بیدار شده بود و ناهار ظهر را آماده کرده بود. او عادت داشت هفته‌ای دو بار برای خواندن کتاب یا گرفتن کتاب جدید به کتابخانه شهر که عضو آنجا شده بود ببرود و در این مدت مرا به باباجون می‌سپرید. مامان می‌گوید: کتابخانه باید آرام باشد و من می‌ترسم تو شلوغ کنی. آن روز من اصرار کردم و گفتمن: من هم باید به کتابخانه بیایم. می‌خواهم کتاب بخوانم. مامان با کلی شرط و شروط قبول کرد. به محض اینکه وارد شدم با صدای بلند گفتمن: وای چقدر کتاب! مسئول کتابخانه گفت: عزیزم، آرام! بعد راه افتادم و به طرف ففسه‌ها اما کفش‌هاییم کلی صدای داد و ترق و تروق می‌کرد. همه کسانی که در آنجا بودند با علامت دست به من می‌گفتند که آرام باشم. بعد با مامان آرام صحبت کردم اما باز هم صدایم می‌بیچید. مسئول کتابخانه به طرف من و مامان آمد و گفت: اگر می‌شود بروید خانه کتاب بخوانید...

تا بیرون آمدم، نفس عمیقی کشیدم

من و تو مثل هم کودکیم!

مینا مجدى نيا

آموزگار دوره ابتدایی استان فارس





اشاره

برای تحقق این امر طراحی کنند. هنگامی که کودکان به درک مناسبی از احساسات دست یافتند، مربیان می‌توانند درباره هیجان‌های کودکان با خودشان صحبت کنند. آن‌ها نباید به طور مستقیم احساس مشخصی را از کودکان بخواهند. باید به یاد داشت که مربیان نباید احساسات کودکان را فرا بخوانند و درباره آن صحبت کنند!

شناساندن تغییرپذیر بودن احساسات

همواره فرست تجربه کردن و درک کردن اینکه احساسات، قابل تغییرند برای کودکان فراهم نمی‌شود. گاهی کودکان ممکن است در کلاس یا منزل در برابر احساس غم و نالمیدی، واکنش‌های هیجانی شدید نشان دهند؛ چرا که نمی‌دانند این احساسات موقتی هستند و خیلی زود می‌توانند خوشحال شوند.

هدایت کودکان توسط مربی و ایجاد درک اساسی نسبت به متغیر بودن احساسات، گام مهمی در یاری

شناخت هیجان‌ها و نام‌گذاری آن‌ها
توسط کودکان: از جمله شناخت و درک مسائلی مانند: شادی، غم، خستگی، امیدواری، نالمیدی، هیجان‌زدگی، متعجب شدن یا صدمه دیدن.

یاد دادن اینکه احساسات قابل تغییرند: این نکته که احساس یک واکنش موقتی است و تا ابد، ادامه پیدا نمی‌کند، باید به کودکان آموخته شود.

شناخت تفاوت بین احساس و عمل: بین معنا که کودکان بیاموزند که چگونه بهترین واکنش را به احساسات خود نشان دهند.

بنابراین، در ادامه این پیوستار سه مقوله فوق را که مربیان باید به کودکان در هدایت و مدیریت هیجان‌ها و تعارض‌های درونی‌شان بیاموزند، به طور دقیق تر شرح می‌دهیم.

شناساندن هیجان‌ها به کودکان

کودکان از دوستالگی می‌توانند احساس‌ها را بشناسند و آن‌ها را نام ببرند. مربی برای ایجاد این مهارت، باید در طول ساعات کلاس احساسات خود را مثال بزند، آن‌ها را نام ببرد و درباره آن احساسات با کودکان صحبت کند. مثلاً بگویید: «امروز آن قدر هیجان‌زده هستم که دوست دارم برویم در زمین بازی و با هم بازی کنیم! خیلی لذت دارد.» یا «وقتی مجبور بودم تا دیر وقت کار کنم، خیلی نالمید شدم. چون دوست داشتم برای شام به موقع خانه باشم.»

بدين‌منظور لازم است مربیان قبل از شروع آموزش نام‌گذاری هیجان‌ها به کودکان، «واژه‌های مرتبط با احساس» را در ذهن آنان شکل دهند و فعالیت‌هایی را

همواره حال و وضع کودکان در فضا و جو کلاس مختلف است. ممکن است یکی از کودکان گریه کند، بعضی از کودکان درباره دوستان خود یا راجع به یک اسباب بازی شروع به بحث و جدل کنند. شاید یک یا تعدادی از کودکان برای شکایت کردن از دوستان خود، دور معلم جمع شوند و از معلم بخواهند که مداخله کند. در چنین وضعی، مربی خوب دوره پیش‌دبستان چگونه رفتار خواهد کرد؟ چگونه می‌تواند با حالات مختلف هیجانی، نزاع، نمایش بازی کردن کودکان برخورد کند؟ چگونه به کمک آنچه آموخته است، موقعیت موجود را مدیریت می‌کند؟ مقاله پیش رو به این پرسش‌ها پاسخ خواهد گفت.

کلیدواژه‌ها: هیجان، کودکان، مربیان، مدیریت کلاس

در دنیای امروز، مربیان کارآمد دوره پیش‌دبستان زمان زیادی را در طول روز، صرف آموزش خردسالان می‌کنند تا به آن‌ها بیاموزند چگونه هیجان‌های خود را مدیریت و خود مجادله‌هایشان را حل کنند. یکی از ویژگی‌های برجسته مربیان این است که به سرعت برای حل مشکل کودکان اقدامی نمی‌کنند بلکه مهارت‌ها و ابزارهایی برای کودکان فراهم می‌آورند تا آن‌ها بیاموزند که خود مشکلشان را حل کنند.

بنابراین، مربیان باید به فنونی مسلط باشند تا بتوانند مهارت مدیریت هیجان‌ها را به کودکان بیاموزند. در این زمینه، آن‌ها باید مهارت‌های اساسی زیر را به کودکان آموزش دهند:

چگونه هیجان‌های کودکان را مدیریت کنیم؟

دکتر مرجان کیان
استادیار دانشگاه خوارزمی

رساندن به کودکان به منظور مدیریت هیجان‌های آن‌ها محسوب می‌شود. یکی از شیوه‌های آموزش این مهارت آن است که مربی به طور صریح به کودک بگوید: «حساسات تغییر می‌کند». برای مثال بگوید: «تو وقتی نتوانستی به پارک بروی، ناراحت شدی اما الان که در پارک در محل بازی هستی، خوشحالی‌پس احساسات تغییر می‌کند».

نکته در خور توجه برای مربیان این است که نباید کودکان را به موافقت با جملات بیان شده مجبور کرد بلکه باید زمینه مشاهده کردن را برایشان فراهم آورد تا از این طریق پیش روند.

شناساندن تفاوت بین احساس و عمل

یک عمل می‌تواند به ایجاد احساس بینجامد اما یک احساس لزوماً نمی‌تواند منجر به شکل‌گیری یک عمل شود. یادگیری مهارت‌های ضروری برای کنترل احساسات و حل مسائل

شخصیت‌های داستان و نحوه عمل کردن آن‌ها با کودکان صحبت کرد. بعد از خواندن داستان، مربیان و کودکان می‌توانند درباره داستان با هم گفت و گو کنند. برای آموزش جدا کردن احساس از عمل توسط کودک، مربی می‌تواند ابتدا به کودک کمک کند تا احساس خودش را شناسایی کند و سپس او را در جهت عمل مرتبط با آن هدایت نماید. همچنین مربیان می‌توانند به احساس کودک اشاره کنند و سپس، رفتار یا عملی را که به دنبال آن احساس می‌آید، توضیح دهند.

از احساس

طریق‌شیوه‌های

تخیل‌گرایی می‌توان از کودکان خواست که خود را در فضای آرامی تصور کنند؛ می‌توانند در عالم خیال به جنگل بروند، در رودخانه شنا کنند، روی ابرها حرکت کنند و در ساحلی آرام قدم بزنند





کودک

نیوجین فاضلی

اشاره

شاکله

شخصیت انسان،

همچون پی و ستون های

یک ساختمان، داربست

وجودی او را تشکیل می دهد

و رفتارهایش را در طول حیات،

رهبری می کند. در پرتو وراثت

و گرایش های فطری، روحیات

پرستش، کنجکاوی و خلاقیت،

خیرخواهی، هنر دوستی و

کمال طلبی در انسان شکوفا و

عده تا در همان ۷ سال اول کودکی

شکل می گیرند و در همین دوران

صفاتی مثل شجاعت، استقامت،

بردباری، هم زیستی و جامعه پذیری

و یا عکس آنها در وجود کودک

نهاد بینه می شود. این مقاله به نقش

و اهمیت ایجاد و پرورش عادت های

مطلوب در کودک می پردازد.

اگر شکل گیری اساس شخصیت

انسان را، آن چنان که پژوهش ها نشان

می دهند، در همان سال های نخست

زندگی او یعنی دوران کودکی اش بدانیم،

هم زمان باید برای ایجاد عادت های

مطلوب و آموزش مهارت های اولیه و

ضروری به کودک به نحوی شایسته،

منطقی و دور از تحمیل و اجبار

گام برداریم. این آموزش ها

در طول دوره آمادگی

(۴ تا ۶ سالگی)

اغلب در

- مربی می تواند از کودک بخواهد به قسمت جدیدی از کلاس برود و کار جدیدی انجام دهد.
- تا عدد ۱۰ بشمارد.
- بازی پیدا کردن افراد در کلاس را انجام دهد.

وقتی

**کودک احساس ناراحتی
یانگرانی می کند، بهتر است
یک لیوان آب به او بدهید تا بنوشد
یا دست و صورت او را بشویید. آب
یک آرامبخش طبیعی برای
کودکان است**

به کارگیری فنون آرامش بخش

آموزش فنون آرام ساختن بدن و خارج کردن اضطراب از بدن یک مسئله مهم آموزشی در برخورد با کودکان است.

برای آموزش فنون آرامبخش مریبان می توانند ابتدا به کودکان آموزش دهند که چگونه ماهیچه های بدن خود را آزاد کنند و از سر تا نوک پا ماهیچه ها را آرام نگه دارند.

قدم بعدی آن است که به کودکان بیاموزند که به نفس کشیدن خویش دقت کنند. دستشان را روی قلب خود بگذارند و ضربان آن را احساس کنند.

مربی می تواند از کودکان بخواهد عمل دم و بازدم را با تمرکز انجام دهند. کودکان باید ابتدا بیاموزند چگونه بدن خود را آرام و آزاد کنند. سپس می توانند یاد بگیرند که چگونه حرکات بدن خود را نمایش دهند و حتی هیجان هایشان را مدیریت کنند.

از طریق شیوه های تخیل گرایی می توان از کودکان خواست که خود را در فضای آرامی تصور کنند؛ می توانند در عالم خیال به جنگل بروند، در رودخانه شنا کنند، روی ابرها حرکت کنند و در ساحلی آرام قدم بزنند.

به این ترتیب می توان اذعان داشت که مریبان کارآمد در دوره پیش از دیستان باید با منظر قرار دادن چالش ها و تعارض های هیجانی که برای کودکان پدید می آید، تکنیک های درستی را به کار گیرند و به کمک آنها کودکان را به مدیریت و هدایت صحیح هیجان های درونی خویش نزدیک کنند.

منابع
1. کیان، مرجان و لیلی انگلی؛ (۱۳۹۲) ویژگی ها و

مهارت های مربی پیش دستانی، تهران، انتشارات مدرس.

2. Holewa, Lisa and Rice Joun (2008); *What Kindergarten Teachers Know*, Published by the penguin Group (USA) Inc.

فنون آرامش بخشیدن به
هیجان های کودک

کودکان به طور طبیعی، وقتی در محیط اطرافشان وضعیت ناگواری پیش می آید، برای رسیدن به آرامش بدنیال بزرگترها می گردند. شاید برای کودکان خردسال هیچ چیزی از احساس امنیت مهم تر نباشد. به شکلی که بداند وقتی احساس

نهایی می کند، کسی پیش او هست.

از این رو، هرگاه کودک توانست هیجان های خود را بشناسد و درک کند، بعضی شگردها برای آرام کردن او می تواند مفید باشد. این شیوه ها ز دست یافتن هیجان های کودکان جلوگیری می کند:

• وقتی کودک احساس ناراحتی یا نگرانی می کند، بهتر است یک لیوان آب به او بدهید تا بنوشد یا دست و صورت او را بشویید. آب یک آرامبخش طبیعی برای کودکان است.

• لمس کردن برای کودکان مهم و آرامش بخش است. در کلاس درس وقتی کودکی ناراحت است، معلم می تواند قبل از اینکه از او بپرسد «می توانم کمک کنم؟» دست ها یا شانه کودک را بگیرد.

• به ویژگی های خاص فردی کودکان احترام بکنارید. بعضی از کودکان هنگام ناراحتی دوست ندارند کسی به آنها دست بزنند. اگر کودکی از این کار دوری کرد، بدانید که این شیوه برای اوی مناسب نیست.

• خواندن شعر یا آواز برای کودک می تواند به آرام شدن اوی کمک کند.

• مربی می تواند از کودک بخواهد یک پازل ساده را حل کند، با کنار هم چیدن قطعات یک شکل آن را تکمیل کند، سکه ها را بشمارد و یا برج ساده ای بسازد.

شکل‌گیری شخصیت و ایجاد عادات مطلوب

قالب بازی،

شعر، قصه و... صورت می‌گیرند.

یکی از مهم‌ترین آموزه‌ها، که در زندگی انسان بسیار اثرگذار است و موجب دوام و استحکام روابط اجتماعی می‌شود، ایجاد و پرورش عادت به نظم و انضباط در کارهای است. اصولاً نظم و ترتیب از مصادیق زیبایی و زیبندگی، و منطبق بر گرایش‌های فطری انسان است. در پرتوهای همین ویژگی انسان یاد می‌گیرد دقیق و وقت‌شناخت باشد، حد و جایگاه خود را بشناسد، به حق دیگران احترام بگذارد، محیط کار و زندگی خود را آراسته و پیراسته سازد، منطقی، درست و زیبا سخن بگوید و بنویسد، در مصرف خوارک، پوشاش و انرژی اندازه نگه دارد، شکرگزار باشد و با ملاحظه هر نعمت، خدای را سپاس بگزارد، در هر گرفتاری و حادثه‌ای خود را نیازد و جامع فضایل و خصایص برجسته دیگری باشد که از این ویژگی مهم برمی‌خیزند.

در اینجا می‌خواهیم به مشکلی اشاره کنیم که از کاستی‌های موجود در رعایت نظم و انضباط برمی‌خیزد. با اتکا به آمار و بررسی‌های موجود، میزان مصرف آب و انرژی از سویی و تولید زباله و پسماند از دیگر در میان مردم کشور ماء، نسبت به سایر کشورها بیشتر و در مواردی زیاد نگران کننده است که با توجه به موقعیت سرزمینی و جغرافیایی ایران و سایر مسائل موجب نگرانی‌ها و انگیزه هشدارهایی شده است.

فرهنگ‌سازی در این زمینه به کار و تلاش، تفکر و دلسوی بیشتر و اقدام پدران و مادران و معلمان و مربیان نیاز دارد و این میسر نمی‌گردد، مگر از راه برنامه‌ریزی و اجرا از خانه و کودکستان. در زیر فهرستوار به چند پیشنهاد در این مورد اکتفا می‌کنیم تا اگر فرصت دیگری دست داد، به تفصیل به آن بپردازیم.

- آب را یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خدای مهریان بدانیم و در خلوت

مسوم و مواد
مضریان وارد محیط
می‌شوند و انسان را گرفتار
می‌سازند.

در نهایت، کودکان را به اهمیت محیط‌گردی، ضرورت استفاده بهینه از منابع آن و نگهداری صحیح نعمت‌های ارزشمند خدادادی، حساس و متوجه سازیم. همه‌این آموزه‌ها را می‌توان با توضیح و گفت و گو و در قالب داستان، شعر، بازی، نقاشی، کاردستی و بازدید از مراکز بازیافت و... در کودکان نهادینه کرد. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که در آینده، شاهد این همه هدایت در آب و انرژی و هزینه کلان برای مصرف نباشیم. شاید در نتیجه همین تعالیم ساده آیندگان از محیط زیستی سالم، هوایی پاک و اقتصادی توأم با قناعت در خانواده و جامعه برخوردار گردند.

(به ویژه در مقابل کودکان)

با احترام با آن برخورد کنیم. درست مصرف کنیم، آن را هدر ندهیم و از آن به نیکی یاد کنیم. در هنگام نوشیدن آب، با ادب و لذت مراتب شکرگزاری خود را برای این نعمت بزرگ اعلام کنیم.

- به کودکان بیاموزیم که از تولید پسماند و زباله بی‌جایه، بی‌رویه و غیرمسئولانه بپرهیزنند و این را در عمل نشان دهند. مثلاً از کاغذی که هنوز جایی برای نوشتن در آن است، استفاده کنند و بی‌جهت و با بی‌حوالگی آن را مچاله نکنند و دور نیندازند.

- با باقی‌مانده مواد مصرفی خود که جزء دوری‌خیتنی‌ها قرار می‌گیرد، به درستی برخورد کنند؛ بدین معنا که بخش خشک آن‌ها (مثل کاغذ، چوب، پارچه، فلز، پلاستیک، شیشه و...) را جداکانه و بخش تر و خیس آن‌ها را پس از دفع آب و مایع در جای دیگری قرار دهند و به رفتگر بسپارند یا در سطل زباله بیندازند.

- همواره به یاد داشته باشیم و به طریقی مهربانانه به کودکانمان هم بگوییم که با بازیافت و تبدیل زباله می‌توان از آن دوباره استفاده کرد. در حقیقت زباله یک سرمایه است.

حتی زباله تر مثل باقی‌مانده مواد غذایی، میوه‌ها و سبزی‌ها را نیز می‌توان به کود و کمپو ست تبدیل نمود.

- باور کنیم و این باور را به کودکان نیز انتقال دهیم که زمین، محدود است و گنجایش هضم این همه زباله را ندارد. در صورت دفن زباله‌ها و نگهداری آن‌ها نیز شیرابه





ویژگی‌های مدیران کارآمد مراکز پیش‌دبستانی

غفار کریمیان بور

دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی

راهبردی دارد؛ زیرا تمام اهداف و عوامل این سازمان‌ها انسانی است. اگر سازمان‌های دیگر جامعه در ایفای وظایف و رسالت خود کوتاهی کنند و به اهداف موردنظر دست نیابند، نتیجه آن معمولاً متوجه گروه یا سازمانی است که با آن‌ها سروکار دارند اما اگر سازمان‌های آموزشی و مدیران آن از ماهیت کار خود غافل باشند، حاصل کارشان در ابعاد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی متوجه جامعه خواهد شد و در رشد و توسعه جامعه و یا افت و انحطاط آن سهم مؤثری خواهد داشت. گسترش همه‌جانبه سازمان‌های آموزشی لزوم برخورداری از مدیرانی ماهر و توانمند در به کارگیری دانش و تجربه‌ی تخصصی را دوچندان ساخته است (بهرنگی، ۱۳۸۱). نقش کودکستان و مراکز پیش‌دبستان در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی شده است. حتی در بسیاری از کشورها، مراکز پیش از دبستان با مدارس دولتی ادغام و به بخشی از آن تبدیل شده‌اند. در حالی که در کشور ما کمتر به این مراکز توجه می‌شود.

امروزه آموزش‌پرورش پیش از دبستان، بیش از هر زمان دیگر، از ضرورت، اهمیت و حساسیت برخوردار گشته است. کار با کودکان، مربیان و والدین در سطح مختلف پیش از دبستان (مراکز مراقبت، مهدکودک و کودکستان)، به سرپرستی، نظارت و مدیریت دقیق و علمی نیاز دارد. مجهر کردن مدیران و مربیان به دانش

کنند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به علاقه به کودک، اعتماد به نفس، قدرت سازگاری، برنامه‌ریزی راهبردی، تصمیم‌گیری، توجه به وسائل ارتباط جمعی، اطلاع از مسائل مالی، علاقه‌مندی به گردش علمی و مطالعه نشریات علمی مربوط به خردسالان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: مراکز پیش از دبستان، مدیران کارآمد، مدیران

چکیده
هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های لازم برای مدیران مراکز پیش‌دبستانی است. روش تحقیق اسنادی (كتابخانه‌ای) و جامعه‌آماری کلیه متون موجود در این زمینه بوده و نمونه‌گیری نداشته است. ابزار مورد استفاده فیش‌برداری بوده و نتایج به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مدیران مراکز قبل از دبستان مانند مهدهای کودک و آمادگی‌ها، به عنوان یک سازمان آموزشی کوچک به دلیل ظرافت و حساسیت کار به کودکان در سنین پایین‌تر، باید از ساختار شخصیتی خاص و توانایی‌هایی برخوردار باشند تا به آسانی بتوانند مسائل و مشکلات کودکان را دریابند و برطرف

مقدمه

عمل مدیریت به قدمت تاریخ بشری است. اداره و هماهنگ‌سازی منابع انسانی و مادی تقریباً از ابتدای تاریخ مورد توجه انسان بوده است. از بین انواع مدیریت،

مدیریت بر سازمان‌های آموزشی اهمیت ویژه و نقش



و شیوه‌های

نوین مدیریت در این سطح،

در حکم نوعی سرمایه‌گذاری برای ارتباط صحیح با نیروی انسانی، کودکان و خانواده‌هاست و بهره‌گیری از اندیشه‌های علمی و کاربردی به کارایی مثبت در این سطح می‌انجامد. البته این زمانی میسر است که علاوه بر ایجاد آمادگی، مدیران شیوه‌های علمی مدیریت را با توجه به شرایط و امکانات و ارزش‌های فردی و اجتماعی انتخاب و بهطور صحیح اعمال کنند (مفیدی، ۱۳۸۸). آنچه مسلم است مدیریت یک مرکز پیش‌دبستانی به آگاهی، تخصص و آموزش‌های اساسی نیاز دارد. بنابراین، مسئولیت یک مدیر مراکز پیش‌دبستان بسیار سنگین است امر آن قدر اهمیت یافته است که می‌توان ادعا کرد بین عوامل درون‌مدرسه‌ای، پس از معلمان، مدیر نقش مؤثری بر شده است که اثربخشی آن‌ها در گروه توجه بیشتر به اهمیت نقش مدیران باشد. این امر آن‌قدر اهمیت یافته است که می‌توان ادعا کرد بین عوامل درون‌مدرسه‌ای، هر قدر کارکنانی که با کودکان سروکار دارند در برآرde کودکان (که مراجعان مستقیم آن‌ها هستند) آگاه‌تر باشند، بیشتر می‌توانند به اهداف از پیش تعیین شده خود برسند. با توجه به اهمیت مراکز پیش‌دبستانی و نقش مدیران این مراکز در رشد شخصیت کودکان، در این مقاله به بررسی ویژگی‌های لازم برای مدیران مراکز پیش‌دبستانی می‌پردازیم.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه اسنادی (كتباخانه‌ای) بوده و جامعه آماری آن برخی از متون موجود در این زمینه بوده و نمونه‌گیری نداشته است. ابزار مورد استفاده فیش‌برداری بوده و نتایج به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

دوره‌پیش‌دبستانی از مهم‌ترین دوران زندگی کودک است. در این دوره، کودک بیش از هر زمان دیگر برای رشد، یادگیری و آموزش آماده است. بنابراین، آگر شرایط لازم برای او فراهم شود، شخصیت، هوش و یادگیری اش گسترش در خود توجهی پیدا می‌کند. از مهم‌ترین زمینه‌ها، امکانات

مدیر باید به کارکردن با کودکان خردسال علاقه‌مند باشد و در هر شرایطی بازداری صمیمانه و آکنده از عقوفت و مهربانی آنان را پیذیرد؛ زیرا کودک در غیاب والدین و در کنار اولیای کودکستان باید احساس امنیت کند و نیازهای عاطفی‌اش بشرط شود. اگر مدیر به کودکان علاقه نداشته باشد و نتواند آن‌ها را به خوبی تحمل کند، مشکلات روانی و عاطفی زیادی را به کودکان تحمیل می‌کند و حتی ممکن است موجب گریزان شدن آن‌ها از این گونه مراکز شود. افرادی که حوصله کافی برای برخورده با کودکان و ارتباط مناسب ندارند و از عواطف و احساسات سالم محروم‌اند، هرگز نمی‌توانند کودکانی شاداب، باشاط و سرحال پرورش دهند. بنابراین، برای احراز این مسئولیت، مناسب نیستند و باید به عنوان مسئول در رأس چنین مراکزی قرار

و شایسته آنان به نکات ظرفی و حساس روان‌شناسی (تریبیتی و یادگیری) به طور دقیق توجه کنند. مدیران برای اداره مراکز پیش‌دبستان به مهارت‌های مختلفی نیاز دارند؛ از جمله توانایی‌هایی که مدیران لازم است داشته باشند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

علاقة به کودک و دانش درباره نیازها و مراحل رشد او: مدیر باید به کارکردن با کودکان خردسال علاقه‌مند باشد و در هر شرایطی بازداری صمیمانه و آکنده از عقوفت و مهربانی آنان را پیذیرد؛ زیرا کودک در غیاب والدین و در کنار اولیای کودکستان باید احساس امنیت کند و نیازهای عاطفی‌اش بشرط شود. اگر مدیر به کودکان علاقه نداشته باشد و نتواند آن‌ها را به خوبی تحمل کند، مشکلات روانی و عاطفی زیادی را به کودکان تحمیل می‌کند و حتی ممکن است موجب گریزان شدن آن‌ها از این گونه مراکز شود. افرادی که حوصله کافی برای برخورده با کودکان و ارتباط مناسب ندارند و از عواطف و احساسات سالم محروم‌اند، هرگز نمی‌توانند کودکانی شاداب، باشاط و سرحال پرورش دهند. بنابراین، برای احراز این مسئولیت، مناسب نیستند و باید به عنوان مسئول در رأس چنین مراکزی قرار

و عواملی که باید برای پرورش صحیح کودکان در مراکز قبل از دبستان فراهم شود، علاوه بر فضای آموزشی و وسائل و امکانات مناسب، مدیران و مربیان دلسوز، با تحریه و مختصص است. بروز تغییرات و تحولات گوناگون در عرصه‌های مختلف زندگی امروزی، حساسیت‌های عمومی شدید و تقاضاهای متنوع، فضای متحمول و متغیری برای هر سازمانی بوجود آورده و باعث شده است که اثربخشی آن‌ها در گروه توجه بیشتر به اهمیت نقش مدیران باشد. این امر آن‌قدر اهمیت یافته است که می‌توان ادعا کرد بین عوامل درون‌مدرسه‌ای، پس از معلمان، مدیر نقش مؤثری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. نتایج پژوهش‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین اقدامات مدیران و پیشرفت دانش‌آموزان است (زین‌آبدی و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه مدیران برای توفیق در وظایف خود باید نقش‌های متعددی را پیذیرند و برای انجام آن‌ها به مدیران از نظر مهارت‌های مدیریت نیز یکی از عوامل استمرار موفقیت در هر سازمانی است. اثربخشی و کارایی مدیران، مستلزم داشتن مهارت‌های مدیریتی است که با به کار گیری آن‌ها در موقعیت‌ها و جایگاه‌های مختلف سازمانی می‌توان به این اهداف نائل شد (افشاری و همکاران، ۱۳۸۹). مدیران مراکز پیش از دبستان، مانند مهدهای کودک و آمادگی‌ها، به عنوان یک سازمان آموزشی کوچک به دلیل ظرافت و حساسیت کار با کودکان در سنین پایین‌تر، باید از ساختار ساخته خاصی برخوردار باشند تا به آسانی بتوانند مسائل و مشکلات کودکان را در بینند و بطرف کنند. مدیران همچنین باید از میزان توانایی کودکان و نیازها و خصوصیات رشد و تکامل آن‌ها در این دوره آگاه باشند و برای تربیت صحیح

نمی‌توانند بلافضله

رفتارهای خود را تغییر دهند. بنابراین، مدیر باید به کارگیری روش‌های آموزشی و تربیتی مناسب، زمینه تغییر تدریجی رفتار کودکان را بوجود سود آورد و بدیهای تمامی مشکلات، رفتارها و برخوردهای احتمالی آن‌ها باشد تا کودکان بتوانند به تدریج رفتارهای خود مرکزشان را تغییر دهند و توقعات و انتظارات خود را با مقررات مؤسسه و خواسته‌های دیگران هماهنگ کنند.

برنامه‌ریزی راهبردی: در دنیای امروز که شاهد تغییرات و تحولات شگرف در زمینه‌های مختلف هستیم، محیط با تلاطم و عدم اطمینان زیادی مواجه است، رقابت شدت زیادی پیدا کرده و نظامهای سازمانی در مسیر کسب موقفيت در میدان رقابت باید از نوعی برنامه‌ریزی بهره گیرند که آينده‌نگر و محیط‌گراست؛ بهطوری‌که ضمن شناسایی عوامل و تحولات محیطی در یک افق زمانی بلندمدت تأثیر آن‌ها بر سازمان و نحوه تعامل سازمان با آن‌ها را مشخص کند. این نوع برنامه‌ریزی در واقع همان برنامه‌ریزی راهبردی است (حسنقلی‌پور و آفرازده)، در سازمان‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی پیش از دبستان، با نگاهی دقیق به مفهوم برنامه‌ریزی راهبردی می‌توان به ضرورت استفاده از آن پی برد. با توجه به تغییرات محیطی که در حال حاضر شتاب زیادی به خود گرفته است و پیچیده شدن تصمیمات سازمانی در سطوح مختلف مراکز و مؤسسات پیش از دبستان، لزوم به کارگیری برنامه‌ای جامع برای مواجهه با این گونه مسائل بیشتر از گذشته احساس می‌شود. این برنامه چیزی جز برنامه راهبردی نیست. برنامه‌ریزی راهبردی با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده‌نگر، جامع‌نگر و اقتصابی راه حل بسیاری از مسائل سازمان‌های امروزی است.

تصمیم‌گیری: کودکان

تحت

تأثیر او قرار می‌گیرند و مضطرب و آزده خاطر می‌شوند. اگر شیوه کاری مدیر به همین روند ادامه بیابد، ممکن است به تدریج بر رشد عاطفی و روانی کودکان تأثیر منفی بگذارد.

قدرت سازگاری: مدیر مرکز پیش‌دبستانی باید قدرت سازگاری و استعداد و توانایی سازش با شرایط و موقعیت‌های پیچیده، ناآشنا و متفاوت را داشته باشد و بتواند از این نیرو و توان خود برای برخورد مناسب با رفتارهای مختلف کودکان استفاده کند. کودکان یک مرکز پیش‌دبستانی، نمایندگان خانواده‌های یک جامعه‌اند و به طور قطع در میان آن‌ها، تفاوت‌های فردی در زمینه‌های مختلف وجود دارد. علاوه بر این، خردسالان تا مدت زیادی در کنار خانواده و والدین خود به سر برده و از آزادی کامل برخوردار بوده‌اند. بنابراین، از نظر اخلاقی خودمحورند و رفتاری خودمرکز دارند. از آنجا که این کودکان تازه وارد مراکز پیش‌دبستانی شده‌اند، به دلیل آگاهی نداشتند و آشنا نبودند با

محیط

جدید،

گیرند. مدیران همچنین به دانش کافی در مورد کودکان، نیازها و مراحل رشد آن‌ها نیاز دارند تا بتوانند در موقع لازم راهنمای مریبان باشند و زمینه رشد همه‌جانبه آن‌ها را فراهم کنند.

اعتماد به نفس: مدیر مؤسسات خردسالان باید از اعتماد به نفس کافی برخوردار باشد تا بتواند در برابر مسائل و حوالتشی که احتمالاً برای آموزشگاه پیش می‌آید و موجب نگرانی و بهم خوردن آرامش کودکان می‌شود، مقاومت و پایداری کند. اگر مدیر مدرسه نتواند اضطراب و ناراحتی خود را کنترل کند، کودکان هم



**باید
امکان
بازدید
کودکان از اماكن
عمومي مانند
پاركها، موزهها و
نمایشگاههارا فراهم
آورد تا آنها از محیط
اجتماعي و محل زندگي
خود، آگاهي و اطلاعات لازم
را به دست آورند و در نتیجه،
شناخت خود را از مسائل و امور
 مختلف جامعه گسترش دهند**

آموختن چيزها باید آنها را مشاهده يا
لمس کنند. بنابراین، بسیاری از مسائل،
مفاهیم، پدیده‌ها و واقعیت‌های جهان
هستی که برای کودک قبل حس و
لمس نیستند، به ذهن او راه نمی‌یابند.
درست است که کودک فراتر از حس
و تجربه نمی‌تواند چیزی را بیاموزد، اما
نباید از یادگیری مفاهیم و مسائل مختلف
محروم شود. مدیر و کارکنان مؤسسات
خردسالان می‌توانند تمامی مسائل و
دانستنی‌های موردنیاز کودکان را از
طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو،
تلوزیون، سینما، ویدئو، ضبط و صوت،
کتاب‌ها، مجلات و نشریات مخصوص
کودکان، به این مؤسسات انتقال دهند تا
کودکان، اطلاعات و دانستنی‌های خود را
افزایش دهند.

منابع

۱. بیان، حسام الدین؛ «مدیریت استراتژیک»، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۱۱، ۳۶۸. زین‌آبادی، حسن‌رضه؛ محمد رضا بهرنگی، عبدالرحیم نوه‌آبراهیم و ولی‌الله فرازد. «تحقیق مدیران در پیش‌فت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدای شهر تهران». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۴. سال نهم، تابستان ۱۳۸۸.
۲. مصطفی افشاری، حبیب هنری، فرزاد غفوری. «بررسی مهارت‌های سه‌گانه مدیریتی (ادراری، انسانی، فنی) مدیران ادارات تربیت‌بدنی»، مدیریت ورزشی- تابستان شماره ۵، ۱۳۸۹.
۳. مفیدی، فرخنده؛ مدیریت مراکز پیش از دستان. انتشارات دانشگاه علام طباطبائی. ویرایش اول. چاپ نهم، ۱۳۸۸.

پیش‌دبستانی به دست می‌آید. بنابراین، گردش علمی واردوهای تفریحی علاقه‌مند باشند و کودکان را به بازدید از مؤسساتی ببرند که برای افزایش آگاهی و اطلاعات آنها مناسب باشد. مدیر می‌تواند بازدید از مکان‌های مختلف، نتیجه مطالعات، بررسی‌ها و تجربه‌های خود را جمع‌آوری کند و به صورت عکس، پوستر و فیلم‌های مناسب کودکان در محل مناسبی در معرض دید آنها قرار دهد تا کودکان از اماكن و مؤسسات مختلف اجتماعی و مشاغل رایج در جامعه اطلاعاتی به دست آورند. مدیر همچنین باید امکان بازدید کودکان از اماكن عمومی مانند پارک‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌ها را فراهم آورد تا آنها از محیط اجتماعی و محل زندگی خود، آگاهی و اطلاعات لازم را به دست آورند و در نتیجه، شناخت خود را از مسائل و امور مختلف مند باشد تا بتواند بازدید از آنها را به مطالعه نشریات علمی مربوط به خردسالان: مدیری که می‌خواهد در کارش موفق شود، باید به مطالعه نتایج و یافته‌های روان‌شناسی علاقه‌مند باشد تا بتواند بازدید از آنها را در نظر بگیرد. اگر مدیر نتواند در مورد مسائل و مشکلات کودکان به طور سریع و قاطع تصمیم بگیرد، ممکن است اتفاقات و حوادث پیش‌بینی نشده‌ای مواجه گردد.

علاوه‌مندی به مطالعه نشریات علمی مربوط به خردسالان: مدیری که می‌خواهد در کارش موفق شود، باید به مطالعه نتایج و یافته‌های روان‌شناسی علاقه‌مند باشد تا بتواند برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را براساس استعداد، توانایی و قابلیت‌های دانش‌آموزان تنظیم کند و ویژگی‌های رشد جسمانی، عاطفی، روانی و اجتماعی آنها را در نظر بگیرد. مدیر علاوه بر مطالعه کتاب‌های تربیتی و روان‌شناسی کودکان، باید نشریات علمی و فنی مربوط به آنها را هم به طور دقیق مطالعه کند و نتایج تحقیقات و یافته‌های جدید آموزشی و روان‌شناسی تربیتی را در آموزش‌پرورش کودکان خردسال به کار گیرد. او باید مریبان مؤسسه خود را هم به مطالعه نشریات و کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی کودکان تشویق کند. **علاوه‌مندی به گردش علمی**: مراکز پیش‌دبستانی، محل مناسبی برای اجتماعی شدن کودکان است. رشد اجتماعی خردسالان در خانواده بی‌ریزی می‌شود ولی مؤسسات و مراکز قبل از دبستان نقش بسیار عمده‌ای در رشد و تکامل اجتماعی کودکان دارند. عمولاً اولین تجربه‌های اساسی کودک، که زیربنای شخصیت اجتماعی و شناخت او را از محیط اطراف سازمان می‌دهد، از مراکز

کلیدواژه‌ها: کودکان پیش‌دبستانی، آموزش ریاضی، چالش

اعداد و شمارش

در گذشته وقتی کسی می‌خواست بگوید که چند رأس حیوان دارد، عددی در اختیار نداشت. پس چند سنگ‌ریزه بر می‌داشت و به عنوان نماینده هر حیوان یکی از آن‌ها را درون کیسه‌ای می‌انداخت. لذا معنا نیست که به منظور بیان حساب از واژه انگلیسی حساب کردن (Calculate) به معنای سنج استفاده می‌شود.

پس از مدتی برای شمردن از چوب خط استفاده می‌شد. چوبی را بر می‌داشتند و برای هر موضوعی یک شکاف یا خط روی آن می‌انداختند اما کلمه‌ای وجود نداشت که اعداد را به کمک آن بیان کنند. گام بعد به کار بردن انگشتان برای شمارش بود. بنابراین در زبان انگلیسی به منظور بیان عده‌های یک رقمی (1 تا ۹) از واژه «Digit» به معنای انگشت استفاده می‌شود و از آنجا که نوع انسان داری ۱۰ انگشت بود، از سیستم شمارشی براساس

همچنین معتقد است که بازی، تمایل طبیعی کودک و اساسی‌ترین پایه برای رشد وی محسوب می‌شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بازی و سیله‌ای برای ارائه پیام‌های آموزشی در دوره پیش‌دبستان است. بر این اساس، لازم است قسمتی از برنامه روزانه کودکان طوری طراحی شود که در بازی‌های آزاد شرکت نمایند و ساعتها را باقی‌مانده را نیز به فعالیت‌های سازمانی یافته و هدایت شده سپری کنند. تحقیقات به اثبات رسانده است که چنانچه آموزش مفاهیم ریاضی از طریق شیوه‌هایی که با زندگی روزمره کودک ارتباط دارد انجام گیرد، کودک خیلی زود، پیش از آنکه پای به دبستان گذارد، اندیشه‌ها و مفاهیمی از مطالعه‌ای ریاضی به دست می‌آورد؛ زیرا ریاضی در واقع زبانی برای تعریف و بیان اندازه‌ها، نظمی برای شمارش و ... است. مفاهیمی همچون کم، زیاد، کوچک، بزرگ، خالی، پر، سبک، سنگین و ... از جمله مفاهیم مهمی هستند که کودکان پیش از دبستان به تدریج شروع به فراگیری آن می‌کنند.

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستان به عنوان درون‌دادی حساس هم از نظر رشد کلی یک فرد و هم از نظر تأثیر در پذیرش و نگهداری کودکان در سطوح ابتدایی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. محققان نیز نشان داده‌اند که آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستان چنانچه با هدف شکوفا کردن رشد طبیعی کودکان صورت می‌گیرد، می‌باشد از نظر رویکردی، کودک محصور باشد، بر پایه علایق و طبیعت کودکان استوار باشد و متوجه نیازهای همه‌جانبه آن‌ها گردد؛ زیرا در این صورت تأثیر بیشتری خواهد داشت. در این راستا فروبل اعتقاد دارد که مرحله پیش از دبستان، گامی اساسی در پلکان تجربه تربیتی است. وی



دکتر احمد آقایی

مدیر مرکز خدمات روان‌شناسی علی‌بن‌ابی‌الطالب

مریم تبریزی

کارشناس علوم اجتماعی و مربی مرکز ناشنوایان

غلامرضا تبریزی

استادیار و عضو هیئت علمی وزارت آموزش و پرورش

چگونه به کودکان پیش‌دبستانی، مفاهیم ریاضی را بیاموزیم؟

بررسی چالش‌های آموزش ریاضی به کودکان پیش‌دبستانی

۱۰ استفاده شد. پس از طی قرون متمادی بشر عدد را اختراع کرد؛ لیکن هر قومی سیستم عددی خاص خویش را به کار می‌برد.

آنچه ما هم اکنون مورد استفاده قرار می‌دهیم، یک سیستم عددی است که هندیان هزاران سال پیش در هندوستان اختراع کردند. این سیستم به وسیله بازرگانان عرب در قرن نهم میلادی به اروپا رسید. در این سیستم تمامی اعداد تا رقم ۹ نوشتہ می‌شوند و سپس با آوردن یک صفر، شمارش از نو آغاز می‌گردد.

مراحل آموزش مفاهیم ریاضی

آموزش مفاهیم در سه مرحله به شرح زیر ارائه می‌شود.

- مرحله آموزش مجسم (آموزش به وسیله اشیا)

- مرحله آموزش نیمه مجسم (آموزش به وسیله تصاویر و اشکال)

- مرحله مجرد (آموزش به وسیله نمادهای ذهنی).

مرحله آموزش مجسم (آموزش به وسیله اشیا):

این مرحله اساسی ترین مرحله آموزش محسوب می‌شود. مری مفاهیم ریاضی را با استفاده از اشیاء مختلفی که در محیط آموزشی وجود دارد، به شیوه‌های عینی و محسوس به کودک ارائه می‌کند.

مرحله نیمه مجسم (آموزش به وسیله تصاویر و اشکال):

در مرحله نیمه مجسم، مری به منظور استمرار و پیشرفت یادگیری، مفاهیم را در قالب تصاویر و با استفاده از الگوهای گوناگون به کودک ارائه می‌دهد.

مرحله مجرد (آموزش به وسیله نمادهای ذهنی):

این مرحله بر شناخت کودک تکیه دارد. پس از آموختن مفاهیم با استفاده از اشیاء، اشکال و تصاویر مری سعی دارد بین اشیای عینی از یک سو و تصاویر همان

اشیا از سوی دیگر رابطه‌ای ایجاد کند. در این مرحله، کودک تصویر شیء را به جای خود شیء در نظر می‌گیرد. بدین ترتیب، شیوه آموزش از حالت عینی و مجسم به سوی مفاهیم ذهنی سوق پیدا می‌کند و تصاویر جای اشیا را می‌گیرند. سپس عالم به جای تصاویر می‌نشینند و در نتیجه، آموزش از مرحله مجسم به نیمه مجسم و در نهایت، به مفاهیم ذهنی سیر می‌کند.

روش‌های آموزش برخی مفاهیم ریاضی

به منظور آموزش برخی از مفاهیم ریاضی و یا هر نوع مفهوم دیگر، مری می‌باشد ابتدا در کودکان انگیزه

در آموزش برخی

از مفاهیم ریاضی و یا هر مفهوم دیگر، مری می‌باشد ابتدا در کودکان انگیزه کافی ایجاد کند. این هدف می‌تواند با تعریف یک داستان مربوط به واحد کار انجام شود. در کلاس‌های پیش از دبستان ساعت خاصی به ریاضی اختصاص ندارد. بنابراین، مری سعی می‌کند در خلال آموزش‌های دیگر، مفاهیم ریاضی را به صورت عینی و ملموس آموزش دهد

کافی

ایجاد کند. این هدف می‌تواند با تعریف یک داستان مربوط به واحد کار انجام شود. در کلاس‌های پیش از دبستان ساعت خاصی به ریاضی اختصاص ندارد. بنابراین، مری سعی می‌کند در خلال آموزش‌های دیگر، مفاهیم ریاضی را به صورت عینی و ملموس آموزش دهد و برای انتقال هر چه بهتر این مفاهیم از هر آنچه در اطراف خود دارد استفاده می‌کند تا کودکان از مفاهیم ریاضی تصوری دور از ذهن نداشته باشند و بین مفاهیم ریاضی و زندگی روزمره خود ارتباطی مطلوب برقرار کنند.

آموزش مفهوم داخل-خارج:

مری می‌تواند در داخل حیاط یک گردی بکشد و از کودکان بخواهد که به داخل گردی بروند و بعد، از آن بیرون بیایند

آموزش مفهوم بالا-پایین:

مری یک کتاب در بالای میز و یک توب در پایین میز می‌گذارد. سپس از کودکان می‌پرسد که کتاب کجای میز است و کودکانی که از قبل مفهوم بالا و پایین را کسب کرده‌اند، پاسخ صحیح را ارائه می‌کنند. آنگاه می‌پرسد: «توب در کجای میز قرار دارد؟» کودکان پاسخ می‌دهند. «پایین میز». به این طریق، کودکان دیگر نیز مفهوم بالا و پایین را فرا می‌گیرند و سپس نوبت به تمرين می‌رسد. مری از کودکان می‌خواهد کتاب‌ها یا اشیاء را بالای میز و کیف‌هایشان را پایین میز قرار دهند.

آموزش مفهوم راست و چپ:

مری ابتدا می‌باشد تشویص دهد که کدام یک از کودکان چپ‌دست و کدام یک راست‌دست‌اند. سپس به کودکان می‌گوید: «بچه‌ها، بیشتر آدمها مداد را با دست راست می‌گیرند و می‌نویسنند، مثل شما. دستی که شما با آن نقاشی می‌کنید راست است و دست دیگر تان چپ، ولی بعضی‌ها هم با چپ می‌نویسنند.» یا می‌گوید: «بچه‌ها، شما که طرف پنجه نشستید سمت راست کلاس هستید و آن‌ها یی که سمت در نشسته‌اند، سمت چپ کلاس‌اند. پس پنجه سمت راست شماست و در سمت چپ شما.»

آموزش مفاهیم پنهان و باریک:

مربی از کودکان می‌خواهد که در منزل یا محله خود برگ درختان مختلف را جمع کنند و به کلاس بیاورند. در کلاس برگ پنهان را نشان می‌دهد و می‌گوید: «بچه‌ها، این پنهان را پنهان است» سپس برگ نازک را به کلاس نشان می‌دهد و می‌گوید: «این برگ نازک است. حالا بچه‌ها، بیایید برگ‌های پنهان را روی یک مقوا و برگ‌های باریک را روی مقوا دیگر بچسبانیم.»

آموزش مفاهیم کوچک - بزرگ:

مربی می‌تواند به منظور ارائه مفهوم دایره آن گاه از کودکان می‌خواهد که پاسخ دهنده کدامیک از مدادها کوتاه و کدامیک بلند است. سپس جای آن‌ها را تغییر می‌دهد، و سؤال می‌کند حالا کدام بلند و کدام کوتاه است.

مربی می‌تواند از کودکان بخواهد تعدادی سنگ جمع‌آوری کنند. سپس از بین آن‌ها، تعدادی سنگ کوچک و تعدادی سنگ بزرگ را بیرون آورد و بگوید: «بچه‌ها، کدامیک بزرگ و کدامیک کوچک است؟»

همچنین می‌تواند چند وسیله کوچک مانند مدادتراش، پاک‌کن و چند وسیله بزرگ مانند کیف را به کودکان نشان دهد و توضیح دهد که مدادتراش و پاک‌کن کوچک‌اند، چون جای کمی می‌گیرند، و کیف بزرگ‌تر از مدادتراش و پاک‌کن است؛ چون جای بیشتری می‌گیرد. سپس از کودکان بخواهد که چند وسیله کوچک و بزرگ را نشان بدهند.

آموزش مفهوم خط هندسی:

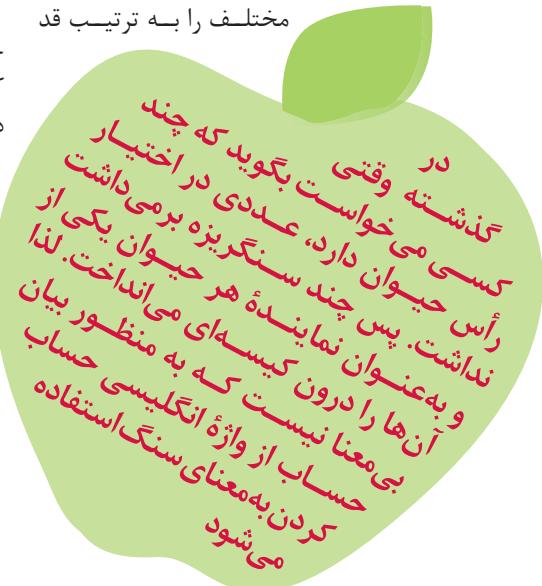
مربی به هر یک از کودکان مقداری خمیر بازی می‌دهد. این در حالی است که خود وی نیز مقداری خمیر در اختیار دارد که آن را به صورت یک خط راست لوله می‌کند. سپس به کودکان این‌گونه توضیح می‌دهد: «این خمیری که درست کرده‌ام، شکل یک خط راست است. خط راست هم می‌تواند باشند و هم می‌تواند بخوابد. شما هم مانند من درست کنید.» بچه‌ها با سعی و تلاش مشغول به درست کردن می‌شوند. اگر بعضی از کودکان نتوانند درست کنند، مربی به آن‌ها کمک می‌کند و سپس از آنان می‌خواهد که خط راست

آموزش مفاهیم جلو-عقب-کنار-پشت:
مربی از کودکان می‌خواهد یک صف تشکیل دهند. سپس می‌گوید: «بچه‌ها، می‌توانید بگویید الان علیرضا کجاست؟» بچه‌ها می‌گویند: جلو. آن گاه می‌پرسد: احسان کجاست؟» «پشت علیرضا.» «مهدی کجاست؟» «عقب.» :- «حالا علیرضا تو برو و کنار احسان.» سپس از کودکان می‌خواهد که این عمل را تکرار کنند. مثلاً می‌گوید: «مهدی برو عقب صف» یا می‌گوید: «احسان برو پشت علیرضا.»

آموزش مفاهیم کوتاه-بلند:

مربی علیرضا و احسان را به جلو کلاس می‌آورد و سپس از کودکان می‌پرسد: «بچه‌ها، کدام یک بلند است؟» کودکان می‌گویند: «احسان» مربی می‌گوید: «پس احسان بلند است و علیرضا کوتاه.»

در مرحله بعد، مربی چند مداد مختلف را به ترتیب قد



ایستاده یا خوابیده را در داخل کلاس نشان بدهند.

آموزش مفاهیم اشکال هندسی:

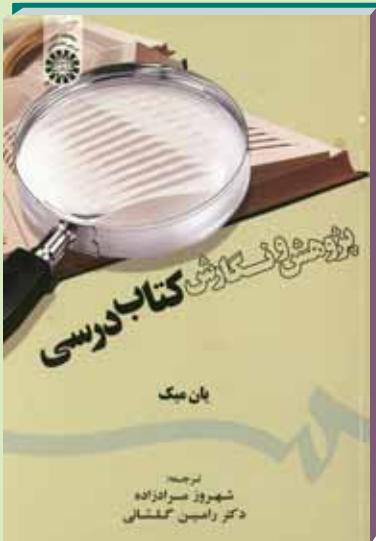
مربی می‌تواند به منظور ارائه مفهوم دایره از توپ یا الگو استفاده کند. همچنین شکل چند دایره بزرگ و کوچک را بر روی تخته می‌کشد و سپس دایره را معرفی می‌کند. او اشیایی را که به شکل دایره هستند، مانند توپ، لگوی دایره‌ای شکل و چرخ‌فلک، به کودکان نشان می‌دهد. این در حالی است که کودکان با راهنمایی مربی، می‌توانند خطچین‌ها را پر کنند و شکل گردی، سه‌گوش، چهار گوش را بکشند و بشناسند.

آموزش مفهوم تک و جفت، یکی و دو تایی:

مربی می‌تواند با استفاده از دو شیء مورد علاقه کودکان، مفهوم تک و جفت را به آنان آموزش دهد. او ابتدا یک شیء را به آن‌ها نشان می‌دهد. این یک شیء را به کودکان توضیح می‌دهد که یک شیء با شیء دیگر می‌شوند دو تا که جفت هم هستند. مانند یک جفت جوراب ناچیز شمردن آموزش و پرورش کودک در سال‌های نخستین زندگی وی سوء قصدی است که نسبت به کودکان و شوق و پیشرفت حیاتی آنان صورت می‌گیرد.

منابع

- Butterorth, G. (1998h). What is special about pointing in babies? In F. Simion & G. Butterorth (Eds.), it of se, UK: Psyc hology press.
- Butterworth, G.E. (1999). Neonatal imitation: Existence, mechanisms and motives. In I. Nadel & G. Butterworth (Eds.)li, iitation in infancu, (pp. 63-88). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Johnson, C.N. & Harris, P.L.(1994). mAGIC: Special but not excluded. British Journal of Developmental Psychology, 12, 35-51.
- Johnson, M.(1998). The neural basis of cognitive development. In D. Kuhn & R.S. Siegler (Eds.), Handbook of child psychology: Vol.2. Cognition, perct- tion, and language (pp. 1-50, W.Damon, Gen. Ed"). New York: Wily.



پژوهش و نگارش

شیرین فاضلی

می‌کنیم
فصل ۹ کتاب به موضوع شکل در کتاب درسی اختصاص یافته و به نکات مهمی اشاره کرده است که در زیر برخی از آن‌ها مطرح می‌شود.

- شکل‌ها در کتاب‌های درسی سراسر دنیا بهبود یافته‌اند.
- تعداد شکل‌ها در کتاب‌های درسی به سرعت افزایش یافته و از پیچیدگی آن‌ها کاسته شده است.
- دانش‌آموzan، کتاب‌های درسی زیبا و رنگارنگ را دوست دارند.

- شکل‌ها در مصور کردن موضوعاتی که دانش‌آموzan نمی‌توانند با چشم غیرمسلح در محیط اطراف خود ببینند، بسیار سودمندند.

- تأثیر تصاویر در به‌حاطر‌سپاری متن بیشتر از تأثیر آن در درک متن است.
- در فصل ۱۰ کتاب، جنبه‌های ارزش‌سازانه کتاب درسی مورد بحث قرار گرفته و از جمله آمده است:
- به‌نظر می‌رسد یادگیری دانش، مهم‌ترین هدف تحصیل باشد اما یادگیری ارزش‌ها و نگرش‌ها برای جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است.
- آینده ما زمانی در خطر است که کتاب‌های الفبا به‌غیر از عادت‌های مکانیکی خواندن، چیز دیگری به مخاطبان خود نیاموخته باشند.
- آموزش و یادگیری همواره به نحوی با آموزش اخلاقی پیوند داشته‌اند.
- هنگاره‌ها و ارزش‌ها، تأثیر زیادی بر رفتار افراد دارند.

کتاب‌های استریل (ضدغفونی شده!) ۳ ضعف عمده دارند. از جمله اینکه باعث می‌شوند کودکان تصویر آرمان‌گرایانه‌ای از زندگی داشته باشند و در آن‌ها آمادگی کمتری برای رویارویی با واقعیت‌های زندگی ایجاد کنند.

کتاب‌های درسی بر نظام آموزشی تأثیر دارند و آینده دانش‌آموzan را شکل می‌دهند.

- نویسنده: یان میک
- مترجمان: شهرروز مرادزاده - رامین گلشایی
- ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- سال انتشار: تابستان ۹۳
- تعداد صفحات کتاب: ۴۰۰
- شمارگان: ۵۰۰
- قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

اشاره

این کتاب را انتشارات سمت برای مؤلفان، استادان و معلمان تهیه کرده و بهدلیل مطالب ارزنده‌ای که در آن است، مطالعه آن (بهویشه دو فصل ۹ و ۱۰: شکل در کتاب درسی و جنبه‌های ارزش‌سازانه کتاب درسی) به مریان، تولیدگران محتوا و کارشناسان پیش‌دبستانی توصیه می‌شود.

- کتاب از سه پیش‌گفتار، مقدمه مترجمان و ده فصل و نیز جمع‌بندی مراکز، منابع، ضمایم و فهرست حدولها و شکل‌ها و فرمول‌ها تشکیل شده است.
- برخی عنوانین فصول ده‌گانه کتاب به شرح زیر است.
- آرایه پاسخ‌دهندگان
- ارزیابی کتاب‌های درسی از طریق آزمایش
- تحلیل کتاب درسی
- فرمول‌های خوانش‌پذیری
- پیشنهادهایی برای نگارش درک‌پذیر
- برخی معیارهای خوانش‌پذیری
- رغبت‌انگیزی
- شکل در کتاب درسی
- جنبه‌های ارزش‌سازانه کتاب درسی.
- در ادامه به برخی نکات مهم دو فصل پایانی کتاب، که برای کتاب‌های کار کودک مریب می‌تواند مفید باشد، اشاره

راهکارهای افزایش هوش هیجانی در کودکان

ندا سلامت
روان‌شناس بالینی

و جکسون» (۱۹۶۲) اشاره کرد. اگر ما بتوانیم هوش هیجانی فرزندمان را بالا ببریم، آن‌ها در بزرگ‌سالی روابط میان فردی موفق‌تری را تجربه خواهند کرد.
چگونه می‌توان هوش هیجانی کودک را افزایش داد؟
در چه صورت، کودک ما در بزرگ‌سالی روابط میان فردی بهتری خواهد داشت؟
راهکارهای بالا بردن هوش هیجانی کدام‌اند؟

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، بروز هیجان، کنترل هیجان

چند راهکار برای بالا بردن هوش هیجانی کودکان گام نخست

آرامش خودتان مهم است؛ باید تلاش کنید که اضطراب خود را کاهش دهید. نظریه مری استاک سالیوان (۱۸۹۱-۱۹۹۴) مبنی بر این رسمیدن اضطراب از والدین به کودکان، اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. از این‌رو، والدین باید مراقب لحن صحبت کردن و تُن صدای خود هنگام برخورد با کودک باشند تا اضطرابشان به کودک انتقال نیابد.

گام دوم

به کودک خود توانایی حل مسئله را آموزش دهیم؛ برای رسیدن به این آموزش باید همیشه آماده کمک به کودکتان باشید ولی فراموش نکنید که باید صبور باشید و فرصت تجربه را از کودک نگیرید. برای کودک خود شرایط تجربه کردن را فراهم کنید و بگذارید از شما بخواهد که کمکش کنید. بعد وارد عمل شوید. البته یادتان نرود در کنار او قرار بگیرید و کمکش کنید تا خود او موفقیت را تجربه کند.

گام سوم

به احساسات، عواطف، افکار و صحبت‌های فرزندتان توجه کنید، خوب گوش کنید و بعد از اینکه احساسات آن‌ها را درک کریدید، به آن‌ها نحوه صحیح برخورد با احساساتشان را بیاموزید.

گام چهارم

وقتی برای کودکتان مشکلی پیش می‌آید و او از مسئله‌ای ناراحت است، با او همدردی کنید. این عمل به کودک کمک می‌کند که زودتر به آرامش برسد؛ زیرا او دلیلی نمی‌بیند که با

اغلب والدین در دوران کودکی فرزندشان تغییرات سریع خلق و خسروی او را تجربه کرده و دیده‌اند که یک لحظه شاد و خوشحال، مشغول بازی است و لحظه‌ای دیگر خشمگین و احیاناً عصبانی. این مُلوُّنی (رنگارانگی) خلقو خو که جزء شرایط و مراحل رشد طبیعی کودک است، فرصتی طلایی برای بالا بردن سطح هوش هیجانی و خلاقیت او به حساب می‌آید و مربی و والدین می‌توانند از این موقعیت برای ایجاد و تقویت مهارت‌های مهم در او استفاده کنند.
توانایی اشخاص در شناخت و کنترل احساسات خود و درک دیگران برای تصمیم‌گیری بهتر و رسیدن به روابط پایدارتر و رضایتمندی و شکوفایی، زمینه‌های هوش هیجانی را فراهم می‌کند. دانیل کلمن (۱۹۴۶) در تعریف هوش هیجانی می‌گوید: «عصبانی شدن آسان است، همه می‌توانند عصبانی شوند اما عصبانی شدن در برابر شخص مناسب، به میزان مناسب، در زمان مناسب، به دلیل مناسب و به روش مناسب، آسان نیست.» با این تعریف مشخص می‌شود که هوش هیجانی، بهترین پیشگوی عملکرد کودک در آینده است. از سوی دیگر، در میان مردم این باور وجود دارد که هوش هیجانی بیشتر از ضربه هوشی و مهارت‌های فنی در موقعیت افراد مؤثر می‌باشد.

وقتی شما به کودک خود کمک می‌کنید تا بر خشم خویش تسلط پیدا کند، هوش هیجانی او را افزایش داده‌اید. هرچه بهره‌های هوشی هیجانی فرزندتان را بالاتر ببرید، او را قادر ساخته‌اید که ارتباط‌های مؤثرتری با دیگران برقرار کند، احساسات خود را بهتر بشناسد و بهتر کنترل کند، آرام‌تر باشد و دیگران را بیشتر درک کرده روابط دوستانه محکم‌تری برقرار کند.

اغلب متخصصان امور کودک به اهمیت هوش هیجانی و تأثیر آن بر اعتماد به نفس، و مستوی‌لتی‌پذیری و خلاقیت کودک اذعان دارند. در این مورد می‌توان به مطالعات و پژوهش‌های «گتلز



توانایی اشخاص در شناخت و کنترل احساسات خود و درک دیگران برای تصمیم‌گیری بهتر و رسیدن به روابط پایدار تر و رضایتمندی و شکوفایی، زمینه‌های هوش هیجانی را فراهم می‌کند

می‌گوید «شاید دیرش شده» شما بگویید «چرا؟» کودک جواب می‌دهد «شاید دیر از خواب بیدار شده». در اینجا از کودک راهکار بخواهید و بگویید که اگر این خانم بخواهد این اتفاق دیگر تکرار نشود، باید چکار کند. مثلاً کودک می‌گوید «ساعت کوک کند» یا «مادرش زودتر صدایش کند»... یادتان باشد به تمام پاسخ‌های کودک خوب گوش کنید و او را تشویق کنید که هر چه پاسخ‌های متنوع بدهد و با فکر کردن راهکارهای مختلفی بیابد.

گام هشتم

می‌توانید با کودک در مورد شخصیت‌های فیلم‌هایی که دیده یا داستان‌هایی که برایش خوانده‌اید، صحبت کنیم. از کودک بخواهید بگوید اگر جای آن شخصیت‌ها بود چه می‌کرد و چرا و بهترین کار کدام است. در این نوع ارتباط‌های کلامی کودکان می‌آموزند که در مورد راهکارها و موقعیت‌های متفاوت فکر کنند. بدین‌وسیله ذهن آن‌ها آماده می‌شود تا در شرایط واقعی بهتر عمل کند.

منابع

۱. کلمن، دانیل؛ هوش اجتماعی، مترجم حمیدرضا بلوج، جیحون، ۱۳۸۷.
۲. بهمن، شهناز؛ هلن مفینی؛ راهنمایی عملی پرورش هوش هیجانی کودکان، نشر دانش.
۳. سالیوان، استاک؛ نظریه مبتنی بر اثر بردن اضطراب از والدین، ۱۹۹۴.

نانارامی بخواهد والدین خود را مقاعده کند که شرایطی سخت یا دردناک را تحمل کرده است. اگر کودک ببیند که در کشیده است، با شرایط سخت خود بهتر کنار می‌آید و می‌آموزد که در زندگی باید احساسات تلخ را تجربه و مدیریت کند.

گام پنجم

یادتان نرود که هیچ وقت کودک خود را تحقیر نکنید. بهخصوص وقتی که در حال تجربه‌ای سخت و دردناک است؛ زیرا در این موقع کودک بیشتر به درک والدین نیاز دارد. بهترین رفتار والدین در این موقعیت‌ها درک سختی و دردناکی شرایط برای کودک است و راهبردی ترین کمک به او در این موقع، بیان خاطرات و تجربیات گذشته خود والدین است.

گام ششم

از ارائه راهکارهای صریح و مشخص به کودک به طور جدی خودداری کنید. تا آنجا که امکان دارد به کودکتان اجازه تجربه کردن بدهید و فرصت دهید تا خود به نتیجه برسد. تنها به عنوان دوستی با تجربه در کارشناس حضور داشته باشید تا شرایط را برای شکوفا شدن هیجان‌ها و خلاقیت آنان فراهم کنید.

به

احساسات، عواطف، افکار و صحبت‌های فرزندتان توجه کنید، خوب گوش کنید و بعد از اینکه احساسات آن‌ها را درک کرده‌ید، به آن‌ها نحوه صحیح برخورد با احساساتشان را بیاموزید

گام هفتم

یکی از باری های مفید برای پرورش هوش هیجانی کودکان، بازی گفت‌وگویی «شاید...» است، وقتی در

اطرافیان هر نوع تغییر خلق و خو و عملکرد رخ می‌دهد و کودک آن تغییر را درک می‌کند، از او بخواهید برای آن تغییر دلیلی بیابد. بعد از اینکه کودک دلیل خود را ارائه کرد، از او بخواهید که راهکاری دیگر یا راهکاری بهتر از تغییر خلق و خو را که برای مواجهه با آن مسئله به نظرش می‌رسد، بیان کند.

برای مثال؛ صحیح در مسیر مهدکودک خانمی در خیابان به سرعت راه می‌رود و با کودک برخورد می‌کند. از کودک بخواهید دلیلی برای عجله خانم بیان کند. برای مثال، کودک

مهارت‌های ذهنی و اجتماعی در کودکان

کودکانشان

همچنان ادامه می‌دهند. بنابراین، والدین و معلمان باید با یکدیگر به عنوان اولیای کودک کار کنند و به یادگیری و رشد او کمک کنند (ونیتاکول، ترجمه فرخنده مفیدی، ۱۳۸۰: ۴۶).

در ابتدا به ویژگی‌های ذهنی و اجتماعی کودک پیش‌دبستانی می‌پردازیم.

خصوصیات ذهنی کودک پیش‌دبستانی:

- تا عدد ۱۰ و گاهی بیشتر را ز حفظ می‌شمارد (مهارت زبانی) و در پایان این دوره می‌تواند تعدادی از اشیا را نام ببرد.
- مفاهیمی مثل اول، وسط، آخر، پهلو، پشت، رو، زیر و عقب را درک می‌کند.
- ارتباط متضایر اعداد و اشیا را درمی‌باید.
- محاسبات ساده، مثل جمع و تفریق‌های ساده تا ۵ را می‌تواند با مثال‌های عینی انجام دهد.
- مجموعه‌سازی می‌کند؛ می‌تواند دو مجموعه از اشیا را بشمارد، با هم مقایسه کند و بین اعضای دو مجموعه تناظر یک به یک برقرار کند.
- مفاهیم راست و چپ را تشخیص می‌دهد و رابطه کل و جزء را درک می‌کند.
- می‌تواند براساس قوانین خودساخته، اجسام و اشکال هندسی را طبقه‌بندی کند؛ مثلاً وسایل خانه عروسکش را براساس کارایی آن‌ها در اثاق قرار می‌دهد یا اشیا را طبق شکل یارنگ آن‌ها طبقه‌بندی می‌کند و دلیل این کار را توضیح می‌دهد. این قدم بزرگی است؛ زیرا کشف علت طبقه‌بندی بسیار اهمیت دارد.
- مفاهیمی مانند نرمی، سختی، زبری، صافی، خشکی و خیسی را درک می‌کند.
- مفاهیمی مانند خیلی، مقداری و چند تا را درک می‌کند.
- تصاویری که از انسان در نقاشی‌هایش می‌کشد کامل‌تر شده است، قبل از شروع نقاشی درباره آنچه دوست دارد بکشد، تصمیم می‌گیرد.
- از میان اطلاعاتی مانند نام و نام خانوادگی، نشانی و تلفن منزل خود، برخی موارد را می‌داند.
- به درک مفاهیم پولی علاقه‌مند است و می‌تواند برخی از سکه‌ها را تشخیص دهد.

فهیمه سادات حسینی

دانشجوی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

در این مقاله بعد از مقدمه کوتاهی

درباره اهمیت پیش‌دبستانی و همچنین همکاری اولیا، ابتدا به ویژگی‌های ذهنی کودکان پیش‌دبستانی (مهارت زبانی، درک مفاهیم، شباهت‌ها و تفاوت‌ها،...) و نحوه پرورش آن (به فعالیت‌هایی مثل داستان نیمه‌تمام، تقویت مهارت‌های عددی، مفاهیم زمانی و...) اشاره شده است. همچنین به خصوصیات اجتماعی کودک پیش‌دبستانی (همکاری، علائق، بازی‌های مورد علاقه‌او، رابطه با خانواده و همسالان، نقش جنسیتی و...) پرداخته شده است.

در صفحات بعد درباره نحوه پرورش مهارت اجتماعی و انواع شیوه‌های آموزش اجتماعی مانند روش الگوبداری، روش مری‌گری، فراهم کردن فرصت برای سخن‌گویی کودکان، روش خودآموزی، روش قضاوت و داوری، نماش و قصه‌گویی، بازی و روش گردش علمی و... صحبت شده و به اهمیت پرورش مهارت‌های اجتماعی و تأثیر آن در رابطه با همسالان، قوانین اجتماعی و... و اهمیت مهارت‌های ذهنی مانند مهارت تفکر، استدلال، و... پرداخته شده است. در پایان به نتیجه‌گیری از رشد جسمانی و ذهنی و وظایف مرکز پیش‌دبستانی و جامعه در قبال آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت اجتماعی، مهارت ذهنی، کودک پیش‌دبستانی

مقدمه

سال‌های پیش از دبستان، مرحله شکل‌گیری شخصیت کودک است. کودکان این سال‌ها را با کنگکاوی و توجه نسبت به خود و اطرافیان و دنیای پیرامونشان سپری می‌کنند. در این سال‌های طلایی، چنانچه محیط و آموزش غنی باشد، هوش، شکوفا می‌شود، استعدادها پرورش می‌باید و کودک می‌تواند از حداکثر توانایی‌های خود بهره‌مند گردد. کودک امروز، نوجوان فردا و سازنده آینده کشور است. بنابراین، سرمایه‌گذاری روی او ثروت انسانی ارزشمندی را برای آینده کشور به دنبال دارد. اما چگونه این مهم رخ خواهد داد؟ در صورتی که کودکان و نیازهایشان را بشناسیم؛ آن‌ها را باور کنیم و با آگاهی و دانش، مسیری هموار را برایشان مهیا سازیم؛ مسیری به سمت نور و روشنایی، مسیری که با مشعل علم بتوان آن را روشن تر کرد. خوشبختانه این مسئله‌ای است که نظام آموزشی کشور نیز بدان توجه داشته و با اهمیت دادن به دوره‌های پیش از دبستان و توجه به مریبان دلسوز و آگاه، در این مسیر گام برداشته است (مجیب و دیگران، ۱۳۸۸).

اگر کودک در برنامه‌های آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستان از اولویت نخست برخوردار است، والدین در مرحله بعدی قرار دارند. والدین نخستین معلمان کودک هستند و به مسئولیت اساسی خود در رشد

- او برخی از مشاغل، ابزار کار و لباس کار آن‌ها، نشانه‌های اساسی کشور (نام، پرچم، زبان...) را می‌شناسد. مهارت‌های اجتماعی اش رشد می‌کنند و متعاقباً همدلی، مهربانی و عطوفت- که نتیجهٔ خودپنداری مثبت بروز می‌کنند- در او توسعه می‌یابند.
- استقلال بیشتری پیدا می‌کند و بین بازی و کار تفاوت قائل می‌شود. با مفهوم مالکیت آشناشی پیدامی کند و بین مفاهیم «مال من» «مال تو» «هدیه دادن و گرفتن» «فرض دادن و فرض گرفتن»... تفاوت قائل می‌شود.
- کودک همچنان که در مورد جنسیت خود رفتارهای شناخت می‌رسد، آنچه را از در مقام یک دختر و یا پسر انتظار می‌رود فرا می‌گیرد و همچنین به نقش‌های کلیدی (فرزنده، خواهر، برادر، نوآموز، دوست...) و وظایفش در مقابل دیگران پی‌می‌برد. (همان: ۳۷-۳۸)
- در اجتماعی‌شدن پیشرفت می‌کند؛ به طوری که به ملاقات دوستان خود می‌رود.
- به خودکفایی بیشتر می‌رسد.
- محبت او پایدار نیست.
- نقش جنسیت برایش مشخص می‌شود.
- از وضع لباس پوشیدن خود آگاه است. (مجیب و دیگران، ۷: ۱۳۸۸)

برخی روش‌های پرورش مهارت‌های ذهنی و اجتماعی نوآموزان پیش‌دبستانی

- کودک تنها از طریق توجه دقیق به جزئیات می‌تواند به خواص اشیا، تفاوت‌ها و شباهت‌ها، مفاهیم مربوط به اشکال، تشخیص ابعاد، اجسام و... پی‌برد و رفتارهای دریابد که در مورد یک موضوع نظریات متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد. تمرینات متعددی را جهت خوب مشاهده کردن، برای کودک پیش‌بینی کنید.
- در طراحی فعالیت‌ها فرصلتی‌های زیادی را جهت آزمایش و تجربه کردن در اختیار کودک بگذارید. کودک در این سن کنجدکاو است و کنجدکاوی پیش‌بینی کنید.
- توانایی کامل کردن شکل‌ها، مهارت‌های سری‌سازی و ردیف کردن، که شامل به ترتیب چیدن اشیا طبق روال منطقی و با توجه به ویژگی آن‌هاست، در این سن تقویت می‌شود. برای انجام دادن این کار، کودک باید به این سؤال پاسخ دهد که بعد از این نوبت کدام یکی است.
- داستان نیمه‌تمام که با ایده و خلاقیت کودک تکمیل می‌شوند یا کشیدن نقاشی از قصه‌ها با استفاده

- مفهوم شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در ک می‌کند.
- دربارهٔ وقایع و حوادثی که رخ می‌دهد تا حدودی می‌تواند به زبان کودکانه صحبت کند.
- روزهای هفته را به ترتیب نام می‌برد.
- به جورچین (پازل)‌ها، بازی با کارت‌های مختلف، مار و پله و دوخت و دوز... علاقه نشان می‌دهد.
- نسبت به حوادث اطراف خود و آنچه در آن می‌گذرد کنجدکاو است.
- چند شعر و آواز کودکانه را از بر می‌کند و از شرکت در گروه‌های سروعد لذت می‌برد.
- به بدن، غذا، بهداشت و ظاهر و لباسش در حد کودکانه توجه نشان می‌دهد.
- پیش‌ها زودتر به درک حجم و فضا می‌رسند؛ بهمین دلیل آسان‌تر از دخترهای توانند شکل خاصی را در یک زمینهٔ پیچیده پیدا کنند.
- کنجدکاو و پرسشگر است و به دنبال رابطهٔ علت و معلولی پدیده‌های است که یکی از مهم‌ترین مراحل مهارت حل مسئله است.
- مفهوم ترتیب را درک می‌کند و می‌تواند با استفاده از اشیا و اشکال مختلف سری‌سازی کند (فرصت و صادقیان، ۵۹-۵۸)
- مقدار طول و عرض را می‌تواند آرام‌آرام به‌خارطه بسپارد.

خصوصیات اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی

- خانواده مرکز دنیای کودک پنج ساله است و معمولاً مادر، کانون همهٔ فعالیت‌های است. او دوست دارد رضایت مادرش را جلب کند اما ارتباط با پدر هم برایش لذت‌بخش است. در این سن ارتباط با پدر بزرگ، مادر بزرگ، خواهر یا برادر کوچک‌تر نیز برای کودک شکل عمیق‌تری به خود می‌گیرد. کودک در پایان این دوره، رفتارهای خود را فردی مستقل می‌بیند و الگوهایی که از رفتارهای اجتماعی گرفته است، در او ثابت می‌شوند.
- مفهوم همکاری و مشارکت را درک می‌کند. دخترها به‌خصوص به انجام دادن کارهای خانه علاقه‌مندند و در مهمانی‌ها و جشن‌ها شرکت می‌کنند. پسرهای نیز به تجربه‌های جدید علاقهٔ زیادی نشان می‌دهند.
- کودک در این سن دوستانش را خودش برمی‌گزیند و خیلی زود آن‌ها را تغییر می‌دهد و معمولاً به کسی دوست می‌گوید که مطابق می‌لش رفتار کند.
- او به بازی‌هایی که در آن‌ها به ایفای نقش و قرار گرفتن به جای دیگری می‌پردازد، علاقمند است و علایق و آرزوهایش را در این گونه بازی‌ها نشان می‌دهد. به بازی‌های رقابتی و مشارکتی نیز علاقه نشان می‌دهد و توانایی انجام دادن آن‌ها را دارد اما بیشتر تمایل دارد در بازی‌ها برنده باشد و اگر جزء برنده‌گان نباشد، ناراحت می‌شود و با گریه کردن و عصبانیت عکس العمل نشان می‌دهد.
- کودک با هم‌گروهی‌هایش ارتباط دوسویه برقرار می‌کند و نیاز به قانون و بازی را رفتارهای درمی‌باید. یاد می‌گیرد انتظار بکشد، نوبت را رعایت کند و به درک قواعدی که لازمهٔ مشارکت و تعامل صحیح و اصولی است نایل می‌گردد. او گاهی برای جلب توجه بزرگ‌سالان و گاهی برای جلب موافقت آنان یا ترس از تنبیه، اقدام به دروغ‌گویی می‌کند.
- کودک ضرورت نظم و ترتیب را درک می‌کند اما رعایت و نهادینه شدن آن‌ها نیازمند تداوم و یادآوری مداوم است.

برنامه‌های

دیگری صورت می‌گیرد.

۳. فراهم کردن فرصت برای سخن‌گفتن کودکان

مثال: از کودک بخواهید در مورد آنچه دوست دارد صحبت کند و چراً آن را شرح دهد.

۴. روش خودآموزی: این گونه است که کودک در مورد یک مسئله و علت بروز آن (مثل یک اختلاف کودکانه) بین بچه‌ها صحبت می‌کند و سپس نتیجه‌گیری می‌کند.

مثال: کتابی را تا اوج داستان بخوانید و از کودکان بخواهید راهکارهایی برای ادامه کار قهرمان پیش‌بینی کنند.

۵. روش قضاوی و داوری: در این روش سعی بر این است که کودک بتواند انواع واکنش‌های احتمالی یک موقعیت را که برخی انتبهای پذیرترند و یا حتی اتفاق افتاده‌اند، تشخیص دهد.

مثال: از کودک بخواهید به عنوان پلیس یا شهردار کودکستان، راهکارهایی ارائه دهد.

۶. روش تقویت رفتار: اگر کودک بتواند موقعیت برقراری ارتباط را بهتر بشناسد، در افزایش درک اجتماعی او مؤثر است و تکرار و تقویت می‌تواند در شناخت و یا ثبت یک رفتار کمک کند.

۷. روش نمایش و قصه‌گویی: قصه و نمایش از ابزارهای مؤثر برای آموزش مهارت‌های اجتماعی‌اند. (مجیب و دیگران، ۱۳۸۸)

۸. آموزش از طریق بازی: بازی و سیله‌هایی است مناسب برای آموزش مهارت‌هایی چون فعالیت گروهی، همکاری تعاون، رعایت نوبت و...)

۹. روش گردش علمی: یکی دیگر از روش‌های مناسب، که عمدتاً به شناخت محیط اطراف منجر می‌شود، روش گردش علمی است. در این روش کودک علاوه بر شناخت محیط، با فراد گوناگون جامعه (پستچی، رفتگر، فروشنده...) آشنا می‌شود. (همان: ۱۷۰-۱۷۴)

۱۰. بازی عامل رشد اجتماعی: بازی موجب می‌شود که کودک خود را به عنوان یک عامل فعل در محیط به حساب آورد و نه شخصی که فقط واکنش نشان می‌دهد. در خانواده و مدرسه، معمولاً از کودک می‌خواهند که از الگوهای رفتاری تعیین شده پیروی کند اما در دنیای بازی، کودک می‌تواند دنیا را آنقدر کوچک کند که به برازنده خودش شود و به میل خود آن را دست کاری کند. (روان‌شناسی رشد، ۱۳۷۶: ۱۹۹)

دیگر موارد مهم در پرورش رشد اجتماعی عبارت‌اند از: شعر: کودک شعر را همراه دیگران می‌خواند و از این طریق رفته‌رفته مهارت اجتماعی (مشارکت) در او تقویت می‌شود. نقاشی: کودک از اینکه می‌بیند می‌تواند از خود اثیری به جا

از قدرت تجسم و تصویر ذهنی توسط کودک، زمینه را برای ارتقای مهارت‌های تفکر او فراهم می‌سازند.

● تقویت مهارت‌های عددی را می‌توانید با طراحی فعالیت‌های ساده در قالب بازی‌ها یا کمک گرفتن در کارهای عادی کلاسی انجام دهید. برای مثال، کودک می‌تواند میزها، صندلی‌ها، کیف‌ها، یا میوه‌های داخل بشقابش را بشمارد یا به پرسش‌هایی چون: اگر یکی به میوه‌ها اضافه شود یا یکی از آن‌ها کم شود... پاسخ دهد.

● فعالیت‌هایی طراحی کنید که باعث تقویت هوش و ادراک فضایی کودک شوند (تمرکز روی تقارن اشیا در فضا)، توجه و دقت او را نسبت به اشیاء مختلف افزایش دهند یا در بردارنده تمرین‌هایی برای حالت‌های بدن (نشسته، خم شده و...) از زوایای مختلف باشند.

● فعالیت‌هایی طراحی کنید که در آن‌ها بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های وسائل گوناگون از کودک خواسته شود. معمولاً بیان موارد تشابه از ذکر تفاوت‌ها برای کودک ساده‌تر است. به خصوص در فعالیت‌ها روی مفهوم «یکسان بودن» یا «شباهت داشتن» تأکید کنید. یکسان بودن به معنای «دقیقاً همان بودن» است. کودکی که این مفاهیم را درست بفهمد، در سال‌های بعد مفاهیم ریاضی را بهتر درک خواهد کرد.

● کودک در این سن رفته‌رفته به مفاهیم زمانی پی‌می‌برد اما برای درک کامل آن‌ها به تمرین و تأکید نیاز دارد. فعالیت‌ها باید طوری طراحی شوند که مفاهیم قبل، بعد، دیروز، فردا، دیشب و... مربتا در کارهای روزانه مورد توجه قرار گیرند و تکرار شوند؛ برای مثال، بعد از کلاس کاردستی چه کاری داریم یا قبل از رفتن به پارک چه وسایلی را باید آماده کنیم؟ و... تأکید بر تغییرات فصل‌ها، تعطیلات روز تولد و... تیز می‌توانند در درک مفاهیم زمانی مؤثر باشند.

● فعالیت‌های مختلفی طراحی کنید تا کودک با تمرین و تکرار و با استفاده از وسائل مختلف (برگ‌ها، سنگ‌ها، اشکال هندسی و...) مهارت‌های مجموعه‌سازی، دیفسازی، طبقه‌بندی، تشخیص ویژگی‌های اشکال، تفاوت‌ها، شباهت‌ها، درک رابطه جزء و کل و... را به دست آورد. از این بخواهید علت کارهایش را توضیح دهد.

● محیط‌های طبیعی همیشه فرسته‌های بسیاری را برای بررسی، مقایسه، قضاؤت، حل مسئله، آزمایش، کشف رابطه علت و معلولی و تحریک کنچکاوی کودک فراهم می‌آورند. حتی فعالیت‌هایی برای خارج از محیط آموزشگاه پیش‌بینی کنید. (همان).

نحوه پرورش مهارت‌های اجتماعی در بین نوآموزان پیش‌دبستانی

۱. روش الگوپردازی: ایجاد الگویی از رفتار اجتماعی که موجب می‌شود فرد دیگری از طریق مشاهده و تقلید فرا گیرد، الگوسازی اجتماعی نام دارد. کودک رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند. سپس با اجرای مشابه در موقعیتی مشابه آن رفتار را تقلید می‌کند. کودکان به دوشیوه از دیگران تقلید می‌کنند: الف. مشاهده رفتار همسالان و بزرگ‌ترها، ب. تأثیرپذیری از شنیده‌های دیگران (همسالان، مربی و خانواده)

۲. روش مربی‌گری: این روش برخلاف الگو که از رفتار تقلید می‌شود به شکل راهنمایی کلامی بهطور پیاپی و طی جلسات و

بگذارد

احساس رضایت و اعتماد به نفس می کند.

بسیاری از مهارت‌های اجتماعی مثل اجازه گرفتن برای دست زدن به وسایل دیگران، پس دادن وسایل دیگران و تبادل نظر با همسالان را می آموزد.

کاردستی: مهارت‌های اجتماعی (کار گروهی، مشارکت، رعایت نوبت، اجازه گرفتن در هنگام دست زدن به وسایل دیگران...) در او توسعه می‌یابد. کودک از اینکه می‌بیند خود، چیزی ساخته است، احساس رضایت و اعتماد به نفس پیدا می‌کند.

آموزش مفاهیم علمی: فرستاده‌های برای تجربه کردن و آزمایش پیدا می‌کند؛ در نتیجه احساس استقلال و اعتماد به نفس پیدا می‌کند و قوانین اجتماعی (رعایت نوبت، انصباط...) را می‌آموزد. (فرستاده و صادقیان، ۱۳۸۹: ۷۴-۸۰)

همیت و ضرورت پرورش مهارت‌های اجتماعی در بین نوآموزان پیش‌دبستانی

رشد اجتماعی به کودک کمک می‌کند تا از چگونگی ارتباط با مردم، لذت بردن از روابط اجتماعی و روش حفظ این روابط را بیاموزد. با قرار گرفتن در کنار دیگران و برقراری ارتباط، احساس ارزشمند بودن در او قوت می‌گیرد و در نتیجه اعتماد به نفس افزایش می‌یابد. همچنین در سایه توسعه ارتباطات اجتماعی دوستانی پیدا می‌کند، در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌جوید و با سیاری از قوانین اجتماعی (رعایت نوبت، احترام گذاشتن به حقوق دیگران، رعایت قولانی در بازی‌ها...) آشنا می‌شود. (همان: ۳۵)

کودک به تدریج از طریق ارتباط با دیگران بر مهارت‌های اجتماعی خود می‌افزاید. در این دوره، دوستان و هم‌بازی‌ها تأثیر بسزایی در رشد اجتماعی کودک دارند. ابرابرآمیزش با همسالان و کوچه به تدریج پی‌می‌برد که برخی آموخته‌هایش مناسب و مقبول نیستند و باید تغییر یابند. اگر کودکستان از امکانات کافی برخوردار باشد، مهارت‌های اجتماعی کودک را فزایش می‌دهد. او در آنجا به یادگیری و تجربه می‌پردازد و روش‌های ارتباط با دیگران را می‌آموزد و به نقاط قوت و ضعف خود پی‌می‌برد. (شفعی‌آبدی، ۱۳۷۹: ۲۷)

همیت و ضرورت پرورش مهارت ذهنی

این دوره از رشد کودک اهمیت ویژه‌ای دارد. با رشد ذهن در این دوره خلاقیت کودک به اوج می‌رسد. استفاده از روش‌ها و مواد آموزشی مختلف موجب پرورش تخیل، خلاقیت و فعالیت‌های ذهنی می‌شود. کودکان در این دوره از ابداع و ابتکار لذت می‌برند و از انرژی بسیاری برخوردارند، انرژی نهفته در نوآموزان به آنان اجازه می‌دهد شکست را فوراً فراموش کنند و با کسب تجربه و با انرژی بیشتری به فعالیت پردازنند. (صادقیان و شعبانی، ۱۳۹۰: ۳۷)

رشد ذهنی فرایندی است که در گذر آن مهارت‌های تفکر کودک گسترش می‌یابد. این فرایند شامل تشخیص، تصور، ادراک، استدلال و حل مسئله است. رشد ذهنی به کودک کمک می‌کند تا دنیای اطرافش را بهتر بشناسد و از اندیشه‌یدن لذت ببرد. ارتقای این مهارت‌ها بدون شک موقوفیت‌های او را در سال‌های بعد در پی خواهد داشت. کودک در مواجهه با امور روزمره نیازمند درک کردن، تشخیص دادن، تفکر کردن و حل مسئله است. او برای اینکه بتواند محيط پیرامون خود را بشناسد، نیازمند این مهارت‌هاست. بنابراین موقوفیت مربوط به زندگی آینده او در گروه توانایی وی در به کارگیری مهارت‌های ذهنی است. (فرستاده و صادقیان، ۱۳۸۹: ۵۴)

منابع

۱. مجتبی، فرشته و دیگران؛ فعالیت‌های آموزشی پیش‌دبستانی، ناشر، ۱۳۸۸.
۲. فرستاده توانه و نبی الله صادقیان؛ آشنایی با ویژگی‌های کودکان پیش‌دبستانی، ۱۳۸۹.
۳. شفیع آبدی، عبدالله، راهنمایی و مشاوره کودک (مفاهیم و کاربردها)، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۴. روان‌شناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی، ۱۳۷۶.
۵. ونیتاکول، ترجمه فرخنده مفیدی، برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ترجمه فرخنده مفیدی، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۸۰.
۶. فعالیت‌های یاددهی - یادگیری - برنامه درسی برای دوره پیش از دبستان، به کوشش نبی الله صادقیان و عبدالله شعبانی، ۱۳۹۰.


زهرا میرمحمدی

کارشناس ارشد پیش‌دبستانی، کارشناس ارزیابی عملکرد پیش‌دبستان منطقه دو

رویکرد آموزشی های اسکوپ

مقدمه

شیوه آموزشی «های اسکوپ» (High-scope) یک رویکرد آموزشی نوین و بیژن کودکان ۳ تا ۶ سال است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری و آموزشی قرار گرفته است. به کارگیری این رویکرد نوین به سطح فرهنگی، درآمد، قومیت، مذهب و... خانواده‌ها و یا جنسیت، بهره هوشی و... کودکان بستگی ندارد و در هر نقطه از دنیا برای همه کودکان قابل اجراست. از این شیوه می‌توان در مدارس دولتی و غیردولتی، مهدهای کودک، شیرخوارگاه‌ها، مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست، و مدارس کودکان استثنایی استفاده کرد.

مفهوم و تاریخچه

رویکرد آموزشی های اسکوپ ریشه در نظریه یادگیری ژان پیاژه دارد.

پیاژه (۱۸۹۶ - ۱۹۸۲) یکی از برجسته‌ترین روان‌شناسان قرن بیستم و صاحب آثاری چون «زبان و تفکر کودک»، «داوری

و منطق کودک»، «مفهوم کودک از جهان»، «داوری اخلاقی کودک»، «اساس هوش کودک»، «شکل‌گیری واقعیت در ذهن کودک» و «بازی و تقلید در کودکی» است.

وی در رشد شناختی قائل به چهار مرحله است؛ نخستین مرحله حسی حرکتی است که از زمان تولد شروع می‌شود و معمولاً تا دو سالگی طول می‌کشد. در این مرحله حواس و حرکت کودک بنیان رشد وی است. کودک ارتباط میان اعمال خود و پیامدهای آن‌ها را کشف می‌کند و مفاهیمی چون شیء، فضاء، زمان و علیت را درمی‌یابد.

در مرحله دوم، یعنی مرحله پیش‌عملیاتی (از دو تا هفت سالگی) زبان، تجسم، ارتباط‌گیری گسترده‌تر با دیگران و تفکر نمادین پدیدار می‌شود و در نتیجه، کودک این توانایی را می‌یابد که میان اشیا و حواس خود تمایز قائل شود. از نظر پیاژه، کودک در این دوره در حال ورود به سطحی ابتدایی از منطق و استدلال است و می‌تواند درباره حال، آینده و گذشته فکر کند و برخی از مفاهیم و کمیت‌ها را نیز به خاطر بسپارد.

در مرحله عملیاتی (هفت تا یازده سالگی) کودک می‌تواند به مفهومی از منطق دست یابد، قوانین را کشف کند و رابطه‌های مستدلی به وجود آورد که پایدار باشند. همچنین می‌تواند هر شیء و یا رویدادی را از جنبه‌ها و سطوح مختلف مورد بررسی قرار دهد و طبقه‌بندی کند.

کودک از ۱۲ سالگی وارد مرحله انتزاعی می‌شود که در آن علاوه بر تلاش برای هماهنگ کردن خود با محیط پیرامون، می‌کوشد محیط پیرامون را نیز با خود هماهنگ کند. در این دوره، تفکر فرد از قلمرو واقعیات عینی و محسوس فاصله می‌گیرد و به قلمرو انتزاعیات وارد می‌شود.

از نظر پیاژه، هر کودکی به شیوه خاص خود این مراحل را طی می‌کند اما در امر آموزش ضروری است کودکان در مسیری قرار بگیرند که بتوانند این مراحل را بهطور کامل سپری کنند؛ هرچند به دلایل گوناگونی ممکن است افراد نتوانند همه این مراحل را در زندگی خود تجربه کنند و چه بسا در مراحلی

خاص متوقف شوند. پیاژه با تأکید بر روان‌شناسی تحول‌نگر، از دیدگاه تحولی در رشد انسان و جامعه انسانی سخن می‌گوید که به تبع آن، مفاهیم، زبان، نوع نگاه و وسعت ادراک فرد از جهان تغییر می‌کند. الگوی‌های اسکوپ بر مبنای چنین نظریاتی و به عنوان یکی از الگوهای منطبق بر دیدگاه پیاژه شکل گرفته است و می‌توان نام «بینش وسیع یا کودک فعل» را نیز به آن اطلاق کرد.

الگوی‌های اسکوپ مبنای بر یادگیری فعل ایست و بینگی‌هایی چون برنامه‌ریزی منظم، سیستم ارزشیابی و نظام پیگیری برنامه‌ها دارد. از نظر نظریه پردازان این سیستم آموزشی، یادگیری منطبق با رشد به این معناست که کودک استعدادها و علایق خود را دربال می‌کند، قابلیت‌های خود را تشخیص و پرورش می‌دهد و در نهایت می‌تواند یافته‌های باش را به خاطر بسپارد، تعیین دهد و میان آن‌ها و یافته‌های قبلی یا آنچه در آینده خواهد آمده، ارتباط ایجاد کند.

های اسکوپ در لغت به معنای بالاترین نقطه توجه یا بالاترین هدف است اما معنای آموزشی این عبارت یک رویکرد یادگیری فعل می‌باشد که در آن بچه‌ها به طور مستقیم با افراد، اشیاء، حوادث، عقاید و وسائل مختلف مواجه می‌شوند و شخصاً آن‌ها را تجربه می‌کنند. در این شیوه، علاقه و انتخاب بچه‌ها در رأس هرم شیوه آموزشی است.

بچه در شیوه آموزشی های اسکوپ ساختار دانش و یافته‌های خود را برآساس تعامل با مردم و دنیای اطراف بنا می‌کند. آن‌ها در اولین قدم یادگیری طرحی را انتخاب و برنامه‌های خود را در قالب این طرح پیاده می‌کنند. انتخاب نوع طرح اولیه در این شیوه خلیل مهم است.

هر چند بچه‌ها در انتخاب طرح مختار و آزادند ولی تنها نیستند و مربیان و حتی والدین آن‌ها از بچه‌ها، حمایت‌های عملی، عاطلفی و معنوی می‌کنند. در شیوه آموزشی های اسکوپ، افراد بزرگ‌سال (مربی و والدین) خلاقیت و قوه تفکر بچه‌ها را با تعاملات تربیتی و آموزشی و به کارگیری وسایل و شیوه‌های کاربردی پرورش می‌دهند و در واقع، استعدادهای بالقوه آن‌ها را شکوفا می‌سازند. های اسکوپ نظامی آموزشی است که نظریه را با عمل توان می‌کند و در حال حاضر، به بنیادی تبدیل شده است که می‌توان گفت از حرفه‌ای ترین سازمان‌های علمی در حوزه رشد و تکامل خردسالان است. این بنیاد با حمایت دولت ایالات متحده از سال ۱۹۷۰ اجرای طرح پژوهشی بزرگ‌ری آغاز کرد و پس از ۲۷ سال، نتیجه آن را اعلام نمود. در جریان این تحقیق، افرادی از سال ۱۹۷۰ و هنگام خردسالی تحت پوشش برنامه‌های آموزشی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که در خردسالی در مراکز پیش‌دستانی با برنامه‌های آموزشی های اسکوپ بودند، شغل‌های خوب و مناسب و درآمدهای بالایی به دست آورده‌اند، خانواده‌اش تشكیل داده‌اند، خطاهای قانونی و قضایی ندارند، کمتر به طلاق روی اورده‌اند و در کل، در سطح به هنجار جامعه افرادی موفق هستند.





دیدگاه‌ها، موقعیت‌ها و قایع گوناگون به برداشت‌های تازه‌ای دست یابد. در این نظام آموزشی، چهار اصل مهم وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. کار مستقیم با اشیاء پیرامون، که لزوماً ابزارهای آموزشی نظری آنچه در الگوی آموزشی مونته‌سوری بود، نیستند و می‌توانند هر چیزی باشد که در اطراف کودک وجود دارد. البته این مواجهه مستقیم فقط به اشیاء محدود نمی‌شود و تجربه‌های گوناگون از مواجهه با همه امور در زندگی را نیز در بر می‌گیرد.

۲. بازتاب فعالیت‌ها اصل دوم در این نظام آموزشی است که براساس آن علاوه بر اهمیت مواجهه مستقیم کودک با پدیده‌ها، روندی نیز که کودک طی می‌کند تا از مقدمات و پرسش‌های ذهنی به نتایج و پاسخ‌ها برسد، اهمیت دارد.

۳. خلاقیت اصل دیگری است که روان‌شناسی تحولی بر آن تأکید بسیار دارد و بر مبنای آن، کودک در مسیر وارسی، دست زدن و آزمایش به سطحی از ابتکار و نوآوری دست می‌یابد.

۴. حل مسئله اصل بنیادین دیگری است که نظریه‌پردازان نظام آموزشی (های اسکوب) بر آن تأکید بسیار دارند. بنابراین، از آنجا که کودکان در زندگی واقعی با مسائل گوناگونی برخورد می‌کنند، لازم است فرایند هماهنگ شدن با مسائل و حل آن‌ها به نحوی باشد که در نهایت، چیزهای جدیدی یاد بگیرند؛ چرا که در واقع، در این نظام آموزشی حل مسئله بخشی از فرایند آموزشی است.

بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که کودکان در نظام آموزشی های اسکوب حق انتخاب دارند و بروز خطا امری طبیعی قلمداد می‌شود. همچنین، در این نظام آموزشی تحول روانی کودکان موردن توجه ویژه قرار می‌گیرد و در نهایت، بر گفت‌وگو به عنوان یکی از عوامل مهم در فرایند یادگیری تأکید می‌شود.

نکته مهم دیگر این است که کودک در این نظام آموزشی و در هر فعالیتی که انجام می‌دهد، به سه نکته مهم یعنی برنامه‌ریزی کردن، انجام دادن و بازبینی کردن توجه دارد.

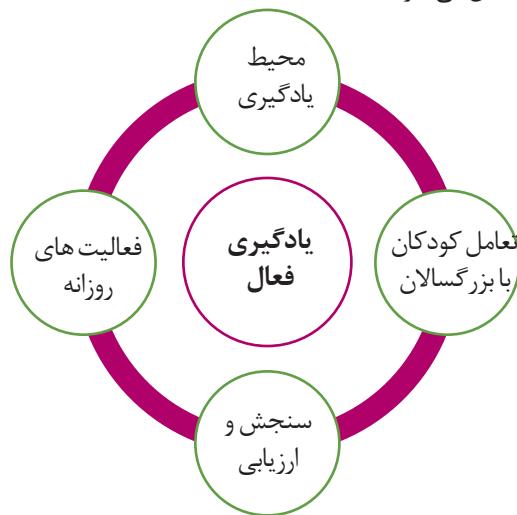
در این نظام آموزشی، حفظ کردن اهمیت ندارد بلکه باید زمینه‌ای برای پایه‌ریزی نظام فکری، استدلال، منطق و رشد عقلانی کودک فراهم شود. از همین رو مربیان از کودک می‌خواهند که

این تحقیق توجه بسیاری از دولتها را به آموزش جدید و هرچه سریع‌تر خردسالان جلب کرد. به علاوه، یونیسف، یونسکو و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی فعال در آموزش خردسالان با این پژوهش به ضرورت آموزش خردسالان بی‌بردن و به ترویج آن پرداختند.

این تحقیق حتی به دولت آمریکا نشان داد که براساس هر دلاری که برای خردسالان سرمایه‌گذاری کند، پس از ۲۷ سال هفت دلار صرفه‌جویی کرده است. از این رو بانک جهانی نیز به ترویج این شعار پرداخت که «شش سال سرمایه‌گذاری کن و شصت سال بفرهنگ ببر».

مدل‌های اسکوب

همان‌طور که در مدل ملاحظه می‌شود، رویکردهای اسکوب شامل چهار عنصر اصلی است: عنصر اول محیط یادگیری، عنصر دوم چگونگی تعامل کودکان و والدین و مربیان، عنصر سوم سنجش و ارزیابی وضعیت رشد کودکان و عنصر چهارم شرایط فعالیت‌های کودکان در محیط آموزشی را با رویکردهای اسکوب مشخص می‌سازد.



کشورهای فعال در زمینه رویکرد آموزشی های اسکوب

در حال حاضر، بنیادهای اسکوب به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی - واقع در دانشگاه میشیگان ایالات متحده آمریکا - رویکرد آموزشی های اسکوب را در ابعاد مختلف ترویج و توسعه می‌دهد و در بسیاری از کشورها از جمله چین، کانادا، شیلی، مکزیک، ایرلند، انگلیس، اندونزی، هلند و آفریقای جنوبی نمایندگی دارد.

اصول و ویژگی‌ها

یادگیری فعال در نظام های اسکوب به این معناست که کودک می‌تواند از طریق برخورد و ارتباط مستقیم با ابزارهای، مردم،



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های داشش آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد داشش آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های داشش آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

▪ رشد آصوژش ابتدایی ▪ رشد تکنولوژی آموزشی

▪ رشد مدرسه فردا ▪ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ▪ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ▪ رشد آموزش مشاور مدرسے ▪ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ▪ رشد آموزش تاریخ ▪ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ▪ رشد آموزش ریاضی ▪ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ▪ رشد آموزش زیست‌شناسی ▪ رشد مدیریت مدرسے
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ▪ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مریبان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروههای آموزشی و...، تهیه و منتشر می‌شود.

▪ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴

آموزش و پژوهش، پلاک ۲۶۶

▪ تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

▪ وبگاه: www.roshdmag.ir



برای

هر کار و

هر سخنی، دلایل خود را بیان کنند. در واقع، این امر سبب می‌شود که کودک بتواند برای هر تصمیم و عملی در زندگی آینده خود دلایلی روشن و مشخص داشته باشد.

در مدارس تابع نظام آموزشی های اسکوپ اساس هر درسی ایجاد اعتماد به نفس و ارتقای شایستگی های کودک در زندگی فردی و اجتماعی است؛ به نحوی که او بتواند در تمامی زمینه های زندگی خود به نحو عملی از آموزش هایی که دیده است، بهره ببرد و استفاده کند. به همین دلیل است که نظام آموزشی های اسکوپ بر ده حوزه آموزشی گوناگون در رابطه با آموزش کودکان تأکید می کند که عبارت اند از: نمایش خلاق، زبان آموزی و سواد آموزی، ابتکار عمل و روابط اجتماعی، حرکت، موسیقی، طبقه بندی، مجموعه سازی، عدد، فضا، زمان، در نظام آموزشی های اسکوپ مربی بیش و پیش از هر چیز ناظر بر فعالیت های کودک است و با مشاهده دقیق رفتارهای او فرستاده های بیشتری را برای این رفتارها فراهم می کند. مربی همواره می کوشد که کودک و رفتار وی را درک و در تمام مراحل کار از وی حمایت کند و به حرفها، تفکر، خواسته ها و مسائل کودک گوش دهد و در نهایت وی را در فعالیت همراهی کند. با این همه، مربیان در این نظام آموزشی به جای استفاده از روش های کمی، می کوشند به کمک مشاهده دقیق و دائمی روند حرکت و رشد کودکان را ارزیابی کنند.

منابع

1. <http://www.highscope.org>

2. <http://www.roshdmag.ir/fa/news/642>

۳. یوسفی، ناصر؛ رویکردهای آموزشی، انتشارات دنیای کودکان، تهران، ۱۳۹۰.



روش رشد آموزش پیش‌دبستانی

اشاره

خوانندگان محترم مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی!
 شما از طریق وسیله‌های ارتباطی ذکر شده در صفحه شناسنامه مجله: ارسال نامه‌ها و نوشته‌ها، صندوق پستی، وبگاه، پیام‌نگار، نمایر مجله، ایجاد ارتباط از طریق تماس تلفنی و تلفن پیامگیر می‌توانید با ما در ارتباط باشید. البته اگر مراجعة حضوری نیز داشتید، در دفتر مجله واقع در محل دفتر انتشارات کمک‌آموزشی در خیابان ایرانشهر شمالی، در خدمتتان خواهیم بود.
 دوستان عزیز مقالات و نوشته‌های شما رسید، ولی بهدلیل انبوه بودن مقالات دریافتی، حجم کم صفحات مجله و نیز عدم تطابق برخی نوشته‌ها با هدف‌های انتشار مجله، فعلاً در اولویت قرار نگرفته‌اند. منتظر سایر نوشته‌ها و مقاله‌های شما هستیم.
 مطالب این عزیزان به دستمنان رسید:
 - عاطفه یوسفی / کودکان از نظر جان دیوبی
 - ماهرخ کامیابی املشی / اهداف آموزش و پرورش پیش از دبستان
 - محمد هوشیار فتحی / من نمی خواهم بروم
 - فرشته نیک‌سیرت / اسباب بازی‌هایی که کودک شما را خلاق‌تر می‌کند.
 - صدیقه السادات نوری / توصیه‌هایی برای کمک به کودکانتان تا با مدرسه جدید آشنا شوند.



وادیت آرچی پرداز
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

رشد آموزش

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سفراه آزمایش کد ۴۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۹۱۲۷۷۳۳۰۰۰۰. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک:

شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
 ♦ تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۶ و ۰۲۱-۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
 ♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال